

محتوای ویژه کتاب

- شرح کامل همه اشعار کتاب
- گزینش و ذکر لغات مهم درس
- پاسخ به خودارزیابی‌ها، گفت‌وگوها و تمرین‌های کتاب درسی
- موارد مهم و سؤالات امتحانی
- تاریخ ادبیات
- عبارت‌ها، ترکیب‌ها و واژه‌های مهم املائی
- ارزشیابی مستمر در پایان هر درس همراه با پاسخ و بارم‌بندی
- آزمون‌های پایانی با پاسخ و بارم‌بندی

فارسی ۱

ستایش

واژه‌نامه

افلاک:	آسمان‌ها	فروغ:	روشنایی
بی‌زوال:	بدون نابودی، جاویدان	فضل:	بخشش
خلاق:	خلق‌کننده، آفریننده	کام:	دهان
رزاق:	روزی‌دهنده، از صفات خداوند	کفی خاک:	مشتی خاک
زهی:	آفرین، احسن	گنگ:	لال، کسی که نتواند کلمات را ادا کند.

۱۰

معنی ابیات

به نام کردگار

قالب شعر: مثنوی

۱۱ به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک

به نام خداوندی که هفت آسمان را خلق کرد. پروردگاری که انسان را از مشتِ خاک به وجود آورد.

آرایه: هفت افلاک: مجاز از تمام دنیا- مصراع دوم: تلمیح به آیه قرآن «اَنَا خَلَقْنَاكُمْ بَشَرًا مِنْ طِينٍ»

۱۲ الهی فضل خود را یار ما کن ز رحمت یک نظر در کار ما کن

خدایا با بخشش ما را یاری کن و از روی لطف و رحمت به ما توجه کن.

آرایه: جناس ناقص یار و کار - نظر در کار کردن: کنایه از توجه کردن

۱۳ تویی رزاق هر پیدا و پنهان / تویی خلاق هر دانا و نادان

خداوند تو روزی دهنده همه موجودات و خلق کننده همه انسان ها هستی.

آرایه: تضاد (پیدا و پنهان) (دانا و نادان): پیدا و پنهان و دانا و نادان مجاز از همه چیز و همه کس - کل بیت آرایه موازنه دارد.

۱۴ زبی گویا ز تو کام و زبانم / تویی هم آشکارا هم نهانم

آفرین بر خدایی که زبانم با وجود او سخنور شده است. خدایی که از همه چیز من آگاه است.

معنی دوم: خداوندی که نشانه های وجودش در همه جا آشکار است، اما از دیدگاه نهان و ناپیدا است.

آرایه: تضاد (آشکار و نهان) - واج آرایه در مصوت بلند «آ» - مجاز (آشکار و نهان از همه چیز)

۱۵ چو در وقت بهار آبی پدیدار / حقیقت پرده برداری ز زخار

هنگامی که در فصل بهار خود را نشان می دهی، به درستی که از چهره حقیقت نقاب برمی داری. (با آمدن بهار و فصل رویش، حقیقت وجود تو آشکار می شود).

آرایه: پرده برداشتن: کنایه از آشکار کردن.

۱۶ فروغ روت اندازی سوی خاک / عجایب نقش؛ سازی سوی خاک

از تابش نور رخسار تو است که بر پهنه خاک، رویدنی های عجیب و زیبا در رنگ ها و جلوه های گوناگون سبز می شوند.

آرایه: نقش: استعاره از زیبایی های خلقت.

۱۷ گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ های بی ثار است

گل از اشتیاق به تو در فصل بهار همیشه خندان است. این همه رنگ های گوناگون و جلوه های دل فریب گل به خاطر وجود تو است.

آرایه: تشخیص در مصراع اول (خندیدن گل).

۱۸ هر آن وصفی که گویم، میش از آنی / یقین دانم که بی شک، جان جانی

خدایا هر گونه که تو را وصف کنم تو بالاتر از آن توصیف هستی. یقین دارم تنها تو در عمق جان من جای داری.

آرایه: تکرار - (جان جان) - جناس ناقص (آنی و جانی).

۱۹ نمی دانم، نمی دانم الهی / تو دانی و تو دانی آنچه خواهی

«الهی نامه عطار نیشابوری»

خداوند من از آنچه که تو می خواهی آگاهی ندارم. تنها تویی که از همه چیز آگامی.

آرایه: تضاد (ندانستن و دانستن) - تکرار.

تاریخ ادبیات

عطار نیشابوری:

فریدالدین ابوحامد عطار نیشابوری، شاعر و عارف نام آور ایران در قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری است. شغلش

درویشی و طبابت بود. از آثار مهم نثر او «تذکره الاولیاء» و آثار منظومش «منطق الطیر» و «الحی نامه» است.

(به نقل از تاریخ ادبیات ایران اثر ذبیح الله صفا)



مفاهیم آموزشی

در ادبیات هر ملت، سروده‌ها و نوشته‌های فراوانی را می‌توان یافت که به موضوعاتی چون دعوت به راستی و درستی، پاکی و تهذیب روح پرداخته‌اند. ادبیات ما نیز با آثاری چون گلستان و بوستان سعدی، قابوس‌نامه، کلیله و دمنه و ... در این زمینه غنی و پربار است. ادبیات تعلیمی بر دو نوع است: نوع اول که به بهره‌گیری از فرصت‌ها، محبت ورزیدن به پدر و مادر و هم‌نوعان، خودداری از گناه و غفلت و دنیاپرستی تأکید دارد. در ادبیات تعلیمی نوع دوم، شاعر یا نویسنده می‌کوشد موضوعات آموزشی را با روشی ساده و آسان به مخاطب بیاموزد، مانند کتاب نصاب‌الصبيان از ابونصر فراهی که برخی لغات و اصطلاحات را در قالب شعر آموزش می‌دهد. به مجموع این آثار که موضوع آنها آموزش و تعلیم است، ادبیات تعلیمی می‌گویند.

چشمه و سنگ

واژه‌نامه

بُن:	عمق	گَلبن:	بوته گل
پیرایه:	آرایش، در اینجا به معنی زیبایی	غَلغله‌زن:	جوشان، جوشنده
تیزپا:	سریع، دهنده	معرکه:	میدان جنگ، در اینجا منظور دنیا است.
زهره‌دَر:	زهره ترک کردن، ترساندن	نَمط:	روش، شیوه
سهمگن:	ترسناک	ورطه:	هلاکت، مهلکه
شکن:	چین و خم زلف	تله:	رها، آزاد

معنی ابیات

چشمه و سنگ

قالب شعر: مثنوی

۱۱ کشت کمی چشم ز سنگی جدا غلغلزن، چره نما، تیزپا

چشمه‌ای با تکبر و غرور و جوش و خروش بسیار از سنگی جدا شد.
آرایه: تشخیص در مصراع دوم (چهره‌نما، تیزپا)

۱۲ که به دهان، برزده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر برف

گاهی همچون صدف کف به دهان می‌آورد و گاه همچون تیری بود که به هدف می‌نشست. (مستقیم و به سرعت می‌رفت).
آرایه: تشبیه در هر دو مصراع، تشخیص در مصراع اول - کنایه در مصراع دوم (تیر به هدف خوردن: کنایه از مستقیم و به سرعت رفتن)

۱۳ کفت درین معرکه یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم

می‌گفت که در این میدان نبرد (دنیا) من نظیری ندارم. من تاج سر گل و سرور صحرا هستم.
آرایه: تشخیص در مصراع اول

۱۴ چون بدم، سبزه در آغوش من بوسه تند بر سر و بر دوش من

هنگامی که می‌دوم، سبزه خود را در آغوش من می‌اندازد و بر سر و دوش من بوسه می‌زند.
آرایه: تشخیص - واج آرایی در حرف «ب» - مراعات نظیر (سر، دوش و آغوش)

۱۵ چون بکشیم ز سر مو شکن ماه بیند رخ خود را به من

هنگامی که چین و شکن موهای خود را باز کنم، ماه با آن همه زیبایی تصویر خود را در من می بیند.
آرایه: کنایه در مصراع اول (زیبایی خود را نشان می دهد).

۱۶ قطره باران که در اقد به خاک زو بدد بس کمر تهاک

وقتی که قطره باران در خاک می افتد، گل های رنگارنگی از او به وجود می آید.
آرایه: گهر: استعاره از گل ها

۱۷ در بر من ره چون به پایان برد از غلی سر به گریبان برد

باران با وجود زیبایی هایی که در خاک به وجود می آورد، هنگامی که به من می رسد، از خجالت و شرمندگی سر به گریبان خویش می برد.
آرایه: سر به گریبان بردن: کنایه از شرمندگی شدن

۱۸ ابر ز من حائل سایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

ابر به خاطر وجود من پراز باران شده و باغ به خاطر من زیبا و رنگارنگ گشته است.
آرایه: موازنه - سرمایه: استعاره از باران

۱۹ گل به هم رنگ و برانگی می کند از پرتو من زندگی

گل با وجود این همه زیبایی و لیاقت به خاطر وجود من است که زنده است و زندگی می کند.
آرایه: واج آرایی در صامت «گ»

۱۱۰ در بن این پرده نیلوفری کیت کند با چو منی همسری؟

در زیر این آسمان آبی چه کسی می تواند با من برابری کند؟ (کسی نمی تواند).
آرایه: تشخیص، واج آرایی «گ». بیت پرسش انکاری است.

۱۱۱ زین نمط آن مست شده از غرور رفت و ز مبدأ چو کی گشت دور

۱۱۲ دید یکی بحر خروشنده ای سگمنی نادره جوشده ای

۱۱۳ نعره بر آورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در

۱۱۴ راست به مانند یکی زلزله داده تش بر تن ساحل، یک

آن چشمه از غرور مست گشته با تکبر رفت و هنگامی که از سنگ دور شد، دریای خروشان، ترسناک و بی نظیری را دید که با خشم و خروش خود فریاد برآورده و گوش فلک را کر کرده است. دریای هولناک درست مانند زلزله ای بود که خود را در آغوش ساحل رها می کرد. (ابیات موقوف المعانی اند).

آرایه: تشخیص، کر کردن فلک: کنایه از بلند صدا زدن، فریاد برآوردن - دیده سیه کردن و زهره در شدن: کنایه از ترساندن.

۱۱۵ پشتر کوچک چو به آنجا رسید وان هم به کلمه دریا بید

۱۱۶ خواست کز آن ورطه قدم در کشد خویشتن از حادثه برتر کشد

۱۱۷ لیک چنان خیره و خاموش ماند کز هم شیرین سخنی گوش ماند

چشمه کوچک هنگامی که به آنجا رسید و آن غوغا و فریاد دریا را دید، خواست تا خود را از آن مهلکه و حادثه نجات دهد، اما آن چنان ساکت و متعجب شد که با وجود همه شیرین سخنی فقط گوش کرد و چیزی نگفت. (ابیات موقوف المعانی اند).
آرایه: قدم در کشیدن: کنایه از بیرون آمدن - گوش ماندن: کنایه از خاموش شدن، سخن نگفتن - حس آمیزی: شیرین سخنی

«نیمایوشیح علی اسفندیاری»

تاریخ ادبیات

نیما یوشیج: علی اسفندیاری معروف به نیما یوشیج اهل یوش مازندران، پدر شعر نو فارسی است. او با سرودن «افسانه» شعر نو را تکامل بخشید و با قطعه «ققنوس» آن را به اوج رساند. نگاه تازه به طبیعت و دید اجتماعی او از ویژگی‌های مهم شعرو است.

۱۴

قلمرو زبانی

- ۱- معادل معنایی هریک از واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.
میدان جنگ (معرکه) جرئت (زهره) شیوه (نمط) کمیاب (نادره)
- ۲- معنای واژه‌های مشخص شده را با معادل امروزی آنها مقایسه کنید.
- در بُن این پرده نیلوفری
- راست به مانند یکی زلزله
واژه «همسری» در گذشته به معنای «برابری» بوده اما امروزه به معنای «زوج» (شوهر یا زن) است. واژه «راست» نیز در گذشته به معنای «درست» بوده اما کاربرد امروزی آن در معنای «مستقیم» و «خط راست» است.
- ۳- بیت زیر را براساس ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی، مرتب کنید و نام اجزای آن را مشخص نمایید.
«گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغهن، چهره‌نما، تیزپا»
چشمه‌ای غلغهن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.
نهاد متمم فعل
- ۴- در بیت پانزدهم، کدام گروه اسمی، در جایگاه مفعول قرار دارد؟ وان همه هنگامه دریا

۱۴

قلمرو ادبی

- ۱- هریک از بیت‌های زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.
چون بگشایم ز سرمو، شکن ماه بیند رخ خود را به من
تشخیص: در مصراع دوم مراعات نظیر: مو، رخ، سر
گه به دهان برزده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف
تشبیه: (در هر دو مصراع) - تشخیص - کنایه در مصراع دوم (تیر بر هدف رفتن: کنایه از مستقیم و با سرعت)
- ۲- با توجه به شعر نیما، «چشمه» نماد چه کسانی است؟ انسان‌های مغرور و خودخواه
- ۳- مفهوم کنایه مشخص شده را بنویسید.
«در بر من ره چو به پایان برد»
شرمنده شدن
- ۴- آمیختن دو یا چند حس، در کلام را «حس آمیزی» می‌گویند؛ مانند «از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر»؛ به جای «شنیدن سخن»، «دیدن سخن» آمده است. نمونه‌ای از کاربرد این آرایه ادبی را در سروده نیما بیابید.
شیرین سخنی - شاعر به جای «شنیدن سخن» از «چشیدن سخن» استفاده کرده است.

۱۵

قلمرو فکری

- ۱- پس از رسیدن به دریا، چه تغییری در نگرش و نحوه تفکر «چشمه» ایجاد شد؟ به کوچکی و حقارت خود پی برد و از غرور و خودبینی دست برداشت و محو عظمت و بزرگی دریا شد.
- ۲- معنای بیت زیر را به نثر روان بنویسید.
«نعره برآورده، فلک کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره ذر»
با صدای بسیار بلند فریاد می‌زد و گوش فلک را کر کرده بود. همه را ترسانده بود.

۱۴

پایه دهم عمومی (دوره دوم متوسطه)

تاریخ ادبیات

۱۷۸

۳- سروده زیر از سعدی است، محتوای آن را با شعر نیما مقایسه کنید.

خجل شد چو پهنای دریا بدید
گراوهست حقا که من نیستم
صدف در کنارش به جان پرورید
در نیستی کوفت تا هست شد

یکی قطره باران ز ابری چکید
که جایی که دریاست من کیستم؟
چو خود را به چشم حقارت بدید
بلندی از آن یافت کو پست شد

در داستان نیما، چشمه نماد انسان مغرور و متکبری است که همه چیز و همه کس را به چشم حقارت می بیند و خود را بزرگ تر از همه می داند. اما در شعر سعدی، قطره باران متواضع و فروتن است و این تواضع سبب می شود که او با ارزش شود. البته چشمه نیز در آخر داستان به کوچکی و حقارت خود پی می برد و با دیدن عظمت دریا، سکوت اختیار می کند.

۴- دوست دارید جای کدام یک از شخصیت های شعر نیما (چشمه، دریا) باشید؟ برای انتخاب خود دلیل بیاورید.
دریا، زیرا دریا نشانه عظمت و بزرگی است.

۵- در بیت «ابر ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد» منظور از «حامل سرمایه و صاحب پیرایه» چیست؟ حامل سرمایه: باران، صاحب پیرایه: گل های رنگارنگ

گنج حکمت

۱۶

خلاصه دانش ها

واژه نامه

خصلت: ویژگی حکمت: دانش

معنی عبارت های مهم:

- ۱- به در خانه دیگری نروم:
از کسی کمک نمی خواهیم.
۲- از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است: به حقیقت همه علم و دانش ها دست یافته است.
آیه: تشبیه اضافی (آب حقیقت علم)، مراعات نظیر (آب و سیراب)

تاریخ ادبیات

داستان های صاحب دلان، محمد ملامحمدی مشهور به محمد مهدی اشتهاردی (۱۳۸۵-۱۳۲۳) مفسر قرآن و نویسنده حوزه علمیه قم بود. در سال ۱۳۳۸ به قم رهسپار شد و نزد بزرگان چون مکارم شیرازی، محمد رضا گلپایگانی و محمد محقق لاهیجی به تحصیل پرداخت. حضور در کلاس های تفسیر میرزا ابوالفضل زاهدی سبب گرایش وی به نویسندگی شد. اولین اثر او کتابی پیرامون «بلال حبشی» بود و در نوشتن «تفسیر نمونه» مشارکت داشت. موضوع داستان های صاحب دلان، داستان های اخلاقی، احادیث و روایاتی درباره همنشینی و آداب معاشرت است که در پنج باب نوشته شده است.

ارزشیابی مستمر

- ۱- کدام گزینه معنای واژه «نمط» است؟ (۲۵/۰ نمره)
الف) پاکي (ب) شیوه (ج) کار (د) خوشحالی
- ۲- کدام یک جزء آثار تعلیمی نیست؟ (۲۵/۰)
الف) بوستان (ب) مثنوی معنوی (ج) کلیله و دمنه (د) شاهنامه
- ۳- شاعر چه ویژگی هایی برای چشمه آورده است؟ (۷۵/۰)
- ۴- در مصراع دوم این بیت «گه به دهان، بر زده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف» شاعر چه خصوصیتی به چشمه نسبت داده است. (۵/۰)
- ۵- با توجه به شعر چشمه و سنگ، چشمه دارای چه ویژگی ای بود؟ (۵/۰)

۶- در مصراع «درین این پرده نیلوفری» منظور از «پرده نیلوفری» چیست؟ (۰/۲۵)

با توجه به شعر مفهوم کنایی عبارات زیر را بنویسید. (۱)

الف) سر به گریبان بردن
ب) قدم در کشیدن

در عبارت «از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است» کدام آرایه به کار رفته است؟ (۰/۵)

۹- در بین «ابرز من حامل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد» حامل سرمایه و صاحب پیرایه بر کدام مفاهیم دلالت دارند؟ (۱)

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱ گزینۀ (ب)، (۰/۲۵) ۲ گزینۀ (د)، (۰/۵) ۳ غلغله زن، چهره نما، تیزی، کف به دهان (۳ مورد کافی است)، (۰/۷۵)
۴ سریع و مستقیم رفتن (۰/۵) ۵ خودخواهی و غرور (۰/۵) ۶ آسمان (۰/۲۵) ۷ خجالت کشیدن (۰/۵) ب بیرون آمدن (۰/۵) ۸ تشبیه در ترکیب «آب حقیقت علم و حکمت» (۰/۵) ۹ حامل سرمایه ← باران (۰/۵) صاحب پیرایه ← گل‌ها و شکوفه‌ها (۰/۵)

از آموختن، ننگ مدار

واژه‌نامه

تیمار:	غمخوار	مُحال:	بیهوده، دروغ
داد:	حق، انصاف	مستغنی:	بی‌نیاز
داور:	قاضی، در اینجا یعنی خداوند	مولع:	حریص
ضایع:	تباه، نابود	میاسا:	آسوده مباش
قرباب:	خویشی، خویشاوندی	نمای:	نشان بده

معنی عبارت‌های مهم:

- ۱- و چون نمودی به خلاف نموده مباش:
 - ۲- به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار:
 - ۳- گندم نمای جو فروش مباش:
 - ۴- اندر همه کاری داد از خویشتن بده:
 - ۵- بر خود پیدا مکن:
 - ۶- به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی:
 - ۷- بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند:
 - ۸- و نومیدی را در امید بسته دادن:
 - ۹- چندان که طاقت باشد:
- برخلاف آنچه نشان دادی نباش.
ظاهرت با باطنت فرق نکند.
ریاکار و فریب کار نباش.
در هر کاری انصاف را رعایت کن.
در ظاهر خود نشان نده.
با هر سخن بیهوده و دروغی زود دگرگون نشوی.
انسان‌های بزرگ با هر سخن حق و باطلی دگرگون نمی‌شوند.
ناامیدی و امید درهم تنیده‌اند. (در ناامیدی، امید وجود دارد).
آن قدر که می‌توانی.

تاریخ ادبیات

عصر معالی، لیکوس برنج قابوس برنج و شکیر از امرای آل زیار است که در طبرستان حکومت می‌کرد. اثر مشهور او قابوس‌نامه است که در نصیحت به فرزندش گیلانشاه نوشته شده و شامل ۴۴ باب، در آداب و رسوم کشورداری و آیین مردم‌داری است. وسعت اطلاعات، نثر ساده و آوردن داستان در میان مطالب از ویژگی‌های این کتاب است.

باز هم نمودی دوره دوم متوسطه

قلمرو زبانی

۱۸

۱- معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- کتابی که در او داد سخن آرایبی توان داد.

حق، انصاف داد (فعل)

سعدالدین وراوینی

- عشق شوری در نهاد ما نهاد

وجود، درون گذاشت، نهاد (فعل)

فخرالدین عراقی

هدف از این سؤال نشان دادن آرایه «جناس تام» است؛ یعنی دو واژه با تلفظ و املا یکی اما در معانی مختلف.

۲- در متن درس، سه گروه کلمه متضاد بیابید.

غم و شادی - نیک و بد - حق و باطل - امید و نومیدی - عیب و هنر - ایمن و نایمن

۳- سه هم‌خانواده در مقابل هر واژه بنویسید.

حرم: احترام، محترم، حریم
مقدار: قدر، مقادیر، مقدور
مستغنی: غنی، استغنا، اغنیا

۴- با نگاه به متن درس، مانند نمونه، جدول را کامل کنید.

ساده	مشتق	مرگب
گل	گلزار	گلاب
زبان	نیکی	حق شناس
دل	آموختن	گندم‌نما

۵- جدول زیر را کامل نمایید. (با حفظ شخص)

فعل	امر	ساخت منفی	مضارع اخباری
شنیده بودی	بشنو	شنیده بودی	می شنیدم
دارد می‌رود	برو	نمی‌رو	می‌رود
خواهند پرسید	پرس	نخواهند پرسید	می‌پرسم

۱۹

قلمرو ادبی

۱۹

۱- بهره‌گیری از «مَثَل» چه تأثیری در سخن دارد؟ می‌تواند مفهوم را بهتر و جذاب‌تر به مخاطب القا کند. از طرف دیگر از طولانی شدن سخن جلوگیری می‌کند و سبب کوتاهی کلام می‌گردد که این خود تأثیر سخن را دوچندان می‌کند.

۲- دو ویژگی مهم نثر این درس را بنویسید. ۱- سادگی و روانی ۲- کوتاهی جملات ۳- حذف فعل

قلمرو فکری

۱۹

۱- نویسنده، چه کاری را کودکانه می‌شمارد؟

اینکه از هر نیکی و بدی، شاد و غمگین شوی.

۲- در جمله زیر، نویسنده بر کدام ویژگی‌های اخلاقی تأکید می‌کند؟

«اثر غم و شادی پیش مردمان، بر خود پیدا مکن».

بلندهمتی، داشتن روح بزرگ و مناعت طبع

۳- مثل «گندم نمای جو فروش مباش»، آدمی را از چه کاری برحذر می‌دارد؟ ریاکاری و فریب کاری

۴- برای مفهوم بیت زیر، عبارتی از متن درس بیابید.

زود آیند و زود می‌گذرند

ابن حسام

«شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم

و به هر نیک و بد، زود شادان و زود غمگین مشو، که این فعل کودکان باشد.

۵- نویسنده چه توصیه‌ای درباره رفتار با پیران دارد؟ اینکه حرمت آنها را نگه دارد ولی آنقدر هم عاشق آنها نباشد که عیب آنها را نتواند ببیند.

۱۸۱

واژه‌نامه

ارتجالاً:	یک دفعه، ناگهانی	ضمایم و تعلیمات:	پیوست‌ها و متعلقات، منظور درجه و نشان‌های نظامی است.
استرحام:	طلب رحم کردن	طبیعت:	ذوق، قریحه
ببرزن:	کوچه	طرب:	شادی، خوشی
بدسگال:	بداندیش، بدذات	طمأنینه:	آرامش
بسمل:	بسم الله گفتن در هنگام سر بریدن جانوری، ذبح شرعی	عادت مألوف:	عادت‌انس گرفته شده، عادت همیشگی
پلاس:	لباس	عتاب:	سرزنش، آخم کردن
تصدیق نامه:	گواهی نامه	فیاض:	جوشان، جوشنده
تقریر:	بیان کردن، گفتن	لاجرم:	به ناچار
تکیده:	لاغر	مخذول:	خوار و خفیف
درویش خان:	از بزرگان موسیقی	مطربی:	آوازخوانی
دشنه:	چاقوی کوچک	مفتولی:	سیمی
دی:	دیروز	معاصی:	گناه
رهاورد:	هدیه، سوغات	مُندرس:	کهنه، پاره پاره
زنگاری:	غبار گرفته	مُنکر:	کار زشت
شهناز:	نام یکی از دستگاه‌های موسیقی	هلیم:	غذایی با گوشت

معنی ابیات و عبارات‌های مهم:

- ۱- لاجرم سپر بینداخت و از میدان بگریخت: به ناچار تسلیم شد و پا به فرار گذاشت.
- ۲- بر حریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده، مخذول و نالان استرحام می‌کرد، رحم نیاورد: بر حریف شکست خورده که تسلیم شده و با خفت و خواری التماس می‌کرد، رحم نیاورد.
- ۳- مخور طعمه جز خسروانی خورش که جان یابدت زان خورش، پرورش: غذایی به غیر از غذای شاهانه مخور تا جانت به وسیله آن پرورش یابد.
- ۴- دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال: لحظه‌ای آسوده بودن بعد از مرگ بدخواه و بداندیش، بهتر از عمر طولانی داشتن، اما در سختی بودن است.
- ۵- مگر در ریاضی که کمیتش لنگ بود: فقط در درس ریاضی ضعیف بود.
- ۶- به قول نظامی خشت می‌زد: به قول نظامی شاعر، پرحرف بود.
- ۷- اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب: گرزوق نیست تو را کز طبع جانوری: شتر با شعر عربی پیوسته در حالت رقص و شادی است. اگر تو ذوق نداری، جانور کج طبعی هستی (از آن جانور هم کمتر هستی.) (اشاره به تأثیر موسیقی بر حیوانات و همه جانداران)
- ۸- آرایه سجع متوازی (عرب با طرب) آرایه سجع متوازی (عرب با طرب)
- ۸- دستت خیلی قوت داره: در نقاشی مهارت داری.
- ۹- رهاوردی باب دندان نصیبش شده بود: هدیه‌ای باب میلش گیر آورده بود.

پایه دهم عمومی (دوره دوم متوسطه)

۱- حسودان تنگ نظر و عنودان بدگهروی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند: حسودان کوتاه چشم و دشمنان بدذات او را به کارهای ناپسند و سرگرمی های بیهوده کشاندند.

۱۱- فی الجملة نماند از معاصی مُنکری که نکرد و مُسکری که نخورد: به هر حال همه نوع گناه زشتی کرد و هر نوع شرابی را خورد.

۱۲- من گوش استماع ندارم، لمن تقول: (مصراع از سعدی است). من حوصله شنیدن سخن ندارم. با من سخن نگو.

۱۳- کبوتری که دگرآشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام کبوتری که خانه و کاشانه ای نداشته باشد، سرنوشت او را به سوی حوادث ناگوار می کشاند. *رایه کبوتر: استعاره از انسان بی خانمان - دانه و دام: مجاز از حوادث ناگوار*

تاریخ ادبیات

عبدالحسین وجدانی، عبدالحمید الحسینی و وجدانی یکی از نویسندگان باذوق دهه سی و چهل معاصر ایران است. نثر شیوای این نویسنده توانا، زبانزد همگان است. داستان «خسرو» ابتدا در مجله یغما و سپس در مجموعه «داستان» به چاپ رسید. از «خاطره ها» اثر دیگر او است.

درک و دریافت

- ۱- نویسنده داستان، در بخش زیر برای جذّابیت اثر خود از چه شگردهایی، بهره گرفته است؟ «یکی از خروسان، ضربتی سخت بر دیده حریف نواخت به صدمتی که «جهان تیره شد پیش آن نامدار». لاجرم سپر بپناخت و از میدان بگریخت. لیکن خروسی غالب، حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان. بر حریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده، مخدول و نالان استرحام می کرد، رحم نیاورد و آن چنان او را می کوفت که «پولاد کوبند آهنگران».
- ۱- بهره گیری و تضمین از شعر فردوسی ۲- استفاده و تقلید از نثر فنی و مسجع به سبک گلستان سعدی ۳- بهره گیری از آرایه های ادبی، مانند کنایه، تشخیص، تشبیه.
- ۲- اگر شما به جای نویسنده بودید، این داستان را چگونه به پایان می رساندید؟ خسرو را به خاطر استعداد خوب و شیرین کاری هایش هم در موسیقی و هم در کشتی به بالاترین درجه می رساندم و او را به عنوان یک الگوی خوب به جوانان معرفی می کردم.

ارزشیابی مستمر

- ۱- نویسنده قابوس نامه است. (۵/۵ نمره)
- ۲- در کدام گزینه واژه مشتق و مشتق - مرکب به کار رفته است؟ (۵/۵)
- الف) خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای
ب) به وقت نومیدی، امیدوارتر باش
ج) زود شادان و زود اندوهگین مشو.
د) تا گندم نمای جو فروش نباش
- ۳- معنی واژه های «ارتجالاً، مقتولی» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (۵/۵)
- الف) همیشه، سیمی
ب) ناگهان، سیمی
ج) خواهش، آهنی
د) بی درنگ، زخمی
- ۴- مفهوم عبارت «به زبان، دیگر مگو و به دل دیگر مدار» چیست؟ (۵/۵)
- ۵- عبارت «داد از خویشتن بده» به چه معنی است؟ (۵/۵)
- ۶- کدام عبارت در متن درس قابوس نامه به مفهوم «تغییر نکردن» است؟ (۵/۵)
- ۷- مفهوم عبارت «دستت خیلی قوت داره» چیست؟ (۵/۵)
- ۸- کدام عبارت متن با این مصراع همخوانی دارد؟ «عیب می جمله بگفتی، هنرش نیز بگو» (۱)
- ۹- در بیت «دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال» شاعر چه چیزی را مایه آرامش خود می داند؟ (۱)
- ۱۰- علت به انحراف کشیدن خسرو چه بود؟ (۲ مورد) (۱)

۱۱- معنی عبارت زیر را بنویسید. (۱)

«حسودان تنگ نظر و عنودان بدگهروی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند.»

۱۲- در مصراع «اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب» شاعر بر کدام نکته تأکید دارد؟ (۱)

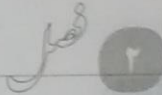
الف) مفاهیم کتابی عبارات زیر را بنویسید. (۱/۵)

الف) خست زدن ب) گمیتش سنگ بود ج) مثل شاخ شمشاد

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱ عنصرالمعالی (۰/۵) ۲ گزینه (الف)، (۰/۵) ۳ گزینه (ب)، (۰/۵) ۴ ریاکار و دورو نباش (۰/۵) ۵ انصاف داشته باش (۰/۵) ۶ از حال و نهاد خویش بنگردی (۰/۵) ۷ مهارت کاری (۰/۵) ۸ ولیکن به ایشان مولع مباش تا همچنان که هنر ایشان همی بینی عیب نیز بتوانی دید. (۱) ۹ مرگ دشمن بد ذات (۱) ۱۰ ۱- رفیقان نایاب ۲- نداشتن سرپرست ۳- مرگ مادر بزرگ (۲ مورد کافی است) (هر مورد ۰/۵) ۱۱ حسودان کوتاه نظر و دشمنان بد ذات او را به شراب و سرگرمی های بیهوده کشاندند. (۱) ۱۲ تأثیر موسیقی بر روح همه موجودات (۱) ۱۳ الف) پر حرفی کردن (۰/۵) ب) ضعف داشتن (۰/۵) شاد و سرحال بودن (۰/۵)

ادبیات سفر و زندگی



سفر به بصره

نسبت دیده‌ها، شنیده‌ها و تجربیاتی که فرد در مسیر سفر خویش به نقاط دور و نزدیک به آنها دست می‌یابد، به آفرینش آثاری خواندنی و دل‌پسند به نام «سفرنامه» می‌انجامد که در ادبیات ملت‌ها جایگاهی ویژه دارد. سفرنامه در بردارنده اطلاعاتی سودمند درباره مسائل جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و ... است.

در «زندگی نامه و حسب حال نویسی» نویسنده به بیان حالات و احساسات خویش می‌پردازد و با زبانی صمیمی، روان و دل‌نشین از دغدغه‌هایی که درباره خود دارد سخن می‌گوید. بیان مسیر زندگی و حوادث و فراز و نشیب‌های آن بخش دیگری از ادبیات ملت‌هاست (زندگی نامه) که گذشته از شناساندن نویسنده، اطلاعاتی مفید از عصر و روزگار او نیز به دست می‌دهد.

سفر به بصره



واژه‌نامه

پاداش، هدیه	رقعا:	نامه، نامه کوچک	اینعام:
سوار شو	شدت:	سختی	برنشین:
لباس کهنه	شوی:	چرک بدن	پلاس پاره:
عربی	فرا:	آسایش، راحتی	تازی:
جامه‌دان، کیسه‌ای که از پشم تابند و دارای دو جیب است.	فَرَج:	گشایش، راحتی	خورجین:
فوراً	گرما به:	حمام	در حال:
وارد شویم.	لُنگ:	پارچه‌ای مستطیل شکل که هنگام ورود به حَقام به کمر بندند. اینجا فقط به معنی پارچه، جامه حمام	در رویم:
پول کم	مساخ:	رخت‌کن	درمک:
کیسه‌کش حَقام	مُکاری:	کرایه دهنده	دلآک و قیم:
واحد پول مغرب (مراکش)			دینار مغربی:

معنی عبارت‌های مهم:

- ۱- از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم: از فقر و بی‌چیزی مانند دیوانه‌ها شده بودیم.
- ۲- سه ماه بود که موی سر باز نکرده بودیم:
- ۱- سه ماه بود که به حمام نرفته بودیم. ۲- سه ماه بود موهایمان را اصلاح نکرده بودیم.
- ۳- اکنون ما را در حمام که گذارد: اکنون چه کسی به ما اجازه می‌دهد که وارد حمام شویم.
- ۴- از بهای آن درمکی چند سیاه، در کاغذی کردم که به گرمابه بان دهم تا باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد: از فروش آن، مقدار کمی پول در کاغذی گذاشتم تا به حمامی بدهم تا شاید بگذارد مدت بیشتری در حمام بمانیم.
- ۵- شوخ از خود باز کنیم: چرک را از بدن خود پاک کنیم.
- ۶- مردی اهل بود و فضل داشت از شعر و ادب و هم کرمی تمام: مردی شایسته بود و از شعر و ادب آگاهی داشت و بسیار بخشنده بود.
- ۷- او را با وزیر صحبتی بودی و این مرد پاریسی هم دست‌تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرمتی کند: او با وزیر آشنا بود و این مرد ایرانی هم فقیر بود و پولی نداشت که لوضاع ما را بهبود ببخشد.
- ۸- قیاس کند که مرا اهلیت چیست: بفهمد که من انسان شایسته و دانشمندی هستم.
- ۹- ما را به نزدیک خویش بازگرفت: ما را در نزد خود نگاه داشت.
- ۱۰- آنچه آن اعرابی کرای شتر بر ما داشت: آن مقدار که آن مرد عرب کرایه شتر از ما طلب داشت.
- ۱۱- ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد چنان‌که در کرامت و فراغ به پارس رسیدیم: ما را با پاداش و احترام از راه دریا روانه کرد، آنچنان‌که با حرمت و آسایش به ایران رسیدیم.
- ۱۲- دلاک و قیم درآمدند و خدمت کردند: کیسه‌کش آمد و به ما احترام گذاشت.
- ۱۳- جَلّ جلاله و عَمّ نواله: بزرگ و بلندمرتبه است و لطف او فراگیر.

تاریخ ادبیات

ناصر خسرو: ناصر خسرو قبادیانی (۶۸۱-۳۹۶ هـ. ق) حکیم، شاعر و جهان‌گرد ایرانی است که در حدود چهل سالگی از خواب غفلت بیدار شد و سفری هفت‌ساله را آغاز کرد. سفرنامه ناصر خسرو شرح مسافرت‌های او به سرزمین‌های اسلامی و شامل مشاهداتی است که در طول این سفرها رخ داده است. تشریح سفرنامه ساده و اطلاعات آن بسیار ارزنده است. از آثار هم دیگر او جامع‌الصلح‌ترین و زاد‌المسافرین است.

۳۳

قلمرو زبانی

- ۱- معانی مختلف واژه «فضل» را با توجه به متن درس بنویسید. ۱- دانش ۲- بخشش و لطف
- ۲- جدول زیر را کامل کنید.

واژه	مترادف	هم‌خانواده
کرم	لطف، بخشش، فضل	اکرام، مکرمت
انعام	هدیه، پاداش	نعیم، نعمت
فراغ	آسایش، راحتی	فراغت، فراغ

- ۳- در زبان فارسی، کلمه‌ای اهمیت املائی بیشتری دارد که یک یا چند حرف از حروف شش‌گانه زیر در آن باشد:

ع، ا	ت، ط	ح، ه	ذ، ز، ض، ظ	ث، س، ص	غ، ق
عاجزی	اطلاع	ابوالفتح	غرض، زیادت	پلاس، اثر	فراغ
ادب	تازی	اهمیت	عذر، منظر	تصوّر	قرض

اکنون از متن درس، واژه‌هایی در این نشان‌ها در آن به کار رفته‌اند را بیابید و بنویسید.

۴- واژه‌ها در گذر زمان، دچار تحوّل معنایی می‌شوند؛ برای پی بردن به این موضوع، معنای واژه‌های مشخص شده را با کاربرد امروزی آنها مقایسه کنید.

- ما را به نزدیک خویش بازگرفت. معنی گذشته: نگه داشت معنی امروزی: گرفتن، ستاندن
 - به مجلس وزیر شدیم. معنی گذشته: رفتیم معنی امروزی: فعل اسنادی است و حالتی را نشان می‌دهد.
 - شوخ از خود باز کنیم. معنی گذشته: پاک کنیم معنی امروزی: بگشاییم
- ۵- پسوند «ک» در واژه «خورجینک» در چه معنایی به کار رفته است؟ دو نمونه مشابه در متن درس بیابید.
در معنای کوچک، دَمک، دَرَمک

۳۴

قلمرو ادبی

۱- در متن درس، نمونه‌ای از تشبیه بیابید و ارکان را مشخص کنید.

چون به بصره رسیدیم، برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم.

یم (ما) مشبه، دیوانگان: مشبه به، برهنگی و عاجزی: وجه شبه و ادات شبه حذف شده است.

۲- دو ویژگی نثر ناصر خسرو را بنویسید و برای هر یک، از متن درس نمونه‌ای بیاورید.

الف) سادگی: ما به گوشه‌ای باز شدیم و به تعجب در کار دنیا می‌نگریستیم.

ب) کوتاهی جملات: و می‌خواستیم که در گرمابه روم، باشد که گرم شوم که هوا سرد بود و جامه نبود.

۳۴

قلمرو فکری

۱- چرا ناصر خسرو دعوت وزیر را نپذیرفت؟ به دو دلیل: ۱- فقر و بی‌نواایی موجب شرم او می‌شد. ۲- تا وزیر به شایستگی‌های او پی برد.

۲- معنا و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

- دست تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرتقی کند. فقیر بود و پولی نداشت که اوضاع مرا بهبود بخشد.

- چون بر رقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست. چون از نامه من اطلاع یابد، بفهمد که شایستگی من چگونه است.

۳- بیت زیر، با کدام قسمت درس، ارتباط معنایی دارد؟

«چنین است رسم سرای درشت
گهی پشت به زمین و گهی زمین به پشت»

«فردوسی»

قسمتی از درس که ابتدا وقتی وارد حمام شدند آنها را بیرون کردند و درست بیست روز بعد با نهایت احترام از آنها پذیرایی کردند و به آنان احترام گذاشتند.

۴- چگونه از پیام نهایی درس می‌توانیم برای زندگی بهتر بهره بگیریم؟ اینکه با وجود سختی‌ها و مشکلات زندگی، از لطف و رحمت خداوند ناامید نشویم و دست از تلاش و کوشش برنداریم و بدانیم که پس از هر سختی آسانی است.

۵- ناصر خسرو در توصیف وزیر به کدام ویژگی‌های او اشاره می‌کند؟ مردی اهل و ادیب و فاضل و نیکومنظر و متواضع و متدین و خوش‌سخن.

۳۵

گنج حکمت

گرگ و سگ

واژه‌نامه

آواز نداد:	بانگی نکرد، فریاد نزد	دل مشغولی:	ناراحتی، اضطراب، پریشان حالی
برنشست:	سوار شد	رعیت:	عامه مردم
بهرام گور:	یکی از پادشاهان ساسانی	رمه:	گله گوسفند
بیم:	ترس	قضا را:	اتفاقاً، به طور اتفاقی
تباهی:	نابودی	می‌پویید:	می‌دوید

معنی عبارات‌های مهم:

- ۱- مرا نخست از حال سگ آگاه کن، تا این حال بدانم که چیست: ابتدا مرا از حال و روز این سگ باخبر کن تا بدانم که ماجرا از چه قرار است.
- ۲- هیچ گرگ از بیم او گرد گوسفندان من نیارستی گشت: هیچ گرگی از ترس سگ من جرأت نزدیک شدن به گوسفندان مرا نداشت.
- ۳- بسیار وقت من به شهررفتمی به شغلی: زمان‌های زیادی من به خاطر کاری به شهر می‌رفتم.
- ۴- روزگاری برآمد: مدت زیادی سپری شد.
- ۵- بدانستم که تباهی کار گوسفندان من از بی‌راهی سگ بوده است: فهمیدم که علت ناپودی گوسفندانم از ناراحتی و بی‌لیاقتی سگ بوده است.
- ۶- هر که به نام فریفته شود، به نان اندر ماند: هر کس مغرور شهرت خویش شود، از طلب روزی عاجز می‌شود.
- ۷- هر که به نان خیانت کند، به جامه اندر ماند: هر کس به نان و نمک ناسپاسی کند (نمک‌نشناسی کند)، به فلاکت و بدبختی دچار می‌شود.

تاریخ ادبیات

سیاحت‌نامه: خواجه نظام‌الملک (۴۸۵-۴۰۸ هـ ق) در توس به دنیا آمد. وی علاوه بر برخورداری از دانش و فضل، سیاست‌مداری اهل تدبیر بود که حدود سی سال در مقام وزارت دو سلطان مقتدر سلجوقی بوده است. موضوع سیاحت‌نامه یا سیرالملوک مربوط به راه و رسم پادشاه و پیر از داستان‌های تاریخ و نیمه‌تاریخ است. تئو این کتاب ساده است.

ارزشیابی مستمر

- ۱- عبارت «در این نوع نوشته، فرد زندگی خود را می‌نویسد» به کدام گزینه اشاره دارد؟ (۵/۵ نمره)
الف) سفرنامه (ب) حسب حال (ج) زندگی‌نامه (د) سیاحت‌نامه
- ۲- معنای واژه‌های «مسلخ، دلاک» در کدام گزینه به ترتیب آمده است؟ (۵/۵)
الف) رختکن، دلال (ب) رختکن، کیسه‌کش (ج) قصاب، کیسه‌کش (د) قصاب، دلال
- ۳- نویسندهٔ سیاحت‌نامه _____ است. (۵/۵)
- ۴- معنی «موی از سر باز کردن» چیست؟ (۱)
- ۵- چرا کودکان در کنار گرمابه ناصر خسرو و برادرش را دیوانه پنداشتند؟ (۱)
- ۶- معنی عبارت زیر را بنویسید. (۱)
«درمکی چند سیاه در کاغذ کردم تا به گرمابه‌بان دهم باشد که ما را دمکی زیارت‌تر در گرمابه بگذارد.»
- ۷- معادل امروزی عبارت‌های زیر را بنویسید. (۱)
الف) برنشین (ب) در رویم
- ۸- ناصر خسرو در پایان داستان چه پیامی برای خوانندهٔ خود دارد؟ (۱)
- ۹- علت بردار کردن سگ توسط مرد چوپان چه بود؟ (۵/۵)
- ۱۰- مفهوم عبارت «تباهی کار گوسفندان من از بی‌راهی سگ بود» چیست؟ (۱)
- ۱۱- در عبارت «هر که به نام فریفته شود به نان اندر ماند» منظور از «نام و نان» چیست؟ (۱)
- ۱۲- ناصر خسرو چگونه وزیر را در جریان وضع نامناسب خود گذاشت؟ (۱)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱- گزینهٔ (ب)، (۵/۵) ۲- گزینهٔ (ب)، (۵/۵) ۳- خواجه نظام‌الملک توسی (۵/۵) ۴- حمام رفتن (۵/۵) یا کوتاه کردن مو (۵/۵) ۵- به خاطر سر و وضع نامناسب آنها (۱) ۶- مقداری پول کم در کاغذی گذاشتم و به حقایق دادم تا شاید زمان بیشتری ما را در حمام بگذارد (۱) ۷- الف) سوار شو (۵/۵)، ب) وارد شویم (۵/۵) ۸- به خاطر سختی روزگار از لطف خداوند ناامید نشوند. (۱) ۹- خیانت سگ (۵/۵) ۱۰- علت از بین رفتن گوسفندانم به دلیل ناراحتی و نااهلی سگم بوده است. (۱) ۱۱- نام: شهرت (۵/۵)، نان: رزق و روزی (۵/۵) ۱۲- با نوشتن نامه به وسیلهٔ یک آشنا (۱)

واژنامه

ازهار:	شکوفه‌ها، گل‌ها	مشک تاتار:	مشکی که از سرزمین تاتار آورند و آن بسیار خوشبو است.
زبون:	پست	می پویی:	طی می کنی، می روی
شوخ:	چرک بدن	مینو:	بهشت
مسکین:	بیچاره		

۳۷

معنی ابیات

گم‌گوش بیجا

قالب شعر: قطعه

۱۱ سیر یک روز طنه زد به پیاز که تو مسکین چقدر بدویی

روزی سیر به پیاز به طعنه گفت که ای پیاز بیچاره تو چقدر بدبو هستی.
آرایه: مراعات نظیر (سیر و پیاز)، این بیت طنز دارد.

۱۲ گفت از عیب خویش بی خبری زان ره از خلق عیب می بینی

پیاز گفت: تو از عیب خودت آگاه نیستی، به این دلیل است که از مردم عیب جویی می کنی.
آرایه: تکرار (عیب)

۱۳ گفتن از زشت رویی دران شود باعث گم‌گوشی

از زشتی صورت دیگران عیب جویی کردن باعث نمی شود که خودت زیبا رو شوی.
آرایه: تضاد (زشت رویی، نکویی)

۱۴ تو گمان می کنی که شاخ گلی به صف سرو و لاله می روی

تو تصور می کنی که مانند گل زیبا هستی یا در کنار زیبارویان و سرو قامتان زندگی می کنی.
آرایه: مراعات نظیر (گل، شاخه، سرو، لاله) - تشبیه: تو به شاخه گل - مصراع دوم: کنایه از با زیبارویان بودن

۱۵ یا که همبوی مشک تاتاری یا ز ازهار باغ مینوی

یا تصور می کنی که همانند مشک تاتار خوشبو هستی یا از شکوفه های باغ بهشت هستی.
آرایه: تشبیه (سیر به مشک تاتار، سیر به شکوفه) - مراعات نظیر (شکوفه، باغ، بهشت)

۱۶ خویشتن بی بزرگ کن تو هم از ساکنان این کوی

خودت را بیهوده بزرگ تصور نکن. تو نیز همچون من بدبو هستی.

آرایه: کنایه (مصراع دوم: مثل هم بودن، بدبو بودن)

۱۷ ره ما کرکج است و ناهموار تو خود این ره چکونه می روی

اگر راه ما کج و ناهموار هست، تو خودت چگونه این راه را طی می کنی؟ (تو نیز ناتوانی).
آرایه: تکرار (ره) - مراعات نظیر (راه، ناهمواری، پویدن)

۱۸ در خود آن به که نیک تر کنی اول آن به که عیب خود گویی

بهرتر است که اول خوب به خودت و عیب‌هایت نگاه کنی و زشتی‌های خودت را ببینی. (سپس عیب دیگران را بگویی) نیک به خود نگرستن: کنایه از ضعف خود آگاه شدن - تکرار: آن به

۱۹ ما زوینم و شوخ جامه و پست تو چرا شوخ تن نمی‌شوی

فرض کن که ما پست و کثیف و بیچاره‌ایم. تو چرا خودت زشتی‌ها و کثیفی‌های وجودت را پاک نمی‌کنی؟! مصراع دوم: کنایه از پاک نبودن، آلوده بودن - آرایه: تکرار: شوخ - مراعات نظیر (جامه، تن)

«پروین اعتصامی»

تاریخ ادبیات

اعتصامی: فرزند یوسف اعتصام‌الملک از نویسندگان و مترجمان مشهور ایران است. پروین از کودکان زبان به شاعران گشود و در شمار معروف‌ترین شاعران زمان بود. او در قصاید خود از ناصر خسرو پیروی می‌کرد. مهم‌ترین «مناظره»‌های زبان فارسی از زبان وی بیان شده و در غالب آثار خویش چون مادران مهربان سخن می‌گوید. اندیشه‌های وی، نو و شامل نکات اخلاقی و اجتماعی است. (فرهنگ معین)

۳۸

فارسی

۳۸

قلمرو زبانی

۱- با مراجعه به فرهنگ لغت تحول معنایی واژه «شوخ» را بیابید و معنای آن را بنویسید. «شوخ» در گذشته به معنای چرک بدن به‌کار می‌رفته که این معنی در شعر پروین هم آمده است، اما امروزه به معنای شوخ و بامزه است و دیگر معنای قدیم را از دست داده است.

۲- مترادف واژه‌های زیر را از متن درس پیدا کنید.

طی کردن (پویدن) - ماده خوشبو (مُشک) - پست (زبون)

۳- با توجه به ساختمان واژه، کلمه‌هایی برای نمونه‌های خواسته شده بیابید.

ساده: سرو، لاله، عیب - مشتق: گفتن، بی‌خبر، ناهموار - مرکب: بدبو، زشت‌رو، نکورو

۴- در مصراع زیر کدام اجزای جمله حذف شده است؟ آن را مشخص کنید.

در خود آن به که نیک تر کنی

فعل اسنادی «است» بعد از کلمه «به»، «بهرتر است» حذف شده است.

۵- مصراع زیر را مرتب کنید و نام اجزای اصلی آن را بنویسید.

«سیر، یک روز طعنه زد به پیاز»

یک روز سیر به پیاز طعنه زد.

نهاد متمم مفعول فعل

۳۸

قلمرو ادبی

۱- آیا این شعر می‌تواند «مناظره» باشد؟ دلیل خود را بنویسید. بله، زیرا در آن، دو حریف با عیب‌جویی و سرزنش دیگری سعی می‌کنند رقیب را از میدان به در کنند و برتری خویش را به اثبات برسانند و در نهایت، پیروز میدان باشند. این یکی از مهمترین ویژگی‌های مناظره است.

۲- قالب این درس چیست؟ توضیح دهید. قطعه، زیرا قافیه فقط در مصراع‌های زوج آمده است.

۳- کدام بیت می‌تواند به عنوان «طنز» مطرح باشد؟ بیت اول

که تو مسکین چقدر بدبویی

سیر یک روز طعنه زد به پیاز

۳۸

قلمرو فکری

۱- شاعر در کدام بیت انسان را به «خودشناسی» دعوت می‌کند؟

اول آن به که عیب خود گویی

در خود آن به که نیک تر کنی

۲- علت طعنه زدن سیر به پیاز چیست؟ بدبو بودن

۳- کدام بیت تواضع و فروتنی «پیاز» را نشان می‌دهد؟

ما زبونیم و شوخ جامه و پست تو چرا شوخ تن نمی‌شویی

۴- به نظر شما پیروز نهایی این مناظره کیست؟ چرا؟ پیاز، زیرا با دلایل منطقی و تواضع و فروتنی بسیار در عین آنکه عیب خود را می‌گوید، عیب و ضعف سیر را نیز به او نشان می‌دهد. پذیرفتن ضعف و نقص خود، یک امتیاز مثبت برای پیاز است، در حالی که سیر این عیب را در خود ندیده است.

۵- کدام بیت امروز به عنوان یک مَثَل رایج میان مردم زبانزد است؟ آن را بنویسید.

خویش‌تن بی‌سبب بزرگ مکن تو هم از ساکنان این کوی

۵ کلاس نقاشی

واژه‌نامه

آخره:	چنبره گردن، خرخره	غارب:	میان دو کتف، شانه
اسلمی:	طرح‌هایی مرکب از پیچ و خم‌های متعدد که شبیه عناصر طبیعت هستند، مُمال اسلامی	گرده:	پشت، بالای کمر
بیرنگ:	طرح اولیه، پی‌رنگ	گرته ریختن:	طرح انداختن، کشیدن
خَلَف:	جانشین، فرزند	مخمصه:	بدبختی، گرفتاری
رندانه:	زیرکانه	مشوش:	آشفته و پریشان
کَلِه:	برآمدگی پشت پای اسب، ماهیچه پا	نقطه چینی:	طرح اولیه را با نقطه به هم وصل کردن
		وقب:	فرورفتگی، گودی چشم

عبارت‌های مهم:

- ۱- معلم دور نبود، صورتک به رو نداشت: معلم صمیمی بود، ریاکار و دورو نبود.
- ۲- در آن دستی نازک داشت: در کشیدن نقشه قالی مهارت داشت.
- ۳- نقش بندی اش دلگشا بود، رنگ را نگارین می‌ریخت: نقاشی اش زیبا بود، رنگ را هنرمندانه به کار می‌برد.
- ۴- سگ را روان گرته می‌ریخت: سگ را راحت طراحی می‌کرد.
- ۵- اما در بیرنگ اسب حرفی به کارش بود: اما در کشیدن اسب مشکل داشت.
- ۶- ما را به رونگاری آن می‌نشانند: ما را به کشیدن از روی آن طرح موظف می‌کرد.
- ۷- پی بردیم راه دست خودش هم نیست: فهمیدیم که خودش هم در این کار مهارت ندارد.
- ۸- خَلَف صدق نیاکان هنرور خود بود: جانشین راستین پدران هنرمند خود بود.
- ۹- اسب از پهلو، اسبی خود را به کمال نشان می‌داد: کشیدن اسب از نیم‌رخ، تناسب اندام حیوان را بهتر نشان می‌داد.

تاریخ ادبیات

سهراب سپهری، شاعر و نقاش مشهور معاصر در کاشان دیده به جهان گشود. شعر او ساده، بی‌آلایش و لبریز از مفاهیم عرفانی است. سپهری با فرهنگ مشرق زمین آشنایی فراوان داشت. این متن از کتاب «اتاق آبی» برگرفته شده است.

۴۱

قلمرو زبانی

- ۱- سپهری برای کلمه «نقاشی کردن» از چه معادل‌های معنایی دیگری استفاده کرده است؟ گرته‌برداری، نقطه‌چینی
- ۲- برای هریک از موارد زیر، یک مترادف از درس بیابید.
- برآمدگی پشت پای اسب: (کله)
- چنبره گردن: آخره
- میان دو کتف: غارب
- ۳- از متن درس، چهار واژه مهم املائی بیابید و بنویسید. صدق، وقب، غارب، مخمصه، صورتگری، رعنا

۴- نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

«صاد» هرگز جانوری از پهلوی نکشید.

نهاد قید مفعول متمم قیدی

۵- به کاربرد حرف «و» در جمله‌های زیر توجه کنید:

الف) زندگی و سفر مانند هستند.

ب) در طول زندگی، سفر می‌کنیم و در سفر هم زندگی می‌کنیم.

«و» در جمله «الف»، دو جمله را به هم داده است؛ به این نوع «و»، «واو عطف» می‌گویند.

«و» در جمله «ب»، دو جمله را به هم ربط داده است. به این «و» که معمولاً پس از فعل می‌آید و دو جمله را به هم می‌پیوندد، «نشانه ربط یا پیوند» می‌گویند.

اکنون از متن درس برای کاربرد هر یک از انواع «و»، نمونه‌ای بیابید و بنویسید.

الف) برای «واو عطف»: از یال و غارب به زیر آمد.

ب) برای «واو پیوند» (نشانه ربط): نقش بندی اش دلگشا بود و رنگ را نگارین می‌ریخت.

قلمرو ادبی

۴۱

۱- در کدام قسمت از این متن می‌توان نشانه‌های شاعری نویسنده را یافت؟

معلم مرغان را گویا می‌کشید؛ گوزن را رعنا رقم می‌زد، خرگوش را چابک می‌بست، سگ را روان گرته می‌ریخت.

۲- دو نمونه از ویژگی‌های بارز این نوشته را بنویسید. سادگی، صداقت و صمیمیت.

۳- دو کنایه در متن درس پیدا کنید و مفهوم آنها را بنویسید.

- معلم دور نبود، صورتک به رو نداشت ← معلم صمیمی بود، دورو نبود.

- در بیرنگ اسب حرفی به کارش بود ← در کشیدن اسب مشکل داشت.

- در اتاق از جا کنده شد ← سروصدا و فریاد کردند.

قلمرو فکری

۴۲

۱- از نظر نویسنده، کلاس درس نقاشی در مقایسه با کلاس درس‌های دیگر چه ویژگی‌هایی داشت؟

دلخواه و روان بود، خشک نبود، خنده در آن جایز بود و کلاس خیلی جدی گرفته نمی‌شد.

۲- معنی و مفهوم هر یک از عبارت‌های زیر را بنویسید.

- خلف صدق نیاکان هنرور خود بود. جانشین راستین پدران هنرمند خود بود.

- اسب از پهلوی، اسبی خود را به کمال نشان می‌داد. اسب از نیم‌رخ، تمام و کمال، تناسب اندام خود را نشان می‌داد.

۳- معلم در کشیدن چه قسمتی از اسب مشکل داشت؟ برای حل مشکل خود چه چاره‌ای اندیشید؟ کلبه پاها به همراه سم اسب، اسب را تا زانو در علف نشانند.

روان خوانی

۴۳

واژه‌نامه

پولی اندک و ناچیز	شندرغاز:	عادت، انس، دوستی	أخت:
آرامش و قرار	طمأنینه:	خواروبار، از قبیل نخود، عدس	بُشن:
برپا کرده بود.	علم کرده بود:	آرام	بی تلاطم:
جمع فرعون، فرعون‌ها	فراعنه:	کنج، گوشه‌ای دور از مردم	بیغولہ:
مجمعی از دانشمندان که درباره مسائل علمی یا سیاسی بحث کنند.	کنگره:	آرامش یافتن، بی‌غمی	تسلا:
نگهبان آب	میراب:	سخنرانی	خطابه:
		گروه، دسته	خیل:

عبارت‌های مهم:

- ۱- جوانکی بودم و توی جماعت بُر خورده بودم: جوانی بودم که به طور اتفاقی میان آنها قرار گرفته بودم.
- ۲- عالیه خانم رو نشان نمی‌داد: صورتش را می‌پوشاند (یا خود را از چشم مردم مخفی نگه می‌داشت).
- ۳- خانه‌ها درست از سینه خاک درآمدند: خانه‌ها در زمین خاکی ساخته شده بودند.
- ۴- از این همه رفت و آمد به تنگ آمد: از این رفت و آمدها خسته شده بود.
- ۵- هر چه بر او تنگ گرفتند کمر بند خود را تنگ‌تر بست: هر چه بر او سخت گرفتند، بیشتر خود را آماده می‌کرد.
- ۶- همچون مروارید در دل صدف کج و کوله‌ای سال‌ها بسته ماند: نیما همچون مروارید بالارزشی بود که در این دنیا کسی قدر او را نداشت.
- ۷- خود چشم زمانه بود: فردی آگاه بود.
- ۸- شستم خبردار شد: آگاه شدم.
- ۹- مدتی بود که پیرمرد افتاده بود: مدتی بود که پیرمرد مریض شده بود.
- ۱۰- والصفات صفا: سوگند به فرشتگان صفا در صفا.

تاریخ ادبیات

جلال آل احمد از نویسندگان مشهوره در ادبیات معاصر خوش درخشید. او در زمینه‌های متفاوتی چون داستان، ترجمه، مقاله و تک‌نگاری کار کرد. از داستان‌های معروف او می‌توان مدیر مدرسه، سه‌تار، زن زیادی را می‌توان نام برد. از ویژگی‌های نثر او سادگی، طنزگونه بودن و کوتاهی جملات است. از زبان شتاب زده از جمله مقالات او است.

۴۶

درک و دریافت

- ۱- استنباط خود را از عبارت زیر بنویسید.
- «هر چه بر او تنگ گرفتند، کمر بند خود را تنگ‌تر بست تا دست آخر با حقارت زندگی‌ها مان اُخت شد.» یعنی بخاطر ساختار جدیدی که نیما در شعر به وجود آورد بسیار او را اذیت کردند. هر چند در این راه مقاومت بسیار کرد، اما سرانجام تسلیم شد.
- ۲- در کدام بخش متن، دیدگاه آل احمد درباره جایگاه و ارزش نیما بیان شده است؟ همچون مروارید در دل صدف کج و کوله‌ای سال‌ها بسته ماند.

ارزیابی مستمر

- ۱- اتاق آبی نام کتاب است. (۵/۵ نمره)
- ۲- در عبارت «معلم فریاد کشید ساکت! و ما ساکت شدیم» از کدام نوع «و» استفاده شده است؟ (۵/۵)
- ۳- معنای واژه‌های «غارب، بیغوله و مخمصه» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (۵/۵)
الف) کتف، جادوگر، گرفتاری
ب) زانو، خرابه، بدبختی
ج) کتف، ویرانه، دشمنی
د) میان دو کتف، خرابه، گرفتاری
- ۴- نیما و جلال آل احمد در کجا همسایه هم شده بودند؟ (۵/۵)
- ۵- از نظر جلال فریاد نیما را فقط در کجا می‌توانستی بیابی؟ (۵/۵)
- ۶- معلم برای شکل نقاشی‌اش چه راه حلی اندیشید؟ (۱)
- ۷- مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید. (۱/۵)
الف) معلم دور نبود (ب) چشم زمانه بود (ج) شستش خبردار شد
- ۸- دانش‌آموزان از کجا فهمیدند که معلم در کشیدن اسب مشکل دارد؟ (۱)
- ۹- معنی عبارات زیر را بنویسید. (۲)
الف) اسب از پهلو، اسبی خود را به کمال نشان می‌داد.
ب) مدتی بود که پیرمرد افتاده بود.
- ۱۰- مفهوم عبارت زیر چیست «نیما همچون مروارید در دل صدف کج و کوله‌ای سال‌ها بسته ماند.» (۱)
- ۱۱- از نظر سپهری، معلم در هنر نقاشی چگونه عمل می‌کرد؟ (۱)

پاسخ ارزشیابی مستمر

۱. مهراب سپهری (۵/۰) ۲. «واو» پیوند (۵/۰) ۳. گزینه د (۵/۰) ۴. شمیرانات (۵/۰) ۵. در شعرش (۵/۰) ۶. حیوان راتا
 ساق یا در علف گذاشت (۱) ۷. الف صمیمی بود (۵/۰)، ب. فردی آگاه بود (۵/۰)، ج. فهمید، آگاه شد (۵/۰) ۸. زیرا همان ابتدا با
 گشودن اسب مخالفت کرد. (۱) ۹. الف اسب نیمرخ، تمام وکمال تمام اعضای بدنش را نشان می‌دهد. (۱)، ب. مدتی بود که پیرمرد
 مریض شده بود (۱) ۱۰. یعنی قدر و ارزش نیما را ندانستند. (۱) ۱۱. پیرو هنرمندان بزرگ پیشین خود بود. (۱)

۳ ادبیات غنایی

مناheim آموزش

کلمه غنا در اصطلاح به معنی «موسیقی» است و ادبیات غنایی گونه‌ای از ادبیات است که با استفاده از معانی عمیق و باریک با
 زبانی نرم و لطیف، به بیان احساسات شخصی انسان می‌پردازد و بیانگر عواطف و آرزوهای انسان، و غم‌ها و شادی‌های اوست.
 شعر غنایی گسترده‌ترین بخش ادبیات فارسی است که در آن همه احساسات گوناگون انسانی از قبیل احساسات عاشقانه، مذهبی،
 عرفانی، مدح، هجو و مسائل شخصی مانند غم غربت، شکایت از زندان و مرثیه عزیزان را در برمی‌گیرد. رباعیات خیام،
 دوبیتی‌های باباطاهر، غزلیات سعدی، مولانا و حافظ، منظومه‌های نظامی، همه و همه از نوع ادبیات غنایی است.

۶ مهر و وفا

واژه‌نامه

خُلد:	جاوید، بهشت	عشرت:	خوشی، شادی
شبرو:	کسی که شب حرکت می‌کند	لعل:	سنگ قرمز گران قیمت (در اینجا به معنی لب)

۵۰

معنی ابیات

مهر و وفا

قالب شعر: غزل

۱۱. گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید / گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید

به معشوق گفتم که من غمخوار تو هستم. گفت روزی غمت به پایان می‌رسد. به او گفتم که تو معشوق زیبایی من باش، گفت
 اگر امکانش باشد.

آرایه: تکرار: گفت-ایهام: ۱- طلوع کند ۲- امکان پذیر - ماه: استعاره از معشوق

۱۲. گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز / گفتا ز خوبرویان این کار کمتر آید

به او گفتم از انسان‌های عاشق راه و رسم وفاداری یاد بگیر، گفت زیبا رویان کمتر وفا دارند.

آرایه: مناظره (گفتم و گفتا)

۱۳. گفتم که بر خیالت راه نظر میندم / گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید

گفتم که دیگر به خیالت اجازه نمی‌دهم که وارد ذهن من شود. (دیگر به تو فکر نمی‌کنم.) او گفت خیال من مانند شب گردان،
 شبانه در حرکت است و دوباره از راهی پنهان به ذهن تو وارد می‌شود. (تو دوباره به من فکر خواهی کرد.)

آرایه: تشخیص - راه نظر بستن: کنایه از اجازه دیدار ندادن - تکرار: راه

۱۴ کفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد / گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

به او گفتم که بوی خوش زلف تو مرا در گمراهی انداخت. گفت اگر خوب توجه کنی همین زلف تو را هدایت می کند. آرایه: تشخیص (مصراع اول) - متناقض نما: زلف گمراه کننده می تواند هدایت گر باشد.

۱۵ کفتم خوشا هوایی که باد خلد خیزد / گفتا خنک نمی کز کوی دلبر آید

به معشوق گفتم که چه خوش هوایی است، اگر از بهشت بیاید. گفت بهترین نسیم آن است که از کوچه معشوق بوزد. آرایه: مراعات نظیر (هوا، باد، نسیم)، (خنک، خوشا) - موازنه

۱۶ کفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت / گفتا تو بندی کن کاو بنده پرور آید

گفتم از حسرت لب های شیرین ات جانم به لب آمد. گفت تو بنده مطیعی باش، چون او به زیر دستانش توجه خاصی دارد. آرایه: استعاره (لعل) - تشخیص (هر دو مصراع) - کنایه (به آرزو کشتن)

۱۷ کفتم دل رحمت کی غم صلح دارد / گفتا کوی با کس تا وقت آن در آید

گفتم دل مهربان تو چه زمانی قصد دوستی با من را دارد؟ گفت این راز را با کسی در میان مگذار تا موقع آن فرا برسد.

۱۸ کفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد / گفتا خموش حافظ کاین غصه هم سر آید

گفتم دیدی که چگونه زمان خوشی به پایان رسید. گفت: حافظ! چیزی نگو، زیرا این غم و غصه نیز روزی تمام می شود. آرایه: جناس (سرآمد، سر آید) حافظ

تاریخ ادبیات

حافظ: خواجه شمس الدین محمد متخلص به حافظ در شیراز متولد شد. گویا تخلصش به این دلیل بوده که او حافظ کل قرآن بوده است. وی یکی از نام آورترین شاعران غزل سرای زبان فارسی است و از ویژگی های غزلیات او در آمیختن غزلیات عاشقانه و عارفانه است. دید اجتماعی و طنز قوی از مشخصات فکری او است. کاربرد آرایه ها در شعرش آن چنان هنرمندانه است که با دقت می توان آنها را یافت و هیچ آسبی به شعر و فهم شعرش وارد نکرده است. حافظ هنرمندترین شاعر زبان فارسی است. حافظ، حافظی ملت ایران است.

قلمرو زبانی

- ۱- در متن درس، هرواژه زیر، در چه معنایی به کار رفته است؟
 خلد (بهشت)، عشرت (شادی - خوش)، شبرو (کسی که شبانه حرکت می کند)
- ۲- گاهی ضمیر در جایگاه اصلی خود قرار نمی گیرد، و در جای دیگری می نشیند؛ به این جا به جایی ضمیر، «پرش» یا «جهش ضمیر» می گویند؛ مانند کاربرد ضمیر پیوسته «ت» در بیت زیر:
 ای بی نشان محض، نشان از که جویمت؟
 گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟

«عطار»

در شعر این درس، نمونه ای از جهش ضمیر را مشخص کنید.
 گفتم که بوی زلفت، گمراه عالم کرد

گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

- ۳- با توجه به ساختمان واژه، کلمات مناسب را از متن درس بیابید و در جدول زیر قرار دهید.

ساده	مشتق	مرکب
خیال	بندگی	خوبرو
وفا	گفتا	مهرورز
رسم	خوشا	شبرو

قلمرو ادبی

۱- قافیه و ردیف را در بیت آغازین و پایانی شعر حافظ مشخص کنید.

در بیت اول: ردیف: آید

قافیه: سر - بر

در بیت آخر: ردیف: آید

قافیه: سر

۲- هرگاه یک کلمه به چند معنا در کلام به کار رود، آرایه «ایهام» پدید می‌آید.

ایهام، از ریشه «وهم» و به معنای «به تردید و گمان افکندن» است؛ نمونه: «بی‌مهر رخت، روز مرا نور نمانده است»؛ کلمه «مهر» در دو معنای «محبت» و «خورشید» به کار رفته است.

نمونه‌ای از این آرایه ادبی را در متن درس بیابید.

گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید - برآید: ۱- امکان پذیر باشد. ۲- طلوع کند.

قلمرو فکری

۱- از متن درس، برای هریک از مفاهیم زیر، نمونه بی‌تی انتخاب کنید و بنویسید.

- اطاعت و فرمان‌پذیری: گفتم که نوش لعلت مارا به آرزو کشت / گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید

- طلب عنایت و بخشش: گفتم دل رحیمت کی عزم صلح دارد / گفتا مگوی با کس تا وقت آن درآید

۲- بیت زیر، با کدام قسمت از سروده حافظ، ارتباط مفهومی دارد؟

هرزمان، حال وی از شکل دگر خواهد شد

غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات

گفتا خموش حافظ کاین غصه هم سرآید

گفتم زمان عشرت دیدی که چون سرآمد

۳- بر پایه بیت‌های این غزل، چند ویژگی هریک از دو سوی گفت‌وگو را بنویسید.

نفر اول (پرسنده)	نفر دوم (پاسخ‌دهنده)
عاشق	بی‌وفا
صلح طلب	سرسخت و سنگدل
گمراه شده	وعده وعید دهنده

۴- در بیت دوم شعر، حافظ چه چیزی را به معشوق نسبت داده است؟ بی‌وفایی

گنج حکمت

حَقّه راز

واژه‌نامه

وسوسه، خیال فاسد، هوی و هوس

سودا:

جعبه، ظرف کوچکی که در آن جواهر یا

اشیاء دیگر گذارند.

زینهار:

مواظب باش

عبارت‌های مهم درس

۱- چیزی به من نمایی: چیزی به من نشان دهی.

۲- سودای آتش بگرفت: هوس کرد تا آن را باز کند. (به این فکر افتاد)

۳- سر حَقّه محکم کردند: در جعبه را محکم بستند.

تاریخ ادبیات

اسرارالتوحید: این کتاب اثر محمد بن منور، نواده شیخ ابوسعید ابوالخیر است که به علت دل بستگی زیادی که به جد خویش داشته، هم کرده و آنچه را که تا آن روزگار از پیران آن خاندان و مریدان شیخ درباره وی شنیده گردآورده است. محمد بن منور کتاب را به سه باب تقسیم کرده و به ویژه در باب دوم حالات شیخ را بیان نموده است. اسرارالتوحید از شاخه‌های شعر صوفیانی و زبان فارسی است.

ارزشیابی مستمر

۱- نویسنده کتاب «اسرار التوحید» کدام است؟ (۵/۰ نمره)

- الف) محمد بن منور
ب) ابوسعید ابوالخیر
ج) خواجه عبدالله انصاری
د) سنایی

۲- کدام گزینه جای خالی این بیت را کامل می‌کند؟ (۵/۰)

- گفتم که نوش / ما را به آرزو کشت
الف) عشقت، عاشقی
ب) دردت، عاشقی
ج) لعلت، بندگی
د) مویت، بندگی

۳- در کدام یک از دو بیت زیر آرایه متناقض‌نما استفاده شده است؟ توضیح دهید. (۱)

- الف) گفتم دل رحمت کی عزم صلح دارد.
ب) گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد
گفتا مگوی با کس تا وقت آن درآید
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۴- مفهومی کلی بیت «گفتم که بر خیالت راه نظر بیندم / گفتا که شبروست او از راه دیگر آید» چیست؟ (۱)

۵- در کدام بیت از شعر «مهر و وفا» عاشق اظهار تأسف و حسرت می‌کند؟ (۱)

۶- پیام درس «حقه راز» چیست؟ (۱)

۷- در بیت زیر دو واژه «مربک» بیابید. (۱)

- گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد
در بیت زیر آرایه «ایهام» را بیابید و معانی آن را بنویسید. (۱)

«دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر
گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست»

۹- در کدام مصراع «تخلص» شاعر به کار رفته است؟ آن را بنویسید. (۱)

۱۰- معنی بیت زیر را بنویسید. (۲)

- گفتم که بر خیالت راه نظر بیندم
گفتا که شبروست او از راه دیگر آید

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱- گزینه الف (۵/۰) ۲- گزینه ج (۵/۰) ۳- گزینه ب (۵/۰) زلف اگر گمراه کنند باشد، نمی‌تواند هدایت‌کننده باشد. وجود اولی ناقض وجود دومی است. (۵/۰) ۴- یعنی تو نمی‌توانی مانع ورود من به ذهن خود شوی. (۱) ۵- گفتم زمان عشرت ... (۱) ۶- هر کسی لیاقت شنیدن راز خداوندی را ندارد. (۱) ۷- گمراه (۵/۰)، رهبر (۵/۰) ۸- «در عهد» در مصراع دوم (۵/۰) ۹- بیمان (۵/۲۵) ۱۰- روزگار (۵/۲۵) ۹- گفتا خموش «حافظ» کاین غصه هم سرآید. (۱) ۱۰- گفتم ای معشوق اجازه نمی‌دهم (۵/۰) که خیال تو بار دیگر وارد ذهن من شود. گفت خیال من شبرگرد است (۵/۰) و از راهی که تو فکر نمی‌کنی می‌آید. (۵/۰)

پایه دهم عمومی (دوره دوم متوسطه)

واژه‌نامه	
آفت:	زیان، آسیب، بلا
اشجار:	(جمع شجر)، درختان
اعتبار:	عبرت، پند گرفتن، قدر، ارزش
انهار:	(جمع نهر)، رودها
بدایت:	آغاز، ابتدا
جبار:	مسلط، قاهر
جنان:	جنت، بهشت
حُسن سیرت:	خوب رویی، زیبایی ظاهر
حُسن صورت:	نیک خویی، زیبایی باطن
حمید:	پسندیده، ستوده، مبارک
حیات:	زندگی
دولت:	سعادت
ذلت:	خطا، لغزش، گناه
رغبت:	اشتیاق، تمایل
سُور:	جمع سوره، سوره‌های قرآن
طرب:	شادی، نشاط
پاکیزگی:	طهارت:
دشمنی:	عداوت:
عزت، ارجمندی:	عز:
خوشی:	عیش:
جدایی، دوری:	فُرقت:
پس به ناچار:	فلاجرم:
(جمع قصر)، قصرها:	قُصور:
مکاران، فریبکاران:	کایدان:
مکر؛ حيله:	کید:
تخت شاهی:	گاه:
پستی، بدذاتی:	لثیمی:
رنج، غم:	محنت:
معامله، خرید و فروش:	معاملت:
ناپاکی، پلیدی:	نجاست:
رونوشت:	نُسخت:
رسیدن، پیوستن:	وُصلت:

عبارت‌های مهم:

- ۱- تا خلق سود خود نبیند، با تو معاملت نکند! تا کسی سود خود را (در آن معامله) نیابد با تو معامله نمی‌کند.
- ۲- هرکس که روی از معاملت با خلق بتافت، دنیا و آخرت در راه معاملت با حق بیافت: هرکس از معامله با مردم روی برگرداند و با خداوند معامله کرد، دنیا و آخرت را نصیب خود کرد.
آرایه: سجع (بتافت، بیافت)
- ۳- در میان دو ضد جمع بود: در میان دو چیز ضد هم قرار گرفته است.
- ۴- یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود: خود حضرت یعقوب صبر را به او آموخته بود.
- ۵- از روی نیکو، بند و زندان آمد: به خاطر صورت زیبایش به زندان افتاد.
- ۶- از خوی نیکو، امر و فرمان آمد؟ به خاطر نیک‌خویی به پادشاهی رسید؟
- ۷- در مقابله لثیمی، کریمی کرد: در برابر زشتی و ناپسندی، بزرگواری کرد
- ۸- آهنگ کید و مکر و عداوت کردند تا مگرا و هلاک کنند: قصد حيله و دشمنی با او را کردند تا شاید او را نابود کنند.
- ۹- هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دادن برابر نیاید! هرگز مکر انسان‌های مکار در برابر خواست و تصمیم خداوند آگاه پیروز نخواهد شد.

تاریخ ادبیات

«قصه یوسف علیه السلام» شرح و تفسیری عارفانه از سوره یوسف، توسط احمد بن محمد زید طوسی از دانشمندان قرن هفتم هجری است. این کتاب در شصت مجلس برای گروهی از دانش‌آموختگان املا می‌شده است که به اهتمام «محمد روشن» تحقیق، تصحیح و منتشر شده است.

مطالب کتاب با دیدی عارفانه و با تشریح روان و شیوا تنظیم شده است. در هر فصل، نگارنده نخست آیه‌ای از سوره یوسف می‌آورد، سپس شأن نزول آن را بیان می‌کند و به شرح و تفسیر آیه می‌پردازد. در پاره‌ای موارد با نقل حکایتی کلام را زینت می‌بخشد.

قلمرو زبانی

۵۶

- ۱- در متن درس، کلماتی را بیابید که در بردارندهٔ یک یا چند حرف از حروف زیر باشند.
«ص، ط، ظ، ع، غ»
قَصه - وُصَلت - قُصور - طُرب - طی، طهارت - عَنایت - وعده و وعید - عداوت - اعتبار - رَغبت - غیب‌دان.
- ۲- جدول زیر را کامل کنید.

واژه	انهار	اشجار
مترادف	رودها	درخت‌ها
مفرد	نهر	شجره

- ۳- با توجه به متن درس، معادل معنایی کلمه‌های زیر را بنویسید.
دولت (سعادت، عزت)، کریمی (بزرگواری)، لثیمی (پستی)
- ۴- کدام قسمت جمله زیر، حذف شده است؟ چگونه به نبود آن پی بردید؟
«نیکوخوا، بهتر هزار بار از نیکورو» فعل «است» با توجه به معنی و ظاهر جمله. یکی از انواع حذف، حذف فعل اسنادی بعد از صفت تفضیلی است. مانند هرچه ارزان‌تر، بهتر.
- ۵- در فارسی معیار و رایج، برخی واژه‌ها به دو شکل، تلفظ می‌شوند: نظیر «مهربان، مهربان». در گفتار عادی، از هر دو گونه تلفظی می‌توان استفاده کرد، اما در شعر، با توجه به وزن و آهنگ، باید تلفظ مناسب را انتخاب کرد.
در متن درس، واژه‌های دو تلفظی را بیابید. جاودان، جاودان - روزگار، روزگار - پادشاه، پادشاه

۵۶

پایه دهم عمومی (دوره دوم متوسطه)

قلمرو ادبی

۵۶

- ۱- در بند ششم متن درس (این قصه عجیب‌ترین ...)، کدام نوع از روابط معنایی واژه‌ها، بر زیبایی سخن افزوده است؟
تضاد (فراق و وصال - محنت و شادی - وفا و جفا و ...)
- ۲- در جمله زیر چهار رکن تشبیه را مشخص کنید.
«قرآن مانند است به بهشت جاودان.»
مشبه: قرآن، ادات تشبیه: مانند، مشبیه‌به: بهشت، وجه شبه: جاودان
- ۳- در عبارت زیر، کدام واژه‌ها «جناس» دارند؟
«در مقابلهٔ جفا، وفا کرد و در مقابلهٔ زشتی، آشتی کرد.»
(جفا، با وفا) (زشتی، آشتی) - نوع جناس: جناس ناقص
- ۴- به واژه‌هایی که در پایان دو جمله بیابند و از نظر صامت‌ها و مصوت‌های پایانی وزن، یا هر دوی آنها هماهنگ باشند، کلمات «مسجع» و به آهنگ برخاسته از آنها «سجع» می‌گویند.
در بند سوم درس (و مثل قرآنی ...)، کلمات مسجع را مشخص نمایید.
تن با دل، نجاست با ذلت

قلمرو فکری

۵۷

- ۱- به چه دلایلی نویسنده معتقد است که: «مَثَل قرآن، مَثَل آب روان است.»؟
زیرا همچنان که آب حیات بخش و پاک کنندهٔ نجاست است، قرآن نیز زندگی بخش دل‌ها و پاک کنندهٔ گناهان است.
- ۲- کدام بخش از متن درس، به مفهوم آیهٔ شریفهٔ «وَمَكْرُوا وَ مَكَرَاللهِ وَ اللهُ خَیْرُ الْمَاكِرِیْنَ» (آل عمران، آیهٔ ۵۴) اشاره دارد؟
در بند ۱۰ آنجا که می‌گوید: برادران یوسف، چون او را زیارت نعمت دیدند، و یعقوب را بدو میل و عنایت دیدند، آهنگ کید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند. تدبیر برادران برخلاف تقدیر رحمان آمد.
- ۳- هر یک از بیت‌های زیر، با کدام عبارت درس، ارتباط معنایی دارد؟
- خدمت حق کن به هر مقام که باشی / خدمت مخلوق افتخار ندارد (عطار)
و اگر معاملت می‌کنی با حق کن، که تا خلق سود خود نبیند با تو معاملت نکند.
- صورت زیبایی ظاهر هیچ نیست / ای برادر، سیرت زیبا بیار (سعدی)
نیکوخوا، بهتر هزار بار از نیکورو

۴- دربارهٔ ارتباط مفهومی دو عبارت زیر، توضیح دهید.

- «الصبر مفتاح الفرج» - یعقوب، خود او را به صبر آموزگار بود.

صبر راه‌گشای همهٔ مشکلات است با صبر می‌توان به اهداف خود رسید.

۵- چرا نویسنده، داستان حضرت یوسف را عجیب‌ترین داستان‌ها می‌داند؟

زیرا در این درس چندین امر متضاد چون غم و شادی، آسایش و بلا، جدایی و پیوستگی و ... در کنار هم آمده‌اند.

شعرخوانی

واژه‌نامه

خزم:	خانهٔ خدا، کعبه	کیش:	جعبهٔ تیر، تیردان، جایی که تیر را در آن می‌نهند.
ریحان:	نوعی گل خوشبو	مهر:	محبت، عشق
ریش:	زخمی، مجروح	نقص:	شکستن
سودایی:	دیوانه، عاشق	نعره:	فریاد
سهل:	آسان	شاید:	شایسته است.

معنی ابیات

بوی گل و ریحان‌ها

قالب شعر: غزل

۱۱ وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها بی‌خویشتم کردی، بوی گل و ریحان‌ها

هنگامی که دل عاشق و دیوانهٔ من به باغ و بوستان می‌رفت، بوی خوش گل‌ها و گیاهان مرا از خود بی‌خود می‌کرد. (مدهوش می‌شدم).

آرایه: مراعات نظیر (بستان، گل، ریحان) - کنایه (بی‌خویشتم کردن: بیهوش شدن) - مجاز (دل، از انسان عاشق)

۱۲ که نعره زدی بلبل، که جامه دیدی گل با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها

گاه بلبل در این باغ ترانه می‌خواند و گاه گلی شکوفا می‌شد، اما آن هنگام که به یاد تو می‌افتادم زیبایی و جذابیت آنها از یادم می‌رفت.

آرایه: مراعات نظیر: گل و بلبل - تشخیص: نعره زدن بلبل جامه دیدن گل: کنایه از شکوفا شدن

سجع مطرف: بلبل و گل تکرار: یاد، گه - مراعات نظیر: ضمیر تو و آنها.

۱۳ ای مهر تو در دل‌ها وی مهر تو بر لب‌ها وی شور تو در سر، وی سرتو در جان‌ها

ای یاری که محبت تو در دل‌ها رخنه کرده و زیبایی تو سبب خاموشی و سکوت همگان شده است. ای کسی که عشق تو در سر انسان‌ها افتاده و راز تو در میان جان‌ها پنهان شده است.

آرایه: جناس ناقص حرکتی (مهر و مهر یا سر و سرت) مراعات نظیر (دل، لب، سر، جان) سجع (دل‌ها، لب‌ها، سرها، جان‌ها)

موازنه - مجاز (دل و سر و جان: از خود انسان‌ها) - کنایه (مهر بر لب بودن: خاموش و ساکت بودن) - تکرار (تو، وی) - جناس ناقص (ای و وی)

۱۴ تا عهد تو در بستم عهد همه بستم بعد از تو روا باشد نقص همه پیمان‌ها

از زمانی که با تو پیمان دوستی بسته‌ام، با دیگران قطع رابطه کرده‌ام. آری بعد از بستن عهد با تو، شکستن همهٔ پیمان‌ها

شایسته و کار درستی است.

آرایه: سجع مطرف (بستم و شکستم) - مراعات نظیر (عهد و پیمان) - تکرار (عهد)

۱۵ تا خار غم عشقت آویخته در دامن / کوه نظری باشد رفتن به گلستان؛

تا زمانی که غم عشق تو گریبان گیر من باشد و مرا رها نکند، عاشق کسی دیگر شدن، نشانه کوتاه نظری خواهد بود.
 آرایه: اضافه تشبیهی: خار غم عشق - مراعات نظیر: خار، گلستان - آویخته در دامن: کنایه از رها نکردن
 استعاره (گلستان از معشوق و یار دیگر)

۱۶ آن را که چنین دردی از پای در اندازد / باید که فرو شويد دست از همه درمانها

آن کسی که غم عشق او را عاجز و ناتوان سازد، باید از همه درمانها ناامید شود.
 آرایه: مراعات نظیر: درد و درمان، پا و دست - تضاد: درد و درمان - دست فرو شستن: کنایه از ناامید شدن

۱۷ گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد سل است بیابانها

ای یار اگر در راه رسیدن به تورنج و سختی نصیب ما شود، شایسته است (اشکالی ندارد)، زیرا هنگامی که عشق رسیدن به کعبه را داشته باشی، طی کردن بیابانها آسان خواهد بود.
 آرایه: اسلوب معادله

۱۸ هر تیری که در کیش است کربدل ریش آید / ما نیز یکی باشیم از جمله قربانها

هر تیری که در تیردان است اگر بردل مجروح و عاشقی فرو آید، ما نیز یکی از آن جمله شهیدان راه تو هستیم.
 آرایه: جناس ناقص (کیش، ریش) - مراعات نظیر (تیر، کیش)

۱۹ کویند مگو سعدی، چندین سخن از عشش / می گویم و بعد از من کویند به دورانها

دوستان می گویند ای سعدی از عشق او دیگر سخن نگو. من می گویم و بعد از من نیز در همه زمانها از عشق او سخن خواهند گفت.
 آرایه: اشتقاق (گویند، مگو، می گویم - تضاد (گویند و مگو) - تکرار (گویند)

تاریخ ادبیات

سعدی: اثر عرصه سخن فارسی یک فرمانروای مسلم و بی منازع داشته باشد، او کسی جز شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی نیست. او هم در شیراز (گلستان) و هم در نظم (بوستان و غزلیات) بی رقیب است. به همین اعتبار او را فرمانروای مملکت سخن لقب نهاده اند.
 غزلیات سعدی متوجه درون آدمی و بازشناسی ابعاد احساس و عاطفه شاعر است. غزلیات او خود شامل چهار بخش است: طیبات، بدایع، خوانیم و غزلیات قدیم. غزل سعدی شیرین و شنیدنی، صمیمی و تأثیرگذار است و در عین سادگی و فهم آسان، لبریز از مفاهیم عاشقانه است.

درک و دریافت

- ۱- تناسب های آوایی، برجسته ترین ویژگی این شعر است، به هنگام خواندن شعر، آهنگ و موسیقی ویژه ای به گوش می رسد و سبب دلنشینی و شورانگیزی بیشتر می شود. با تقسیم بیت ها به پاره های موسیقایی، شعر را بازخوانی کنید. علت این تناسب آوایی، قافیه های میانی شعر است و سجع پایانی هر نیم مصراع، این موسیقی زیبا را به وجود آورده است؛ مثال:
 ای مهر تو در دلها / وی مهر تو بر لبها
 وی شور تو در سرها / وی سز تو در جانها
- ۲- چرا این سروده، در ادب غنایی جا می گیرد؟
 زیرا این شعر سرشار از عواطف و احساسات پاک شاعر نسبت به معشوق است و شاعر در انتقال عواطف انسانی خویش به معشوق با زبانی نرم و شور انگیز سخن می گوید.

۵۰ پایه دهم عمومی (دوره دوم متوسطه)

ارزشیابی مستمر

- نوع تفسیر احمد زید توسی در تفسیر سوره‌ی یوسف چگونه است؟ (۵/۰ نمره)
- الف) لفظ به لفظ (ب) عرفانی (ج) اجتماعی (د) معنایی
- ۲- در عبارت زیر میان کدام کلمات آرایه‌ی سجع وجود دارد؟ (۵/۰)
- «پس چون در او این چندین اندوه و طرب بود، در نهاد خود شگفت و عجب بود.»
- الف) طرب و شگفت (ب) طرب و عجب
- ۳- کدام یک از ویژگی‌های جمله، در عبارات زیر دیده می‌شود؟ (۵/۰)
- «که یوسف صدیق وفادار بود و یعقوب خود او را به صبر، آموزگار بود، و زلیخا در عشق و درد او بی‌قرار بود.»
- ۴- از نظر نویسنده، نیکوترین نعمت‌ها چیست؟ (۵/۰)
- ۵- در بیت زیر کدام آرایه به کار نرفته است؟ (۵/۰)
- «تا خار غم عشقت آویخته در دامن
- الف) مراعات نظیر (ب) تشبیه (ج) کنایه (د) استعاره
- ۶- این بیت با کدام یک از ابیات درس «بوی گل و ریحان‌ها» تناسب معنایی دارد؟ (۵/۰)
- در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند کار مقیلان غم مخور،
- ۷- کدام واژه‌ها جاهای خالی این بیت را کامل می‌کنند؟ (۵/۰)
- هرتیر که در است گریب ریش آید ما نیز یکی باشیم از جماعه
- الف) خیش، تن، قربان‌ها (ب) کیش، تن، انسان‌ها (ج) کیش، دل، قربان‌ها
- ۸- منظور از عبارت مشخص شده چیست؟ (۵/۰)
- از خوی نیکو امر و فرمان آمد
- ۹- در عبارت «هرکس که روی از معاملت خلق بتافت» روی تافتن کنایه از چیست؟ (۵/۰)
- ۱۰- در مصراع «آن را که چنین دردی از پای دراندازد» منظور از «درد» چیست؟ (۵/۰)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱) گزینه (ب)، (۵/۰) ۲) گزینه (ب)، (۵/۰) ۳) تکرار فعل (۵/۲۵)، کوتاهی جملات (۵/۲۵) ۴) آب (۵/۰) ۵) گزینه (د)، (۵/۰)
- ۶) گرد طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها (۵/۰) ۷) گزینه ج (۵/۰) ۸) پادشاهی و فرمان‌دهی (۵/۰) ۹) خودداری کردن، روی برگرداندن (۵/۰) ۱۰) درد عشق (۵/۰)

ادبیات پایداری

مناجم آموزش

هر نوشته یا سروده‌ای که مبارزه ملت‌ها را در برابر عوامل استبداد داخلی یا تجاوز بیگانگان نشان دهد در حوزه «ادبیات پایداری» جای می‌گیرد. اصلی‌ترین مسائل در حوزه ادب پایداری، ستوت به مبارزه، ترسیم چهره بیدادگر، ستایش آزادی و آزادگی، نمودن افق‌های روشن پیروزی، انعکاس مظلومیت مردم، بزرگداشت شهدای راه آزادی و... است.

ادبیات پایداری چهره انسانی عامی دارد. شعر و داستان مقاومت، مرزهای قومی را می‌شکند و مخاطب آن ژرفای وجدان عام بشری است. به همین دلیل چنین آثاری را نمی‌توان به صورت یک شعار مستقیم نگریست، بلکه اینها تپش دل آدمی است که همه انسان‌ها را در هر قاره‌ای متأثر می‌کند. چهره‌های ادبیات پایداری در فلسطین، آمریکای لاتین، ایران و ادب پایداری سیاهان نمود بیشتری دارد.

واژه نامه

اهرام:	همان اهرام ثلاثه مصر است	صولت:	شکوه، عظمت
پای افزار:	کفش	ماسوا:	آنچه غیر از خداست، همه مخلوقات
تبار:	نسل	مهمیز:	رکاب است
حد:	مجازات شرعی	هزا:	فریاد، نعره، غرّش

معنی ابیات مهم

مبارک باد نام خدایی که بهترین خلق کنندگان است / خدایی که تو را آفرید.

آرایه: تلمیح به آیه «فتبارک الله أختس الخالقین»

ای علی از دیدن تو حتی شگفت زده نمی شوم، زیرا که چشم کوچک من توانایی دیدن بزرگی ات را ندارد.

همان گونه که مورچه نمی تواند تشخیص دهد که بر روی دیوار اهرام ثلاثه عبور می کند یا بر روی یک خشت خام. (من هم نمی توانم عظمت و بزرگی تو را درک کنم.)

ای علی، تو آن اهرام بلندی هستی که تنها فرعون خیال می تواند بسازد و من آن مورچه کوچکی هستم که بزرگی تو را نمی توانم درک کنم. آرایه: تشبیه (شاعر به مورچه، علی به اهرام ثلاثه) - اضافه تشبیهی: فرعون تخیل - تلمیح به فرعون و ساختن اهرام ثلاثه

متعجبم در حالی که این چنین بالاتر از همه مخلوقات قرار گرفته ای، خود را در کنار تنور یک پیرزن جای می دهی. آرایه: تلمیح به کمک علی (ع) به نان پختن برای پیرزنی.

و با آن همه عظمت، خود را قَرکب بچه های یتیم می کنی و در بازار و کوچه های تنگ کوفه حضور می یابی.

آرایه: بزر مهمیز بودن: کنایه از قَرکب شدن

تا قبل از تو هیچ اقیانوسی را ندیده بودم که راست بر زمین ایستاده باشد.

آرایه: باقیانوس: استعاره از حضرت علی (ع)

بیش از تو هیچ پادشاهی را ندیده بودم که کفشی وصله دار به پا کند و مشکی کهنه به دست گیرد و برادر بردگان بیچاره باشد.

آرایه: بواج آرایبی (صامت «ب»)

ای روشن گر راه خدا در میان تاریکی های همیشگی تاریخ، (علی همچون چراغی است که انسان ها را به سوی خدا هدایت می کند.) ای روح شب قدر تا آنگاه که سپیده بدمد.

- نجسته باد نام خداوند، نیکوترین آفریدگاران، که تو را آفرید.

- از تو در سگفت هم نمی توانم بود که دیدن بزرگی ات را، چشم کوچک من بنده نیست.

مورچه می داند که بر دیواره اهرام می گذرد یا بر خشتی خام.

تو آن بلندترین برمی که فرعون تخیل می تواند ساخت، و من آن کوچک ترین مور که بلندای تو را در چشم نمی تواند داشت.

چگونه این چنین که بلند بر زبر ماسوا ایستاده ای، در کنار تنور پیرزنی جای می گیری!

وزیر همسیر کودکانه بچکان یتیم، و در بازار تنگ کوفه.

پیش از تو، هیچ اقیانوس را نمی شناختم که عمود بر زمین ایستد...

پیش از تو، هیچ فرمانروا را ندیده بودم، که پای افزاری وصله دار بپا کند، و سکی کهنه بر دوش کشد، و بردگان را برادر باشد.

ای روشن خدا در شب های پیوسته تاریخ، ای روح

لیلۀ قدر، شی مطلع الفجر

در آخذ که گل بوسه زخم با دست را دشت شقایق کرده بود،
مگر از کدام شراب عشق مست شده بودی که با پذیرفتن هشاد
ضربه شلاق خود را مجازات کردی.
آرایه: تشخیص (بوسه زخم‌ها) - دشت شقایق شدن بدن: کنایه از
خون‌آلود شدن - تشبیه (تنت به دشت شقایق) - اضافه تشبیه
(باده مهر) - حسن تعلیل (حد زدن به دلیل مست بودن از شراب
عشق) - تلمیح به جنگ اُحد

کدام بدهکارتر هستید؟ آیا دین به تو بدهکار است یا تو به دین؟
تمام دین‌ها مدیون و بدهکار تو هستند.
آرایه: تشخیص (وام دار بودن دین)

کدام وام دارترید؟ دین به تو، یا تو بدهکار؟ هیچ دینی نیست که
وام دار تو نیست.
دری که به باغ پیش ما کشوده ای، هزار بار خیری تراست
مرحبا به بازوان اندیشه و کردار تو.

دری که بر روی دانش و معرفت باز کرده‌ای، هزار بار از گشودن در
خیبر با ارزش تر است. آفرین بر قدرت فکر و اندیشه تو.
آرایه: اضافه تشبیهی (باغ بینش). تلمیح (فتح خیبر) - تشخیص
(بازوان اندیشه و کردار) - ایهام تناسب (مرحبا: ۱- آفرین، ۲-
مرحب نام پهلوانی یهودی که در فتح خیبر توسط حضرت علی (ع)
کشته شد. که با بازوان تناسب دارد)

شعر سپید من، روسیاه ماند که در فضای تو بی وزنی افتاد هر
چند کلام از تو وزن می‌گیرد.

شعر سپید من در وصف تو شرمنده شد که در برابر تو ارزش و اعتبار
خود را از دست داد. هرچند سخن، ارزش خود را از تو می‌گیرد.
آرایه: ایهام تناسب (سپید: ۱- نوعی شعر ۲- رنگ سفید که با
سیاهی تناسب دارد) - تضاد: سپید و سیاه - بی‌وزن شدن: کنایه از
بی‌ارزش شدن) - ایهام (وزن: ۱- وزن شعر ۲- ارزش اعتبار)،
تشخیص: روسیاه ماندن شعر

وسعت تو را، چگونه در سخن تکسایه گنجانم؟ تو را در کدام
نقطه باید به پایان برد؟

بزرگی و عظمت تو را چگونه در این سخنان کوچک جا دهم،
توصیف تو پایان پذیر نیست.
آرایه: تضاد وسعت و تنگ مایه - کنایه تو در وصف نمی‌گنجی
وصف تو پایان ندارد.
آفریدن بر خدا، آفرین بر خدایی که بهترین خلق کنندگان است.
آرایه: تضمین: از آیات قرآن

مبارک الله، مبارک الله، مبارک الله! ائمن الخالقین پس
بخفته باد نام خداوند که نیکوترین آفریدگاران است و نام تو
که نیکوترین آفریدگانی:

فرخنده باد نام خداوند که بهترین آفریننده است و فرخنده باد نام
تو که بهترین مخلوقی.

تاریخ ادبیات

سید علی موسوی گرما رومی

از پیشاتازان شعر مذهبی قبل از انقلاب است. از آثار شعری او می‌توان به سرود رگبار، عبور، در سایه سار نخل ولایت، خط خون و
دمت چین اشاره کرد.

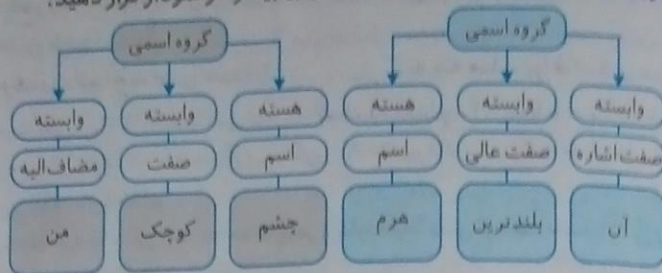
۶۶

قلمرو زبانی

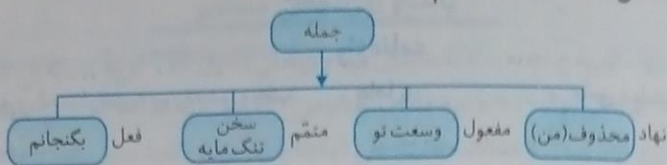
۱- درباره معنا و کاربرد واژه «نیست» در مصراع زیر توضیح دهید.
هیچ ستاره نیست که وام دار نگاه تو نیست. جناس تام دارند: ۱- نیست اول؛ وجود ندارد، ۲- نیست دوم؛ فعل نفی در معنی؛ نباشد.

قلمرو زبانی

۳- از متن درس، برای هریک از نمودارهای زیر، یک گروه اسمی بیابید و در نمودار قرار دهید.



۴- اجزای جمله زیر را مشخص کنید و نقش هریک را بنویسید.
وسعت نور چگونه در سخن تنگ مایه، بگنجانم؟



۴- به کلمه‌ای که ویژگی ساخت مشتق و مرکب را با هم داشته باشد، «مشتق - مرکب» می‌گویند؛ مانند «دانش‌آموز»
دان + ـش + آموز
به کمک کلمه «راه» دو واژه «مرکب» و دو واژه «مشتق - مرکب» بسازید.
راه: { مرکب: راهنما، راهرو
 مشتق - مرکب: راهنمایی، راه‌شناسی

۶۷ قلمرو ادبی

۱- با توجه به سروده زیر:
شعر سپید من روسیاه ماند / که در فضای تو به بی‌وزنی افتاد.
الف) قسمت‌های مشخص شده، به ترتیب، در بردارنده آرایه‌های کنایه و ایهام هستند.
ب) چرا شاعر، شعرش را «سپید» نامیده است؟ زیرا یکی از ویژگی شعر سپید، بی‌وزن بودن آن است و شاعر نیز شعر خود را بی‌وزن و بی‌مقدار می‌داند.

۲- از متن درس، نمونه‌هایی برای کاربرد آرایه «تضاد» بیابید.
۱- یا و شانه در «و بر آن شانه که پیامبر پای نهاد»
۲- بینش و اندیشه در «دری که به باغ بینش، گشوده‌ای مرحبا به بازوان اندیشه و کردار تو»
۳- در شعر زیر، آرایه‌ها را مشخص نمایید.
دری که به باغ بینش ما گشوده / هزار بار خیرتری است / مرحبا به بازوان اندیشه و کردار تو!
۱- تلمیح به فتح قلعه خیر ۲- اضافه تشبیهی: باغ بینش ۳- تشخیص: بازوان اندیشه ۴- مراعات نظیر: بینش و اندیشه
۵- ایهام تناسب در مرحبا: ۱- آفرین ۲- مرحب، نام پهلوانی که در فتح خیر توسط علی (ع) کشته شد.
۴- آوردن آیه، حدیث، مصراع یا بیتی از شاعری دیگر را در میان کلام «تضمین» می‌گویند. نمونه‌ای از تضمین را در این درس بیابید. فتبارک الله أحسن الخالقین، خجسته باد نام خداوند ← تضمین از آیات قرآن سوره مؤمنون، آیه ۱۴

۶۷ قلمرو فکری

۱- در کدام بند شعر، به ویژگی «جاذبه و دافعه» حضرت علی (ع) اشاره شده است؟ هنگام که همتاب آفتاب به خانه یتیمکان بیوه‌زنی تابیدی / و صولت خیدری ...
۲- نظر خود را درباره ارتباط معنایی ابیات زیر و سروده درس بنویسید.
ای چشم عقل، خیره در اوصاف روی تو چون مرغ شب که هیچ نبیند به روشنی «سعدی»
هر دو شعر از انسان بزرگی خبر می‌دهند که عقل از درک فضایل و بزرگی آنها عاجز است.
به داد و دهش گیتی آباد دار دل زبردستان خود شاد دار «فردوسی»
اینکه حضرت علی (ع) نیز برای شادی بچه‌های یتیم از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد.

۳- با رجوع به دیوان شعر استاد شهریار، غزل معروف ایشان با مطلع زیر را بخوانید و بنویسید در این سروده به کدام اوصاف امام علی (ع) اشاره شده است؟

- علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدارا که به ما سوا فکندی همه سایه همارا
- ۱- لطف و بخشش حضرت علی (ع)، ۲- خداشناسی او، ۳- کمک به فقیران، ۴- مدارا با اسیر، ۵- تربیت فرزندان نیک، ۶- وفادار ماندن به عهد و پیمان خود، ۷- شفاعت گری ایشان، ۸- تغییر دادن سرنوشت انسان‌ها، ۹- مافوق بشر بودن، ۱۰- شب زنده‌داری کردن و راز و نیاز با خدا و ...
- ۴- مصراع «تورا در کدام نقطه باید به پایان برد» به چه مفهومی اشاره دارد؟ یعنی توصیف حضرت علی پایان پذیر نیست.

۶۸

گلچ حکمت

دیوار عدل

واژه‌نامه

حصص:	شهری است در سوریه بین دمشق و حلب	عامل:	مأمور دولت - والی - حاکم
خوف:	ترس		

عبارت‌های مهم:

- ۱- آن را عمارت باید کردن؛ باید دیوار را بازسازی کرد.
- ۲- راه‌ها از ظلم و خوف پاک کن؛ ظلم و ستم و وحشت را بر مردم شهر روا مدار.

تاریخ ادبیات

سیاست‌نامه، این کتاب اثر محمد وزیر مقتدر سلجوقیان خواجه نظام الملک طوسی است. خواجه بنا بر فرمان ملکشاه سلجوقی این اثر را که حاصل مطالعات و تجربیات خود وی است در رسوم پادشاهان پیشین و آیین پادشاه و رسم مملکت‌داری نوشت که دارای ۵۰ باب است. نام دیگر این کتاب «سیرالملوک» است که بر است از حکایت‌ها و داستان‌های تاریخی و نیمه تاریخی. اثر کتاب ساده و طبیعی، اما محکم و ادبی نوشته شده است.

ارزشیابی مستمر

- ۱- عبارت «به سروده‌ها و نوشته‌هایی که در آن به مقاومت و ایثار و جهاد در برابر دشمن دعوت می‌شود» تعریف کدام گزینه است؟ (۵/۵ نمره)
- الف) ادبیات پایداری ب) ادبیات حماسی ج) ادبیات اجتماعی د) ادبیات غنایی
- ۲- کدام گزینه جزو اصلی‌ترین مسائل ادبیات پایداری نیست؟ (۵/۵)
- الف) دعوت به مبارزه ب) ستایش آزادی ج) نفرت از دشمن د) ترسیم چهره بیدادگر
- ۳- در عبارت «و از نفس گل می‌روید» گل استعاره از چیست؟ (۵/۵)
- ۴- مفهوم بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی ندارد؟
- «گر بریزی بحر را در کوزه‌ای / چند گنجد قسمت یک روزه‌ای» (۵/۵)
- الف) دیدن بزرگی‌ات را چشم کوچک من بسنده نیست.
- ب) چگونه می‌توان به شمشیری دریایی را شکافت.
- ج) وسعت تورا چگونه در سخن تنگ مایه بگنجانم.
- ۵- در بیت «شب از چشم تو آرامش را به وام دارد و طوفان از خشم تو خروش را» به کدام ویژگی‌های حضرت علی (ع) اشاره دارد؟ (۱)
- در مصراع «پیش از تو هیچ اقیانوس را نمی‌شناختم که عمود بر زمین بایستد.» مشبه و مشبه‌به را بیابید. (۱)
- ۷- در بیت «چگونه شمشیری زهرا گین، پیشانی بلند تو را - این کتاب خداوند - از هم می‌گشاید» شاعر چرا پیشانی علی (ع) را کتاب خداوند نامیده است؟ (۱)

۶۸

- ۸- چرا شاعر ادعا می‌کند که تاریخ از دیدن علی متعجب و شگفت‌زده است؟
 ۹- عبارت «سحر از سپیدی چشمان تو می‌شکوفد» به کدام ویژگی و عادت علی (ع) اشاره دارد؟ (۱)
 ۱۰- کدام گزینه آرایه تلمیح ندارد؟ (۵/۵)

الف) چگونه در کنار تنور پیرزنی جای می‌گیری
 ب) چاه از آن زمان که تو در آن گریستی جوشان است.
 ج) شعر سپید من روسیاه ماند

- ۱۱- در بیت «شعر سپید من روسیاه ماند / که در فضای تو به بی‌وزنی افتاد» دو کنایه را بیابید و معنای آنها را بنویسید. (۱/۵)
 ۱۲- اجرای جمله «پیش از تو هیچ اقیانوس را نمی‌شناختم» را بنویسید. (۱)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱- گزینه الف (۵/۵) ۲- گزینه ج (۵/۵) ۳- سخنان زیبا و پرمعنی (۵/۵) ۴- گزینه ب (۵/۵) ۵- آرامش (۵/۵) خشم و عصبانیت (۵/۵) ۶- تو (علی(ع)) ← مشبه (۵/۵) اقیانوس ← مشبه به (۵/۵) ۷- زیرا حضرت علی(ع) قرآن ناطق بود. (۱) ۸- به خاطر روح چند بُعدی و متضاد حضرت علی (یکجا بسیار نرم و یکجا بسیار سخت) (۱) ۹- شب‌زنده‌داری (۱)
 ۱۰- گزینه ج (۵/۵) ۱۱- روسیاه ماندن (۵/۲۵) ← شرمنده شدن (۵/۵) ۱۲- به بی‌وزنی افتادن (۵/۲۵)، ارزش خود را از دست دادن (۵/۵) ۱۳- بیش از تو ← قید (۵/۲۵)، م ← نهاد (۵/۲۵)، هیچ اقیانوس را ← مفعول (۵/۲۵)، نمی‌شناختم ← فعل (۵/۲۵)

غز شیران

واژه‌نامه

اجل:	مرگ	طالع:	بخت
بوم:	جغد	مسعود:	فرخنده

۶۹

معنی ابیات

غز شیران

قالب شعر: قصیده

۱۱- هم مرگ بر جهان ثنا نیز بگذرد هم رونق زنان ثنا نیز بگذرد

مرگ سراغ شما نیز خواهد آمد و دوران اعتبار شما نیز از رونق خواهد افتاد.

۱۲- وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان ثنا نیز بگذرد

محنت و سختی، جغد شوم و بران‌گری است که به ما بسنده نمی‌کند و شما را نیز خانه خراب خواهد کرد.
 آرایه: اضافه تشبیهی: بوم محنت - مراعات نظیر (بوم، آشیان، خراب)

۱۳- آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهن ثنا نیز بگذرد

مرگ که شامل همه انسان‌ها می‌شود روزی نصیب شما نیز خواهد شد.

آرایه: اضافه تشبیهی: آب اجل. مجاز: خاص و عام: مجاز از همه مردم - مراعات نظیر (حلق، دهن) - تضاد: خاص و عام - ایهام (گلوگیر: ۱- در گلوگیر کردن ۲- گلوئی کسی را گرفتن و کشتن) - مصراع دوم: کنایه از اینکه شامل حال شما هم می‌شود - تلمیح: به کل نفس ذائقه الموت: هرکس طعم مرگ را می‌چشد.

۱۴ چون داد عادلان به جهان در بتا کز
بیداد ظالمان تا نیز بگذرد

هنگامی که عدل انسان‌های عادل در جهان پایدار نماند، پس مطمئن باشید که ستم شما ظالمان نیز از بین خواهد رفت.
آرایه: تضاد (داد و بیداد، عادلان و ظالمان)

۱۵ در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت
این عمو سگان تا نیز بگذرد

در سرزمینی که نعره انسان‌های شیرصفت و جوانمرد گذشته، ناجوانمردی و سگ صفتی انسان‌های پست هم از بین خواهد رفت.
آرایه: استعاره (شیران: پهلوان، سگان: ناجوانمردان) - تضاد (شیر و سگ)

۱۶ بادی که در زمانه بسی شمع با بکشت
هم بر چراغدان تا نیز بگذرد

مرگ همچون بادی است که در این روزگار چراغ زندگانی بسیاری را خاموش کرد. شما هم آسوده نباشید که سرانجام چراغ عمر شما را نیز خاموش خواهد کرد.

آرایه: باد: استعاره از مرگ - شمع: استعاره از مردم - چراغدان: استعاره از عمر و زندگی - مراعات نظیر: شمع و چراغدان - مصراع دوم: کنایه از شما را نیز خواهد کشت.

۱۷ زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت
ناچار کاروان تا نیز بگذرد

این دنیا چون کاروان سرایی است که انسان‌های بسیاری آمده‌اند و رفته‌اند. کاروان زندگی شما نیز به ناچار ازین کاروانسرا عبور خواهد کرد و عمرتان بسر خواهد آمد.

آرایه: کاروانسرا: استعاره از دنیا - کاروان: استعاره از انسان‌ها مصراع دوم: کنایه از اینکه زندگی شما نیز تمام خواهد شد - تکرار: کاروان

۱۸ ای مَنقَر به طالع مسعود خویش
تأثیر اختران تا نیز بگذرد

ای کسانی که به بخت خوب خود افتخار می‌کنید آگاه باشید که ستاره بخت شما نیز روزی خاموش خواهد شد. (خوش بختی شما پایان می‌یابد.)

آرایه: مراعات نظیر (طالع مسعود، تأثیر اختران) - مصراع دوم به یک عقیده قدیمی اشاره دارد کنایه از اینکه ستارگان بر سرنوشت انسان‌ها تأثیر گذار بوده‌اند و این ستاره‌ها گاه سبب خوش بختی یا بدبختی مردم می‌شده‌اند.

۹ بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم
تا سختی کمان تا نیز بگذرد

مجبوریم در مقابل ظلم و ستم شما تحمل کنیم تا قدرت حکومت شما سپری شود و سرنگون شوید.
آرایه: مراعات نظیر (تیر، سپر، کمان) - اضافه تشبیهی: تیر جور - تشبیه: تحمل به سپر - سختی کمان: استعاره از قدرت - مصراع دوم: کنایه از اینکه قدرت و حکومت شما تمام می‌شود.

۱۰ ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع
این گرگی شبان تا نیز بگذرد

ای پادشاه ظالمی که مردم بیچاره را به والیان درنده و گرگ صفت سپرده‌ای. سرانجام این درنده خویی و وحشی‌گری شما نیز پایان خواهد یافت.

آرایه: مراعات نظیر (چوپان، رمه، شبان، گرگ) - تشبیه: چوپان گرگ طبع - رمه استعاره از مردم - گرگ: استعاره از حاکمان و والیان
«سیف فرغانی»

تاریخ ادبیات

سیف فرغانی: شاعر و منتقد اجتماعی قرن هفتم هجری است. مهم‌ترین قالب سروده‌های او قصیده است. محتوای قصایدش بیشتر اجتماعی و انتقادی و مؤثر در تاریخ شعر و شاعری ایران است.

سیف در این قصیده، ضمن اینکه طبقه مرفه و حاکم عصر خویش را نقد می‌کند، ناپایداری ایام خوش آنان را با تغییرات کوناقون هشدار می‌دهد.

پایه دهم عمومی (دوره دوم متوسطه)

قلمرو زبانی

۱- در شعری که خواندید، پنج واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

اجل، طالع، گرگ، طبع، عوعو سگان، غرّش شیران، سیف فرغانی

۲- تفاوت معنایی فعل‌های مشخص شده را توضیح دهید.

گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت

گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید

هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

در بیت «الف»، کشتن به معنای در حسرت گذاشتن آمده است، اما در بیت «ب» کشتن به معنای خاموش کردن به کار رفته است.

۳- برای هر واژه، یک مترادف و سه هم‌خانواده بنویسید.

واژه	مترادف	هم‌خانواده	
طبع	خوی، صفت	طبیعت	مطبوع
بقا	جانودان	باقی	بقیه
عادل	دادگر	عدل	عدالت

۴- واژگان زیر را مانند نمونه به دو شیوه، جمع ببندید. نمونه: زمان: زمان‌ها - آزمنه

یجنت (محنت‌ها - یجن)، دعا (دعاها، ادعه)، خاص (خواص، خاصیت‌ها)، دعا (دعاها، ادعیه)

قلمرو ادبی

۱- قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید.

قافیه: جهان، زمان / ردیف: شما نیز بگذرد

۲- در بیت زیر، کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

بیرتیر جور تان ز تحمل سپر کنیم

(الف) سپر کردن تحمل: کنایه از مقاومت کردن

(ب) سختی کمان گذاشتن: کنایه از قدرت حکومت به پایان رسیدن

۳- هر واژه، یک معنای اصلی و یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی واژه، معنای حقیقی و به معنای غیر اصلی آن، معنای «مجازی» می‌گویند؛ مثال:

هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود»

«تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من

(سعدی)

«سرو» در لغت، نام نام گونه‌ای درخت است، ولی در این بیت، سعدی آن را در معنای دیگری به کار برده است. یعنی

«سرو» در اینجا مجاز است.

۴- اکنون در شعر این درس، دو نمونه «مجاز» بیابید و مفهوم هریک را بنویسید.

(الف) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر خلق و بر دهان شما نیز بگذرد

خاص و عام: مجاز از همه مردم

(ب) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

باد: مجاز از مرگ / شمع: مجاز از مردم / چراغدان: مجاز از زندگی

قلمرو فکری

۱- معنی و مفهوم بیت دوم درس را به نثر روان بنویسید.

(الف) معنی: محنت و سختی، جغد شوم ویرانگری است که به ما بسنده نمی‌کند، شما را نیز خانه خراب خواهد کرد.

(ب) مفهوم: رنج و سختی نیز نصیب شما هم خواهد شد.

۲- در بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه»، «چوپان گرگ طبع» و «گرگی شبان» چیست؟

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد

رّمه: مردم بدبخت ستم دیده / گرگی شبان: درنده خوبی و وحشی گری والیان دولت

۳- از متن درس، برای حدیث و آیه زیر، نمونه بیتی مرتبط بیابید و بنویسید.

- «الدّهْرُ یَومَان یَومٌ لَک و یَومٌ عَلَیْک» (دنیا دو روز است، روزی با تو و روزی بر تو) امام علی (ع)

کُلّ نفس ذائقة الموت سورة آل عمران، ۸۵

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد / هم رونقِ زمان شما نیز بگذرد

۴- سروده زیر، یادآور کدام بیت درس است؟

ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان؟

چون داد عادلان به جهان در بقا نگرَد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

«خاقانی»

۵- در بیت «ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد» به کدام باور قدیمی اشاره دارد؟

اینکه ستارگان در سرنوشت انسانها مؤثر بوده‌اند و مایه خوش بختی و بدبختی آنها را ستارگان رقم می‌زده‌اند.

شعرخوانی

۷۲

باز این چه شورش است

قالب شعر: ترکیب بند

۱۱ باز این چه شورش است که در خلق علم است؟ / باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

دوباره این چه غوغا و فریادی است که در بین مردم افتاده است. این چه گریه و زاری و عزا و سوگواری است. آرایه: مراعات نظیر (نوحه، عزا، ماتم) - تکرار: باز این چه

۱۲ باز این چه رستمیز عظیم است کز زمین / بی نغخ صور خاست تا عرش اعظم است

دوباره این چه رستاخیز بزرگی است که از زمین (بدون دمیدن فرشته اسرافیل در شیورش) تا آسمان بلند شده است. آرایه: واج آرایی (صامت «زه») - تلمیح به آیه قرآن و زنده شدن مردگان - تضاد: زمین و عرش - زمین و عرش مجاز از همه جا

۱۳ گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب / کاشوب در تمامی ذرات عالم است

گویی اتفاق عجیبی رخ داده است که در تمامی ذرات عالم آشوب و فتنه ایجاد شده است. آرایه: اغراق (طلوع آفتاب از مغرب) - مراعات نظیر (آفتاب، طلوع، مغرب) - مصراع اول: کنایه از اتفاق عجیب رخ دادن

۱۴ کر خوانش قیامت دنیا، بعید نیست / این رستمیز عام که نامش محرم است

اگر این رستاخیز عمومی را که نامش محرم است، قیامت این دنیا بنامم، امر عجیبی نیست. آرایه: اغراق

۱۵ در بارگاه قدس که جای ملال نیست / سرای قدسیان، بمر برزانی غم است

در بارگاه خداوندی که جای هیچ غم و اندوهی نیست همه فرشتگان زانوی غم بغل کرده‌اند. (همه ناراحت و غمگین هستند). آرایه: کنایه (سر بر زانو گذاشتن: غمگین بودن) - متناقض نما (بارگاهی که غم در آن نیست همه غمگین‌اند).

۱۶ جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند / گویا عزای اشرف اولاد آدم است

پری و فرشته برای انسان‌ها سوگواری می‌کنند، مثل اینکه عزای عزیزترین فرزندم آدم را گرفته‌اند. آرایه: مراعات نظیر (جن و ملک و آدم، نوحه و عزا) - واج آرایی (مصوت «ه» در مصراع دوم)

۱۷ خورشید آسمان و زمین نور مشرقین

پرونده کنار رسول خدا حسین
حسین (ع) کسی که همچون خورشید آسمان و زمین و نور مشرق و مغرب است آن عزیز که در کنار پیامبر پرورش یافت
آرایه: استعاره (خورشید و نور مشرقین) - تضاد (آسمان و زمین)

«محتشم کاشانی»

درک و دریافت

۱- این سروده محتشم کاشانی را از نظر احساس و عاطفه حاکم بر فضای شعر، با شعرخوانی «بوی گل و ریحان‌ها» مقایسه کنید.

به طور حتم، شعر محتشم کاشانی از نظر فضای عاطفی، غمناک و تأثیرانگیز است، در حالی که در شعر «بوی گل و ریحان‌ها» فضای شعر عاشقانه و شاداب است. غم شعر محتشم تلخ و دردناک است، اما غم شعر سعدی غم عشق است و برای عاشق، مطبوع و دلپذیر است.

۲- مقصود شاعر از «آشوب در تمامی ذرات عالم» را توضیح دهید.

منظور شور و غوغایی است که از شهادت امام حسین نه فقط در میان انسان‌ها، بلکه در بین تمام موجودات برپا شده است. شهادت این مرد بر همه ارکان خلقت اثر گذاشته و همه را متأثر ساخته است.

ارزشیابی مستمر

- ویژگی مهم قصاید سیف فرغانه در کدام گزینه آمده است؟ (۵/۵ نمره)
الف) سیاسی ب) اجتماعی ج) هنری د) طبیعت‌گرایی
- معنی واژه‌های «طالع، بوم» در کدام گزینه آمده است؟ (۵/۵)
الف) بخت، بام ب) طلوع، جغد ج) شانس، سرزمین د) بخت، جغد
- در مصراع «بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت» باد، استعاره از چیست؟ (۵/۵)
- جای خالی را با واژه مناسب پر کنید. (۵/۵)
گویا طلوع می‌کند از مغرب کاشوب در تمامی عالم است
- آوردن دو حرف اضافه برای یک اسم، از ویژگی‌های سبک خراسانی و عراقی است. نمونه‌ای از متن درس با این ویژگی بیابید. (۵/۵)
- آرایه برجسته به کار رفته در این بیت کدام است؟ (۵/۵)
«بر تیر جورتان ز تحمل پسر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد»
- در بیت «زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد» کاروانسرا و کاروان مجاز از چه هستند؟ (۵/۵)
- محتشم کاشانی چه چیزی را قیامت دنیا نامیده است؟ (۵/۵)
- در بیت «باز این چه رستخیز عظیم است؟! کز زمین / بی‌نقخ صور، خاسته تا عرش اعظم است» درباره نقخ صور توضیح دهید. (۱)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- گزینه (ب)، (۵/۵) ۲ گزینه (د)، (۵/۵) ۳ مرگ (۵/۵) ۴ آفتاب (۵/۲۵) ۵ ذرات (۵/۲۵) ۵ چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد. (۵/۵) ۶ مراعات نظیر (تیر، پسر، کمان)، (۵/۵) ۷ کاروانسرا ← دنیا (۵/۲۵) کاروان ← عمر (۵/۲۵) ۸ محرم (۵/۵) ۹ صور، شیپوری است که اسرافیل، یکی از فرشتگان خدا در آخر دنیا در آن می‌دمد و همه زندگان می‌میرند (۵/۵) و دوباره در آن می‌دمد و همه مرده‌ها زنده می‌شوند و در قیامت حاضر می‌گردند. (۵/۵)

دانش‌آموزان عزیز، برای مطالعه آزمون پایانی دی ماه، به انتهای بخش فارسی کتاب، قسمت آزمون پایانی، مراجعه نمایید.

۵ فصل ادبیات انقلاب اسلامی

مسابیح آموش

انقلاب اسلامی ایران، فصلی تازه در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما گشود. این انقلاب که از فرهنگ پربار اسلامی الهام می‌گیرد، تأثیری ژرف بر ادبیات ایران داشته است. مضامین موجود در آثار شاعران و نویسندگان این ترنم عبارتند از:

- ۱- دعوت به مبارزه و جهاد یا دشمنان و مستمکون
 - ۲- تکریم و تحلیل از شهید و شهادت
 - ۳- عشق به ولایت و اهل بیت
 - ۴- طرح حماسه عظیم عاشورا
 - ۵- دعوت به وحدت و همدلی
 - ۶- انتظار بوعود
- در نوشته‌ها و سرودهای این دوره، نگاه تازه به انسان، جهان و بهره‌گیری از آیات و روایات و نمادهای دینی، ملی و تاریخی فراوان است.

۶ درس در یادلان صف شکن

واژه‌نامه

أسوه:	الگو	خور:	زمین پست، شاخه‌ای از دریا
أنس:	دوستی	خیل:	گروه، دسته
بدر:	نام یکی از جنگ‌های پیامبر یا مشرکان مکه که در محلی بین مکه و مدینه اتفاق افتاد.	راست و ریس:	آماده، فراهم
بی تکلف:	ساده	رعب:	وحشت، ترس
تجلی:	آشکار شدن، جلوه کردن	سکان دار:	قایقران
تقدیر:	سرنوشت	سوله:	انبار
جنود:	سربازان	علم داران:	پرچم داران
حق الناس:	حقوقی که مردم برگردن یکدیگر دارند.	غنا:	ثروت، بی‌نیازی
حنین:	نام یکی از غزوه‌های پیامبر در محلی بین طائف و مکه	قرب:	نزدیکی
		مشیت:	عزم، اراده الهی، خواست خداوند
		معرکه:	میدان جنگ
		می کاوند:	بررسی می‌کنند

معنی عبارات‌ها و ابیات مهم:

- ۱- تاریخ مشیت باری تعالی است: تاریخ اراده و خواست خداوند است.
 - ۲- اینجا آیینة تجلی همه تاریخ است: در اینجا (جبهه) همه تاریخ آشکار می‌شود.
 - ۳- خاک مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است: خاک نشانه نیاز انسان در برابر بی‌نیازی خداست.
 - ۴- تا با خاک آنس نگیری راهی به مراتب قرب نداری: تا زمانی که به خاک علاقه نشان ندهی، به خدا نزدیک نخواهی شد.
 - ۵- حسرت نبرم به خواب آن مرداب / کارام درون دشت شب خفته است
- من به خواب آن مرداب که آرام در میان دشت خوابیده است، حسرت نمی‌برم.
- آرایه: تشخیص (خواب مرداب) - (مرداب استعاره از انسان‌های بی‌تحرك و بی‌خیال)
- ۶- دریایم و نیست باکم از طوفان / دریا همه عمر خوابش آشفته است
- من همچون دریا هستم که هیچ ترسی از طوفان ندارم، زیرا دریا در همه عمرش هیچ گاه نمی‌خوابد.
- آرایه: تشبیه (شاعر به دریا) - مراعات نظیر (دریا- طوفان، آشفته) - تشخیص (خواب آشفته دریا) - مصراع دوم: کنایه از بیدار بودن

تاریخ ادبیات

مرتضی آوینی، شهید سید مرتضی آوینی (شهادت ۱۳۷۲ در منطقه قلعه) از خدمتگزاران صدیق انقلاب اسلام ایران، قلم‌ساز و سردبیر مجله سوره بود. از آثار او می‌توان به مجموعه برنامه‌های تلویزیونی «خان آزرده‌ها»، حقیقت، روایت فتح و سراب اشاره کرد. نوشته زیر مشتمل بر یکی از فیلم‌های روایت فتح است که همراه با صدای گرم و محزون او از سیمای محور اسلام ایران بحث می‌شود.

قلمرو زبانی

۸۰

۱- پنج گروه کلمه مهم املایی از متن درس بیابید و بنویسید.

به محض شکستن - متواضع - سوله - زعب - غواص - زهرای مرضیه - معرکه - آسوه - غنای خالق - قرب

۲- با رجوع به لغت‌نامه، درباره ساخت و معنای کلمه «سردمدار» توضیح دهید.

ساخت آن تشکیل شده از: سر + دم + دار

معنی (زورخانه) محلی سکوماند که مشرف بر گود است و مرشد بر آن قرار می‌گیرد و همراه ضرب، ورزش را همراهی می‌کند. پس سردمدار به معنای فرمانده و راهنمایی‌کننده است.

۳- از متن درس، چهار جمع مکسر بیابید و مفرد هریک را بنویسید.

جنود ← جند

نفوس ← نفس

وسواس ← وسوسه

قلوب ← قلب

۴- یکی از راه‌های ساخت کلمه «مشتق»، بدین شکل است: «اسم + چی = اسم»: مانند «شکارچی» در این کلمه، پسوند «چی» در معنای «پیشه و شغل» کاربرد دارد. نمونه‌ای از آن را در متن درس بیابید. بولدوزچی

۶- حال از متن درس برای هریک از انواع جمله، نمونه‌ای بیابید و بنویسید.

جمله ساده: اینجا آیینته تجلی همه تاریخ است.

جمله غیر ساده: اینجا سوله‌ای است که گردان عبدالله آخرین لحظات قبل از شروع عملیات را در آن می‌گذرانند.

قلمرو ادبی

۸۰

۱- هر قسمت مشخص شده، در بردارنده کدام آرایه ادبی است؟

حسرت نبرم به خواب آن مرداب

کارآم درون دشت شب خفته است

تشخیص (خوابیدن مرداب)

اضافه تشبیهی

۲- در عبارت زیر، کنایه را مشخص کنید و مفهوم آن را بنویسید.

تا با خاک انس نگیری، راهی به مراتب قرب نداری.

نمی‌توانی به خداوند برسی.

قلمرو فکری

۸۱

۱- نویسنده در کدام جمله، از مفهوم آیه «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (سوره رعد، آیه ۲۸) بهره گرفته است؟

۱- در معرکه قلوب مجاهدان خدا، آرامشی که حاصل ایمان است حکومت دارد.

۲- درباره ارتباط محتوایی متن «دریادلان صف‌شکن» و سروده شفیعی کدکنی توضیح دهید.

هر دو متن از انسان‌های بزرگ و دریادالی خبر می‌دهد که هیچ‌گاه در خواب غفلت فرو نرفته‌اند و از هجوم حوادث هیچ ترسی به تل راه نمی‌دهند و خود را در متن و بطن حادثه قرار می‌دهند. آنها با این حوادث خو گرفته‌اند و با آن انس دارند.

۳- چرا نویسنده معتقد است که «همه تاریخ اینجا (جبهه) حاضر است: بدر و خنین و عاشورا اینجا است.»؟

تیرا نویسنده «انسانیت و عشق» را تاریخ‌ساز می‌داند و معتقد است که هرگاه این دو بُعد حاضر باشند، تاریخ جدیدی رقم خواهد خورد و حوادث بزرگی چون بدر و خنین و عاشورا به وجود خواهد آمد.

یک گام فراتر

واژه‌نامه

استدعا:	درخواست	معرف:	شناساننده، تعریف‌کننده
خانقاه:	محلی که درویشان در آن سکونت کنند.	شقریان:	نزدیکان
فراترا:	جلوتر، پیش‌تر		

معنی عبارات‌های مهم:

- دست به روی فرو آورد: دستی به صورتش کشید.
- از شیخ استدعای مجلس کردند، اجابت کرد. از شیخ خواستند که جلسه‌ای برای آنها بگذارد و او نیز پذیرفت.

تاریخ ادبیات

اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید: این کتاب تألیف محمد بن منور نوه شیخ ابوسعید ابوالخیر است که به دلیل علاقه به جد خود، احوال و اقوال وی را از نزدیکان و مریدان گردآوری کرد و آن را به سه باب تقسیم کرده است. اثر کتاب ساده و دل‌چسب است.

ارزشیابی مستمر

- مهم‌ترین اثر شهید آوینی کدام است؟ (۵/۰ نمره)

الف) سراب	ب) روایت فتح	ج) خان‌گزیده‌ها	د) سوره
-----------	--------------	-----------------	---------
- اثر محمد بن منور کدام کتاب است؟ (۵/۰)

الف) اسرار التوحید	ب) کشف الاسرار	ج) کشف المحجوب	د) تذکرة الاولیاء
--------------------	----------------	----------------	-------------------
- معنای واژه‌ها به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ «سوله، أسوه، خور» (۵/۰)

الف) انبار بزرگ، الگو، زمین کشاورزی	ب) انبار، خاطره، زمین پست
ج) اتاق، الگو، زمین پست	د) انبار، الگو، زمین پست
- نویسنده چه چیزی را گنجینه‌ای از رازهای خلقت دانسته است؟ (۵/۰)
- از نظر نویسنده تقدیر تاریخی زمین از کجا و به وسیله چه کسانی صورت می‌گیرد؟ (۵/۰)
- معنی عبارت «خاک مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است» را بنویسید. (۵/۰)
- پیام نهایی درس «یک گام فراتر» چیست؟ (۵/۰)
- در بیت «دریایم و نیست باکم از طوفان / دریا همه عمر خوابش آشفته است» شاعر به کدام ویژگی خود افتخار می‌کند؟ (۵/۰)
- با توجه به متن درس، نویسنده علت نترسیدن رزمنده‌ها از مرگ را در چه چیزی می‌داند؟ (۵/۰)
- در کدام عبارت جمله مرکب وجود دارد؟ (۵/۰)

الف) دشمن برده ماشین است و تو ماشین را در خدمت ایمان کشیده‌ای.
ب) تفنگ دوربین دارش نشان می‌دهد که تک‌تیرانداز است.

پاسخ ارزشیابی مستمر

- گزینه (ب)، (۵/۰) ۲ گزینه (الف)، (۵/۰) ۳ گزینه (د)، (۵/۰) ۴ اشیا را که در جبهه هستند. (۵/۰) ۵ از حاشیه آروند (۵/۲۵) و به دست جوانان رزمنده. (۵/۲۵) ۶ یعنی خاک نشانه نیاز انسان در برابری نیازی خداست. (۵/۰) ۷ یعنی تلاش کنید خود را به خدا نزدیک‌تر کنید. (۵/۰) ۸ دائم در جنب و جوش بودن (سرزنده بودن) (۵/۰) ۹ زیرا به جاودانگی روح خویش در جوار رحمت حق آگاهند. ۱۰ گزینه (ب) (۵/۲۵) به خاطر حرف ربط «که» (۵/۲۵)

واژه‌نامه

افسرده	پژمرده، بیخ زده، اندوهگین	دشمن	خصم
زیبایی	روشن، آشکار	گلزار	گلشن
تکریم	احترام	محل دفن، قبر	مقدفن
توسن	سرکش، ناآرام		

معنی ابیات

۸۳

خاک آزادگان

قالب شعرا غزل

۱۱ به خون، کرکشی خاک من دشمن من
بجوشد گل اندر گل از گلشن من

ای دشمن اگر سرزمین مرا غرق در خون کنی باز دوباره از باغ و گلزار من گل می‌روید. (نمی‌توانی آن را نابود کنی.)
آرایه: تکرار (گل) - به خون کشیدن؛ کنایه از انسان‌های زیادی را کشتن - واج آرایه (صامت «گ» و «ن») گلشن؛ استعاره از سرزمین

۱۲ تم گر بسوزی، به تیرم بدوزی
جداسازی ای خصم، سر از تن من

ای دشمن اگر بدنم را بسوزانی یا با تیر مرا هدف بگیری و حتی سرم را از تنم جدا کنی، هرگز نمی‌توانی عشق میان من و میهنم را از قلبم بگیری. (ابیات موقوف المعانی هستند.)
آرایه: جناس ناقص؛ بسوزی و بدوزی - سجع متوازی؛ بسوزی و بدوزی - سر، مجاز از کل وجود - واج آرایه (صامت «م» و «ن»)

۱۴ من ایرانی‌ام آرامم شهادت
تخیلی هستی است، جان‌کندن من

من یک ایرانی هستم و آرزویم شهادت است. شهادت من آشکارکننده هستی و بودن من است.
آرایه: جان‌کندن؛ کنایه از کشته شدن

۱۵ پندار این شعله افسرده کرد
که بعد از من افروزد از مدفن من

فکر نکن که این شعله عشق خاموش شود، هرگز! زیرا بعد از مرگ من از قبرم شعله‌ور خواهد شد.
آرایه: شعله؛ استعاره از عشق، مراعات نظیر (شعله، افروزد)

۱۶ نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش
بناز به نینک تو توسن من

نه با تو صلح و سازش می‌کنم و نه از تو خواهش و تمنا خواهم کرد، بلکه این روح ناآرام من بر حیل و نیرنگ تو خواهد تاخت.
آرایه: سجع متوازی (سازش، خواهش) - توسن؛ استعاره از وجود ناآرام

۱۷ کنون رود خلق است، دریای جوشان
بهر خوش نشم شد خرمن من

اکنون سیل جمعیت مردم به دریای خروشان تبدیل شده است و تمام وجود من نیز لبریز از خشم و خروش است.
آرایه: مراعات نظیر (رود و دریا، خوشه و خرمن) - واج آرایه (حرف «خ» و «ش») - اضافه تشبیهی: رود خلق - تشبیه (خلق به دریا، خرمن به خوشه)، خرمن؛ استعاره از وجود من

۱۸ من آزاده از خاک آزادگانم گل صبر، مهرورد دامن من

من انسانی آزاده از سرزمین آزادگان هستم و دامان من محل رویش صبر است. (من انسانی صبور هستم و در برابر سختی‌ها صبوری می‌کنم.)

آرایه: اضافه تشبیهی: گل صبر - مصراع دوم: کنایه از صبور بودن - دامن: مجاز از وجود من، خاک: مجاز از کشور

۱۹ جز از جام توحید هرگز تو شدم زنی که به تیغ ستم کردن من

من به جز از شراب عشق الهی چیز دیگری نمی‌نوشم (تنها خداوند یکتا را می‌پرستم) حتی اگر با شمشیر ستم کردن مرا بزنی.

آرایه: اضافه تشبیهی: تیغ ستم - مراعات نظیر (جام و نوشیدن) - مجاز (گردن: مجاز از کل وجود)

«سپیده کاشانی (سرور اعظم باکوچی)»

تاریخ ادبیات

سپیده کاشانی: سرور اعظم باکوچی معروف به سپیده کاشانی (۱۳۱۵ - کاشان) در خانواده‌ای که به مبانی اسلامی و مذهبی پایبند بود به دنیا آمد. وی از شاعران معاصر ایران است که پس از انقلاب اسلامی فعالیت‌های ادبی خود را وسعت بخشیده و با مطبوعات و رادیو و تلویزیون همکاری نزدیک داشته است. شعرش از لطافت و ظرافت خاصی برخوردار است. او هم به سبک قدیم و هم به سبک نو اشعار زیادی سروده است. از آثار او می‌توان به «پروانه‌های شب»، «هزاران دامن گل سرخ» و «لحن آشنا» اشاره کرد.

قلمرو زبانی

- ۱- برای واژه «افسرده» دو معادل معنایی بنویسید. غمگین، پژمرده
- ۲- اجزای هر جمله بیت زیر را در جدول قرار دهید.

من ایرانی‌م، آرمانم شهادت
تجلی هستی است، جان‌کندن من

نهاد	گزاره
من	ایرانی هستم
آرمان من	شهادت است
جان‌کندن من	تجلی هستی است

- ۳- در بیت زیر، ضمیر «م» به ترتیب، در نقش دستوری مضاف الیه و مفعول قرار گرفته است.

تنم گریسوزی، به تیرم بدوزی
داسازی ای خصم، سراز تن من...

قلمرو ادبی

- ۱- «مشبه» و «مشبه به» را در هر تشبیه معین کنید؟
«کتون رود خلق است، دریای جوشان»

- خلق: مشبه
- رود: مشبه به
- رود خلق: مشبه
- دریای جوشان: مشبه به
- خرمن: مشبه
- خوشه خشم: مشبه به

- ۲- این سروده را از نظر قالب و مضمون با شعر «مهر و وفا» مقایسه کنید.

از نظر قالب هر دو شعر غزل هستند و از قالبی یکسان برخوردارند. از نظر مضمون با اینکه هر دو ادبیات غنایی‌اند، اما بسیار متفاوت‌اند. در غزل «مهر و وفا» مضمون اصلی عشق و عاشقی و ناز و عشوه معشوق مطرح است، اما در غزل «خاک آزادگان» مضمون ایثار و جهاد و مقابله با دشمن متجاوز مطرح است و تقریباً مضمونی حماسی به خود گرفته است.

- ۳- در شعری که خواندید، واژه‌های «خاک» و «شعله» در کدام مفهوم مجازی به کار رفته‌اند؟

شعله: مجاز از عشق
خاک: مجاز از کشور

۵- نمونه‌ای از کاربرد شیوه بلاغی را در متن درس بیابید و آن را توضیح دهید.
 در مصراع: «همه خوشه خشم شد خرمن من» مسند و فعل بر نهاد مقدم شده است.
 اصل ترتیب اجزا بدین صورت بوده است: «خرمن من همه خوشه خشم شد»
 خرمن من، نهاد و خوشه خشم، مسند جمله است و شاعر از شیوه بلاغی برای اثرگذاری بیشتر استفاده کرده است.

قلمرو فکری

۸۵

۱- در کدام بیت، بر مفهوم «یگانه پرستی» تأکید شده است؟

جز از جام توحید هرگز ننوشم

۲- مضمون بیت‌های دوم و سوم را با سروده زیر مقایسه کنید.

«تا ز بر خاکی ای درخت تنومند

زسی گریه تیغ ستم کردن من

مگسل از این آب و خاک بشه پیوند»

«ادیب الممالک فراهانی»

هر دو سروده بر این موضوع تکیه دارند که انسان‌ها به سرزمین مادری و اصل و ریشه خویش عشق می‌ورزند و هیچ‌گاه نمی‌توانند آن اصل و پیوند خود را فراموش کنند.

۳- در کدام بیت، به مفهوم آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا، بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹) اشاره کرده است؟

که بعد از من افروزد از مدفن من

مپندار این شعله افسره گردد

۴- مقصود از مصراع دوم بیت زیر چیست؟

گل صبر می‌پرورد دامن من

من آزاده از خاک آزادگانم

۱- فرزندان صبور پرورش می‌دهم ۲- صبوری می‌کنم.

۸۶

روان خوانی

واژه‌نامه

ازدحام:	شلوغی	شلفله:	سرو صدا
الأنبار:	نام یکی از استان‌های مهم عراق	فضله:	مدفوع حیوانات
باج:	خراج، مالی که پادشاهان بزرگ از پادشاهان زیردست بگیرند.	قنطاق:	قسمت چوبی یا آهنی ته تفنگ
بنت‌الخمینی:	دختر خمینی	کفاف:	به اندازه کافی
خمیر مایه:	سرشت، ذات	کلافه:	اذیت
شیون:	فریاد، ناله	متلاطم:	طوفانی
		وقاحت:	بی‌شرمی

معنی عبارت‌های مهم:

- ۱- از آسمان و زمین، مرگ بر شهر می‌بارید.
- ۱- بسیاری از مردم کشته شده بودند. ۲- از آسمان هواپیماها و از زمین خمپاره‌ها مردم را می‌کشت.
- ۲- مثل مور و ملخ از کمین‌گاه‌های خود درآمدند: تعداد زیادی از سربازان از کمین‌گاه‌ها بیرون آمدند.
- ۳- «تابوت مرا جای بلندی بگذارید تا باد سرد سوی وطن بوی تنم را»
 تابوت مرا در جای بلندی قرار دهید تا باد بوی بدنم را به سمت وطنم ببرد.
- ۴- لَعْنُ عَلَى الصَّدَامِ: لعنت بر صدام
- ۵- همیشه ورد زبانش بود: همیشه بر زبانش جاری بود.
- ۶- اصلاً حاضر نیستم یک قدم از خودم عقب‌نشینی کنم: حاضر نیستم از اعتقادات و باورهایم دست بکشم.

تاریخ ادبیات

معصومه آباد، در ۱۴ شهریور ۱۳۴۱ در آبادان متولد شد. با شروع زلزله‌های انقلاب به جمع انقلابیون پیوست و از هیئت تلاش‌های ایرانی خدمت‌رسانی به مردم دریغ نکرد. در ۱۷ ماهگی همزمان با گسله عراق به ایران به عنوان یکی از اعضای هلال احمر و نماینده فرمالدهار در شهر مشغول خدمت شد و در یکی ماه‌شهر به اسارت نیروهای عراقی درآمد و بعد از ۴ سال اسارت در مبادله اسرا به وساطت صلیب سرخ جهانی به ایران بازگشت. عمده شهرت این بانوی بزرگ - «شستن کتابی به نام «من زنده‌ام» است که خاطرات اسارت اوست.

درک و دریافت

- ۱- به اعتقاد شما چگونه می‌توان از این‌گرایی آزادگان و جانبازان تجلیل کرد؟ ۱- مهم‌تر از همه احترام به شرف و آزادی و عزت و بزرگواری آنهاست که به خاطر میهن و ناموس ما رنج‌های زیادی را تحمل کرده‌اند. ۲- دولت در حد امکان آنها را از نظر اقتصادی پشتیبانی کند. (دانش‌آموز عزیز شما نیز نظرتان را بگویید.)
- ۲- ثبت خاطرات دوره جنگ، چه نقشی در حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی داشته است؟ سبب آشنایی جوانان با مبارزات رزمندگان و مجاهدات آنها شده است و همین آشنایی عاملی در حفظ و نگهداری از انقلاب اسلامی گشته است تا بدانند این انقلاب با چه سختی‌ها و رنج‌هایی به اینجا رسیده است تا در حفظ ارزش‌های انقلاب کوشا باشند.

ارزشیابی مستمر

- ۱- کتاب «من زنده‌ام» اثر _____ است. (۰/۲۵ نمره)
- ۲- به بیت‌هایی که معنی آنها به هم وابسته است _____ می‌گویند. (۰/۵)
- ۳- آیا می‌توان شعر «خاک آزادگان» را یک نوع حماسه دانست؟ دلیل خود را بنویسید. (۰/۵)
- ۴- در بیت «به خون گرکشی خاک من، دشمن من / بجوشد گل اندر گل از گلشن من» کدام قسمت دارای آرایه اغراق است؟ (۰/۲۵)
- ۵- در مصراع «گل صبر می‌پرورد دامن من» دامن مجاز از چیست؟ (۰/۵)
- ۶- «در پوست خود ننگ‌جیدن» کنایه از چیست؟ (۰/۵)
- ۷- در عبارت «سوار ماشین شدیم، اما هر دو ترجیح دادیم بین گوسفندها باشیم نه بین گرگ‌ها» منظور از گرگ‌ها چیست؟ (۰/۵)
- ۸- بیت «تابوت مرا جای بلندی بگذارید / تا باد برد سوی وطن، بوی تم را» کدام حس شاعر را نشان می‌دهد. (۰/۵)
- ۹- چرا نویسنده «من زنده‌ام» معتقد است نباید دردها و رنج‌های ایران به فراموشی سپرده شود؟ (۰/۵)
- ۱۰- مفهوم عبارت «هر کرکسی بدون اجازه از بام میهن ما بگذرد، باید پرهایش را به تربیت‌شدگان نسل ما باج دهد.» چیست؟ (۰/۵)
- ۱۱- مفهوم مشترک میان دو درس «خاک آزادگان و شیرزنان» در چه موضوعاتی به چشم می‌خورد؟ (۰/۵)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱- معصومه‌آباد (۰/۲۵) ۲- موقوف‌المعانی (۰/۵) ۳- بله (۰/۲۵)، زیرا در آن به دفاع از وطن و مقابله با دشمن متجاوز دعوت شده است. (۰/۲۵) ۴- خاک من را به خون کشیدن (۰/۲۵) ۵- وجود خود شاعر (۰/۵) ۶- خوشحالی بسیار (۰/۵)
- ۷- عراقی‌های یعنی (۰/۵) ۸- حس وطن‌پرستی (۰/۵) ۹- زیرا تاوان این غفلت را با نابودی سرزمین و رنج مردم آن بارها داده‌ایم. (۰/۵) ۱۰- یعنی فرزندان این دیار یا تربیتی که از سربازان این سرزمین یاد گرفته‌اند دشمن متجاوز را اسیر و رام خویش می‌کنند. (۰/۵) ۱۱- دفاع از وطن (۰/۲۵)، فرهنگ شهادت (۰/۲۵)

مناجیم آموزش

حماسه یکی از انواع ادبی و در اصطلاح، روایتی است داستانی از تاریخ تخیلی یک ملت که با قهرمانی‌ها و اعمال و حوادث خارق‌العاده درمی‌آمیزد. ویژگی اصلی حماسه، تخیلی بودن و شکل داستانی آن است. وجود انسان‌های برتر که از نظر نیروی جسمانی و معنوی برگزیده هستند، از دیگر ویژگی‌های حماسه به‌شمار می‌آید.

حماسه دوگونه است:

- ۱- حماسه طبیعی
- ۲- حماسه مصنوعی، حماسه طبیعی از زمان‌های دور به صورت شفاهی در بین ملت‌ها وجود داشته و سینه به سینه نقل شده است، مانند ایللیاد و اودیسه هومر و بخش‌هایی از شاهنامه.
- حماسه مصنوعی تقلیدی از حماسه طبیعی است. در تدوین این نوع حماسه همه افراد یک ملت دخالت ندارند، بلکه فقط یک نفر (شاعر) آن را می‌سراید، مانند «حملة حیدری» از «بازل مشهدی». حماسه دارای چهارزمینه اصلی است:
 - ۱- زمینه داستانی ۲- زمینه قهرمانی ۳- زمینه ملی ۴- زمینه خرق عادت.

۱۲ رستم و اشکبوس

واژه‌نامه

صمغی زردرنگ که روغن کمان از آن می‌گرفته‌اند. اینجا فقط زردی منظور است.	سندروس:	درختی با چوب سخت و رنگ تیره، در این درس منظور تیرگی گرد و غباز اسب	آبنوس:
انگشترمانندی از جنس استخوان در انگشت شست که با آن زه کمان را می‌گرفتند.	شست:	اسب (بی‌بارگی: بدون اسب) روی برگرداند	باره:
افسار	عنان:	سینه	بپیچید:
افسوس، سخره کردن	فسوس:	زد، (زدن)	تیر:
مرکز سپاه	قلب سپاه:	یکی از سیارات منظومه شمسی	بیزد:
جنگ	کارزار:	آماده	بهرام:
طبل بزرگ	کوس:	جنگجو، پهلوان	به‌زه:
یکی از سیارات منظومه شمسی	کیوان:	مُمال سلاح	پرخاشجو:
زره، نوعی جامه جنگی	گبر:	جنگ	سلیح:
پهلوان	گرد:	فلز و آهن نوک‌تیز، نیزه	پیکار:
مزاح، شوخی	مزیح:	کلاه خود	پیکان:
سنگی گران‌قیمت به رنگ قرمز، اینجا قرمزی موردنظر است.	لعل:	دلآوری، شجاعت	ترگ:
حریف، هم‌نبرد	هماورد:	درختی بسیار سخت که از چوب آن تیر، نیزه و زین سازند	چالاک:
		بیهوده	خندنگ:
		خسته	خیره‌خیز:
			ستوه:

رستم و اسفندیوس

قالب شعر: مثنوی

۱۱. خروش یفلواتان و اسبها در میدان جنگ به اوج آسمان رسید.

فریاد یفلواتان و نمره اسبها در میدان جنگ به اوج آسمان رسید.
آرایه: مراعات نظیر (یهرام و کیوان) - اغراق (مصراع دوم) - کنایه (مصراع دوم: به بالاترین حد رسید)

۱۲. بر تیغ و ساعد ز خون بود لعل فروشان دل خاک و ز نعل

شمشیر و دست جنگجویان از خون، سرخ شده بود و زمین در زیر نعل اسبها به خروش درآمده بود.

۱۳. بر تخته از آن جای شیران نه ستاب دلاور برآورد

یفلواتان شجاع، آن منطقه را ترک کردند و به سمت میدان جنگ حرکت کردند.

آرایه: استعاره (شیران و عقاب: از یفلواتان بزرگ) - مراعات نظیر (شیر و عقاب) - جناس (نرو پیر) - استعاره (عقاب دلاور: رستم)

۱۴. لاله با روی خورشید ننگ به جوش آمد خاک بر کوه و سنگ

از عظمت سیاه خورشید نیز ترسید و حتی خاک از زیر کوه و سنگ به جوش و خروش درآمد.

آرایه: کنایه (رنگ از روی خورشید برید: ترسید) - مراعات نظیر (خاک، کوه، سنگ) - اغراق (هر دو مصراع)

۱۵. به گداز چنین گفت کاموس گره که کر آسمان تا بیاید سپهر

۱۶. بر تیغ و گرز و کند آویزه به ایرانیان ننگ و بند آویزه

کاموس یفلواتان، به سیاهپانش گفت: اگر قرار باشد از آسمان هم بگذرید، عبور کنید. با تمام توان و قدرت عرصه را بر ایرانیان ننگ و آنها را اسیر کنید.

آرایه: اغراق (مصراع دوم بیت اول) - مراعات نظیر (تیغ، گرز، گمند) - کنایه (بند آوردن: اسیر کردن)

۱۷. دلیری کجا نام او اسفندیوس بی بر خورشید بر سان کوس

یفلواتی که نام او اسفندیوس بود مانند طیل جنگی (طیلی که در آغاز جنگ می گویند) فریاد برآورد. (کجا به معنای: که)
آرایه: تشبیه (اسفندیوس به کوس)

۱۸. بیاید که جمیع ز ایران نبرد سر هم نبرد اندر آرد به گرد

اسفندیوس) به طرف سیاهپان ایران آمد تا حریف بطلید و او را شکست دهد.

آرایه: مجاز (ایران از لشکریان) - کنایه (سر به گرد آوردن: شکست دادن)

۱۹. بشه تنه ز نام با خود و کبر بی کرد رزم اندر آمد به ابر

رستم سریع با کلاه خود و زره جنگی به سمت اسفندیوس رفت. آن چنان که گرد و خاک میدان جنگ از حرکت سریع اسب او به آسمان رفت.

آرایه: مراعات نظیر (خود، گبر، رزم) - جناس (گبر و ابر) - اغراق (مصراع دوم) - مجاز (ابر از آسمان)

۲۰. برآوردخت نام با اسفندیوس برآورد پ بوق و کوس

رستم و اسفندیوس با هم گلاویز شدند و از هر دو سپاه صدای شیپور و طبل بلند شد.

آرایه: مراعات نظیر (بوق و کوس) - مجاز (بوق و کوس از صدای بوق و کوس)

۱۱ به کز کران دست برو اشکبوس زمین آئین شد سپر آبنوس

اشکبوس گرز سنگین خود را به دست گرفت و زمین برای تحفل ضربات او همچون آهن و آسمان پراز گرد و غبار شد.
آرایه: تضاد (زمین و سپهر) - تشبیه (زمین مانند آهن، سپهر مانند آبنوس) - اغراق (مصراع دوم)

۱۲ برآینت رهام کز کران نمی شد ز پیکار اسپ سران

رهام گرز سنگین خود را بیرون کشید و به جنگ با رستم پرداخت و در پی این جنگ، اسب هر دو پهلوان زخمی شد.
آرایه: مراعات نظیر (گرز و پیکار) - جناس ناقص (سران و گران)

۱۳ چو رهام کشت از کشتی توه پیمید زو روی و شد سوی کوه

وقتی رهام از جنگ با اشکبوس خسته شد، از او روی برگرداند. (از جنگ دست کشید و به سوی کوه حرکت کرد).
آرایه: کنایه (روی پیچیدن: منصرف شدن) - جناس (روی، سوی) - واج آرایی (مصوت بلند «لو»)

۱۴ ز قلب سپاه اندر آشت طوس بزد اسب، کلید بر اشکبوس

طوس که در مرکز سپاه بود، خشمگین شد. اسبش را می کرد تا به پیکار اشکبوس برود.
آرایه: کنایه (زدن: می کردن اسب)

۱۵ تهن برآشت و با طوس گفت که ز رهام را جام با دست بخت

رستم خشمگین شد و به طوس گفت که رهام مرد شراب است، نه مرد جنگ.
آرایه: جناس ناقص (گفت، بخت) - کنایه (مصراع دوم: اهل جنگ نیست)

۱۶ تو قلب سپه را به آئین بردار من اکنون پیاده، کنم کارزار

تو (طوس) فرماندهی مرکز سپاه را به عهده بگیر. من اکنون پیاده به جنگ اشکبوس می‌روم.
آرایه: کنایه (به آیین داشتن: منظم نگه داشتن)

۱۷ کمان به زو را به بازو کنند به بند کمر بر بزو تیر چند

کمان آماده خود را به بازو انداخت و چند تیر به بند کمر بندش آویخت.
آرایه: مراعات نظیر (کمان، زه، تیر) - جناس (بند و چند) - یکی از خصوصیات سبک خراسانی، آوردن دو حرف اضافه برای یک اسم بوده است. (مصراع دوم به بند کمر بر)

۱۸ خروید: گامی مرو رزم آزمای باوردت آمد مشو باز جای

فریاد زد که ای پهلوان جنگجو، حریفت به میدان آمد، به عقب برنگرد.
آرایه: کنایه (مشو باز جای: به عقب برنگرد)

۱۹ کشتی بخندید و خیره باند عنان را کران کرد و او را بخواند

اشکبوس خندید و تعجب کرد. اسب را نگهداشت و او را صدا زد.
آرایه: کنایه (عنان را گران کردن: نگه داشتن اسب)

۲۰ بدو گفت خندان: که نام تو چیست؟ تن بی سرت را که خواهد گریست؟

با خنده به رستم گفت که نام تو چیست و چه کسی بر تن بی سرت تو گریه خواهد کرد.
آرایه: تضاد (خندان و گریستن) - بیت طنز دارد.

۲۱. تهمتن چنین داد پانخ که نام چه پرسی کزین پس نیننی تو کام

رستم این چنین پاسخ داد که چرا نام مرا می پرسی؟ زیرا بعد از این، روی خوشبختی را نخواهی دید.
آرایه: جناس (نام و کام) - کنایه (کام ندیدن: بدبخت شدن)

۲۲. مرا مادرم نام، مرگ تو کرد زانه مرا پتک ترک تو کرد

مادرم نام مرا «اجل اشکبوس» نهاده است و روزگار به دست من، تو را از میان خواهد برد.
آرایه: واج آرایی (صامت دوم: «گ») - جناس (مرگ و ترک) - مجاز: (ترک از کل وجود)
تشخیص (زمانه) - این بیت طنز دارد. - استعاره (پتک از رستم)

۲۳. کشتنی بدو گفت بی بارگی به کشتن دی سر به یکبارگی

اشکبوس به رستم گفت: بدون اسب خودت را یکباره به کشتن می دهی.
آرایه: مجاز (سراز کل وجود)

۲۴. تهمتن چنین داد پانخ بدوی: که ای بینه مرد پر خاشجی

۲۵. پیاده، ندیدی که جنگ آورد؟ سر سرکشان، زیر سنگ آورد؟

(این دو بیت موقوف المعانی اند، یعنی باید با هم معنی شوند).
رستم این چنین به اشکبوس پاسخ داد که ای جنگجوی بیهوده گو، آیا تاکنون جنگجوی پیاده ای را ندیده ای که به میدان جنگ برود و دشمنان را نابود کند؟

آرایه: کنایه (سر کسی، را زیر سنگ آوردن: کشتن، نابود کردن) - جناس (جنگ و سنگ)

۲۶. به شتر تو شیر و نهنگ و پلنگ سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟

آیا در کشور شما پهلوانانی که مثل شیر و نهنگ و پلنگ هستند نیز سواره به میدان بجنگ می روند؟
آرایه: مراعات نظیر (شیر و نهنگ و پلنگ) - استعاره (شیر و نهنگ و پلنگ از پهلوانان قدرتمند) - بیت طنز دارد.

۲۷. هم اکنون تو را، ای شبره سوار پیاده یاموزت کارزار

اکنون ای مرد جنگجوی سواره، شیوه پیاده جنگیدن را به تو خواهیم آموخت!

۲۸. پیاده مرا زان فرستاد، طوس که تا اسب بتانم از اشکبوس

طوس به این دلیل مرا پیاده به میدان فرستاده است تا از اشکبوس، اسب بگیرم.
آرایه: واج آرایی (صامت «س»)

۲۹. کشتنی پیاده شود، همچو من ز دو روی، خندان شود انجمن

اشکبوس همچون من از اسب پیاده شود تا همگان به او بخندند. (مسخره اش کنند)
(در بعضی از نسخ شاهنامه در مصراع دوم (زدو) ← (بدو) نوشته شده است که معنای کاملتری دارد.
آرایه: کنایه (خندان شدن: مسخره کردن)

۳۰. پیاده، به از چون تو پانصد سوار بدین روز و این گردش کارزار

در این روز و روزگار یک جنگجوی پیاده بهتر از پانصد سوار مثل تو است.
آرایه: اغراق (مصراع اول)

۳۱. کشتی بدو گفت: با تو سلج نیمم ای جز فوس و مزج

اشکیبوس به رستم گفت من در تو سلاحی جز افسوس و مسخرگی نمی بینم.
کنیه: کلمات «سلیح و مزج» ممال اند. یعنی بعضی از کلمات عربی وقتی به زبان تازی می آیند «ا» در آنها به «ی» تبدیل می شوند، مانند رکاب ← رکیب - اسلامی ← اسلیمی.

۳۲. بدو گفت رستم که تیر و کمان بین تا هم اکنون، سر آری زمان

رستم به او گفت به تیر و کمان من نگاه کن زیرا اکنون با این تیر و کمان به زندگی ات پایان می دهم.
آرایه: کنایه (سر آری زمان - کشته شوی) - مراعات نظیر (تیر و کمان) - جناس ناقص (کمان و زمان)

۳۳. چو تازش به اسپ کرانایه دید کمان را به زه کرد و اندر کشید

هنگامی که دید اشکیبوس به اسبش می نازد، کمان را آماده کرد و کشید.

۳۴. یکی تیر زد بر بر اسپ اوی که اسب اندر آمد زبالا به روی

رستم تیری به سینه اسب اشکیبوس زد، آن چنان که اسب واژگون شد.
آرایه: جناس تام (تیر: حرف اضافه، بر: سینه) - جناس ناقص (اوی، روی - کنایه (مصراع دوم: سرنگون شدن)

۳۵. بخندید رستم، به آواز گفت که بنشین به پیش کرانایه جفت

رستم خندید و با صدای بلند گفت که اکنون در کنار دوست عزیزت بنشین. (رستم با حالت تحقیر، اسب را هم نشین اشکیبوس می نامد).
آرایه: جناس ناقص (گفت، جفت)

۳۶. سزو کرداری، سرش در کنار زمانی بر آسایی از کارزار

شایسته است که سر اسب را در آغوش بگیری و برای لحظه ای از جنگ کردن آسوده باشی، (این بیت طنز دارد).

۳۷. کمان را به زه کرد زود اسکیبوس تنی لرز لرزان و زخ، سندروس

اشکیبوس به سرعت کمان خود را آماده کرد در حالی که از ترس بر خود می لرزید و رنگ چهره اش زرد شده بود.
آرایه: کنایه (مصراع دوم: ترسیدن) - مراعات نظیر (کمان، زه) - تشبیه (رخ به سندروس) - واج آرایی (صامت «زه»)

۳۸. به رستم بر آنکه بیاید تیر تهمتن بدو گفت: بر خیره خیر

۳۹. ای رنج داری تن خویش را دو بازو و جان بر بداندیش را

آنگاه اشکیبوس رستم را تیر باران کرد، رستم به او گفت که بیهوده، جسم و جان بذات خود را اذیت می کنی.
آرایه: مراعات نظیر (تن، بازو) - تضاد (تن و جان)

۴۰. تهمتن به بند کمر برد چنگ گزین کرد یک چوبه تیر خدنگ

رستم دست به بند کمر بندش برد و یک تیر از جنس چوب خدنگ انتخاب کرد.

۴۱. یکی تیر الاس پیکان، چو آب نهاده بر او چار پز عقاب

تیر تیز و برنده که نوک آن آبدیده و چهار پر عقاب در انتهای آن قرار داده بود.
آرایه: تشبیه: (تیر به آب) (توضیح اینکه در گذشته برای آنکه تیر مستقیم و با سرعت به هدف بنشیند پرهایی در انتهای تیر می بستند) - اضافه تشبیهی (تیر الماس)

۴۲ کمان را باید رستم به پیک بست اندر آورده تیر ضدک

رستم کمان را در دست گرفت و تیر را که از جنس چوب خدنگ بود (بسیار محکم بود) - داخل شست قرار داد

۴۳ بز بر بر و سینه اشکبوس سپهر آن زنان دست او داد بوس

رستم تیر را بر سینه و پهلوی اشکبوس زد و به این خاطر آسمان بر دستان رستم بوسه زد.

آرایه: جناس تام (بر: حرف اضافه، بر: پهلوی) - مراعات نظیر (بر و سینه) - تشخیص (بوسه سپهر) - اغراق (مصراع دوم) - واج آرایی (مصوت «س»)

۴۴ کشانی هم اندر زنان جان بداد چنان شد که گشتی ز مادر نژاد

اشکبوس در همان لحظه جان داد آن چنان که گویی هرگز از مادر متولد نشده بود.

آرایه: اغراق (مصراع دوم)

تاریخ ادبیات

فردوسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، خداوندگار حماسه و خرد، از ستارگان قدر اول آسمان ادب ایران است که با کتاب گوئشهر خود شاهنامه، شگرت جهانی دارد. کتاب شاهنامه نمونه‌ای عالی حماسه است که در سال ۳۷۰ ه. ق نظم آن آغاز شد و به مدت بیست و سه سال سرودن آن طول کشید. شاهنامه به سه بخش اساطیر، پهلوانی و تاریخ تقسیم می‌شود. این کتاب در زنده نگه داشتن زبان فارسی تأثیر به‌سزایی دارد. کمی لغات عربی و محدود بودن ابیات سست و ضعیف و اشاره به حکایات از ویژگی‌های مهم این کتاب است.

قلمرو زبانی

۱- بیت زیر را پس از مرتب‌سازی اجزای کلام، به نثر ساده برگردانید.

برفتند از آن جای، شیران نر عقاب دلاور بر آورد پیر

شیران نر از آن جای برفتند و عقاب دلاور بر آورد.

معنی: جنگجویان شجاع از آنجا حرکت کردند و پهلوان مبارز آماده نبرد شد.

۲- وقتی می‌گوییم «بهار»، به یاد چه چیزهایی می‌افتد؟

درخت، گل، شکوفه، جوانه، شکفتن و ... از چیزهایی هستند که به ذهن می‌رسند و به صورت یک مجموعه یا شبکه با هم می‌آیند؛ به این گونه شبکه‌ها یا مجموعه‌ها «شبکه‌های معنایی» می‌گویند. اکنون معنای هر واژه را بنویسید؛ آنگاه با انتخاب کلماتی دیگر از متن درس، برای هر واژه، شبکه معنایی بسازید.

معنا: عمودی آهنین

شبکه معنایی: تیر، کمان، سپر، شمشیر، خنجر، کماند

معنا: نام یکی از منظومه‌های شمس

شبکه معنایی: بهرام، عطارد، زهره، تیر، مشتری، زمین

۳- در تاریخ گذشته زبان فارسی، گاهی یک «متمم» همراه با دو حرف اضافه به کار می‌رفت؛ مانند:

به سر بر = بر سر. به زین بر = بر زین.

بگیر و به گیسوی او بر، بدوز (= برگیسو) به نیک اختر و مال گیتی فروز

در این درس نمونه دیگری برای این گونه کاربرد متمم پیدا کنید.

«به بند کمر بر، بز تیر چند» / «به رستم بر، آنکه بیاید تیر»

۴- گاهی در برخی واژگان مصوت «ا» به مصوت «ی» تبدیل می‌شود؛ مانند:

رکاب رکیب حجاب حجب

به این شکل‌های تغییر یافته، کلمات «ممال» گفته می‌شود.

چند کلمه شمال در متن درس بیابید و بنویسید.

مزاح ← مزیح سلاح ← سلیح

نوع ادبی
موضوع کتابی
جان را آنگاه
میراث بود به
دیگی از آفتاب
بیت ۲۰ تا ۲۶
میراث در بیاب
که در متن‌های
شود
از متن درس، د
به گ
نویسند نمی‌توان
نماید
نماید سباهیان ه
در کلام ایلیا
نویسند
نویسند
نقد و فکری
۱- چرا رستم از
۲- به نظر شما،
۳- بر پایه این د
۴- از دید روحی
۱- افتخار به گند
۲- زنده نگه داد
۳- مفهوم مصراع
نقد حکمت
نویسند
نویسند
نویسند
معنی عبارت ه
۱- درویش را مع
۲- گفت: از جا
۳- اکنون که د
۴- چون ننداری
منگاسی که توانا
جناس ناقه

قلمرو ادبی

۱۰۱

- ۱- مفهوم کنایی هر یک از عبارات‌های زیر را بنویسید.
- عنان را گران کردن: اسب را نگه داشتن.
- سرهم نبرد به گرد آوردن: حریف را کشتن، نابود کردن.
- ۲- یکی از آداب حماسه، رجزخوانی پهلوانان دو سپاه است. کدام ابیات درس می‌توانند نمونه‌هایی از این رجزخوانی باشند؟
ابیات ۲۰ تا ۳۶ نمونه‌های اعلای رجزخوانی است.
- ۳- هرگاه در بیان ویژگی و صفت چیزی، زیاده‌روی و بزرگ‌نمایی شود، در زبان ادبی به این کار «اغراق» می‌گویند. این آرایه در متن‌های حماسی کاربرد فراوانی دارد؛ مانند:
شود کوه آهن چو دریای آب
از متن درس، دو نمونه از کاربرد «اغراق» را بیابید و آن را توضیح دهید.
به گرز گران دست برد اشکیوس
زمین آهنین شد، سپهر آبنوس
گرز آنقدر نمی‌تواند سنگین باشد که زمین به خاطر تحمل آن مثل آهن شود. چنین چیزی امکان ندارد.
نماند ایچ با روی خورشید رنگ
به جوش آمده خاک، بر کوه و سنگ
تعداد سپاهیان هر چقدر هم زیاد باشد نمی‌تواند سبب ترس و رنگ‌پریدگی خورشید شود. این امر غیرممکن است.
- ۴- در کدام ابیات، لحن بیان شاعر، طنزآمیز است؟ بیت‌های ۲۰، ۲۲، ۲۶، ۳۶ نمونه:
بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟

قلمرو فکری

۱۰۱

- ۱- چرا رستم از رهام برآشفته؟ زیرا از اشکیوس شکست خورد و به سمت کوه گریخت.
- ۲- به نظر شما، چرا رستم پیاده به نبرد، روی آورد؟ برای تحقیر حریف و نشان دادن قدرت جنگاوری خود.
- ۳- بر پایه این درس، چند ویژگی برتر رستم را بنویسید. قدرت زبان‌آوری و رجزخوانی، داشتن نیروی فوق انسانی، حاضر جوابی
- ۴- از دید روحی - روانی چه ویژگی‌هایی در کلام فردوسی هست که ما ایرانیان بدان می‌بالیم؟
۱- افتخار به گذشته باشکوه ایرانیان باستان، ۲- بزرگ جلوه دادن روحیه پهلوانی ایرانیان، ۳- ایران پرستی و میهن‌دوستی فردوسی،
۴- زنده نگه داشتن روحیه حماسی و جنگاوری ایرانیان، ۵- عرب‌ستیزی
۵- مفهوم مصراع «تو قلب سپه را به آیین بدار» چیست؟ یعنی آرایش جنگی مرکز سپاه را به عهده بگیر و به آن نظم بده.

کنج حکمت:

۱۰۲

جاه و چاه

واژه‌نامه

پولاد:	فولاد، فلزی بسیار محکم	ستیز:	جنگ، دشمنی
جاه:	مقام	مجال:	فرصت
دندان:	حیوانات وحشی	ملک:	پادشاه

معنی عبارات‌ها و ابیات مهم:

- ۱- درویش را مجال انتقام نبود: مرد فقیر فرصت انتقام نداشت.
- ۲- گفت: از جاهت اندیشه همی کردم: گفت: از مقام و موقعیت تو می‌ترسیدم
- ۳- اکنون که در جاهت دیدم: اکنون که تو را ضعیف و ناتوان یافتم. (جاه و جاه: سجع متوازی)
- ۴- چون نداری ناخن درنده، تیز / با دندان آن به که کم گیری ستیز:
هنگامی که توانایی جنگیدن نداری و ضعیف هستی، بهتر است که با انسان‌های حیوان‌صفت کمتر دشمنی کنی.
آرایه: جناس ناقص افزایشی (تیز و ستیز) - مراعات نظیر (درنده، دندان)

۵- هر که با پولاد بازو، پنجه کرد / ساعد مسکین خود را رنجه کرد؛

هر کس که با انسان‌های قدرتمند زور آزمایی کند فقط خود را به زحمت انداخته و به خودش آسیب می‌رساند. آرایه کنایه (مصراع دوم: به خودش آسیب رساند) - جناس ناقص (پنجه، رنجه) - اغراق (پولاد بازو) - مجاز (ساعد مسکین از کل وجود)

۶- باش تا دستش بیندد، روزگار / پس به کام دوستان، مغزش برآرد؛

صبر کن تا روزگار او را ضعیف و ناتوان کند، آنگاه مطابق میل دوستان نابودش کن.

آرایه کنایه (دستش بیندد: ضعیفش کند، مغزش برآرد: نابودش کن) - مجاز (دست از کل وجود) - تشخیص (روزگار)

تاریخ ادبیات

گلستان یکی از دو اثر مهم استاد سخن سعدی است که در سال ۶۵۶ هـ. ق نوشته شده است. گلستان شامل یک مقدمه و هشت باب است. این کتاب دنیای واقعی سعدی را نشان می‌دهد. دلیلی با همه تصاویر، شادی‌ها و غم‌ها، آزادی و اسارت و ... ترکیبی پخته و از نمونه‌های عالی شرمسخت است. سعدی با نوشتن این کتاب، مسیر شعر فارسی را تغییر داد و سادگی را جایگزین شرمسختانه کرد.

ارزشیابی مستمر

- ۱- شاهنامه فردوسی یک حماسه طبیعی است یا مصنوعی؟ (۰/۵) (نمره)
- ۲- بخش‌های شاهنامه عبارتند از ... حماسی. (۰/۵)
- ۳- کتاب گلستان بیانگر دنیای سعدی است. (۰/۵)
- ۴- معنای واژه‌های «ترگ، خیره، خیر» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (۰/۵)
- الف) طناب، متعجب (ب) کلاه خود، بیهوده (ج) کلاه خود، نقرت (د) چکش، بیهوده
- ۵- مفهوم مصراع «که رهام را جام باده ست خفت» چیست؟ (۱)
- ۶- در بیت «همه تیغ و ساعد ز خون بود، لعل / خروشان دل خاک، در زیر نعل» الف) بین کدام کلمات جناس وجود دارد؟ (۰/۵)
- ب) در این بیت، لعل به چه مفهومی به کار رفته است. (۰/۵)
- ۷- در مصراع «سر سرکشان زیر سنگ آورد» کنایه را یافته، مفهوم آن را بنویسید. (۱)
- ۸- در بیت «بر آهیخت رهام گرز گران / غمی شد ز پیکار، دست سران» «غمی شدن» یعنی چه؟ (۰/۵)
- ۹- تیری که رستم برای کشتن اشکیوس انتخاب کرد چه ویژگی‌هایی داشت؟ (۱)
- ۱۰- با توجه به بیت زیر مفهوم جملات مشخص شده را بنویسید. (۱)
- «باش تا دستش بیندد روزگار / پس به کام دوستان، مغزش برآرد»
- ۱۱- آرایه‌های به کار رفته در بیت زیر را بنویسید. (۱)
- «هر که با پولاد بازو پنجه کرد / ساعد مسکین خود را رنجه کرد»
- ۱۲- پیام درس «جاه و جاه» در کدام گزینه نیامده است؟ (۰/۵)
- الف) غنیمت شمردن فرصت (ب) با زورمندان ستیزه نکردن
- ج) جاه طلب بودن (د) حماقت نکردن
- ۱۳- بیت زیر را به نثر ساده و روان معنی کنید. (۱)
- مرا مادرم نام، مرگ تو کرد / زمانه مرا؟ پیک ترگ تو کرد

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ طبیعی (۰/۵) ۲ اساطیری (۰/۲۵)، تاریخی (۰/۲۵) ۳ واقعی (۰/۵) ۴ گزینه (ب)، (۰/۵) ۵ یعنی رهام شراب‌خوار است (۰/۵) و مرد جنگ نیست. (۰/۵) ۶ الف) لعل و نعل (۰/۵)، ب) سرخ رنگ (۰/۵) ۷ سر زیر سنگ آوردن (۰/۵)
- ۸ شکست دادن، نابود کردن (۰/۵) ۸ خسته و ناتوان شدن (۰/۵) ۹ تیز (۰/۲۵)، آبدیده (۰/۲۵)، دارای چهار پر (۰/۲۵)، در انتهای آن (۰/۲۵) ۱۰ الف) عاجز و ناتوان شود. (۰/۵) ب) بکش (۰/۵) ۱۱ جناس (پنجه، رنجه) (۰/۲۵)، دارای چهار بازو (۰/۲۵)
- مجاز (ساعد) (۰/۲۵) - کنایه (مصراع دوم) (۰/۲۵) ۱۲ گزینه (ج)، (۰/۵) ۱۳ مادرم مرا قاتل تو نام نهاد (۰/۵) و روزگار مرا سرکوب کننده‌ی تو کرد. (۰/۵)

گردآفرید

قالب شعر: مثنوی

۱۱ چو آگاه شد دختر کزدهم که سالار آن انجمن کشت کم

- هنگامی که گردآفرید آگاه شد که سردار آن سپاه اسیر شد، (فرمانده ندارند) آرایه کنایه (کم گشتن: از بین رفتن)

۱۲ زنی بود برسانِ کردی سوار همیشه به جنگ اندرون، نامدار

زنی مانند یک پهلوان سوار کار که در جنگ کردن معروف و نام‌آور بود. آرایه تشبیه (زن به پهلوان سوارکار)

۱۳ کجا نام او بود «گردآفرید» زمانه ز ما، چنین تاورد

نام این پهلوان زن، گردآفرید بود. روزگار چنین پهلوان زنی به خود ندیده بود. آرایه تشخیص (زمانه) - از ویژگی‌های سبکی شاهنامه یکی این است که گاهی واژه «کجا»، به معنای «که» به کار می‌رود.

۱۴ چنان کنش آمد ز کار بجزیر که شد لال رنگش به کردار قیر

آن چنان از اسارت هجیر شرمگین شد که رنگ صورتش مثل قیر سیاه گشت. آرایه تشبیه (رنگ صورت به مانند تیر)

۱۵ پوشید درع سواران جنگ نبود اندر آن کار جای درنگ

زره سواران جنگی را بر تن کرد، در جنگ با دشمن هیچ تأخیری جایز نبود.

۱۶ فروز آمد از دژ به کردار شیر کمر بر میان، بادپایی به زیر

گردآفرید همچون شیری از بالای قلعه به پایین آمد. کمر بند خود را بست و آماده تیرد، براسی چابک، سوار شد. آرایه تشبیه (گردآفرید به شیر) - کنایه (کمر بر میان: آماده) - استعاره (بادپا از اسب)

۱۷ به پیش سپاه اندر آمد چو کرد چو رعد خروشان یکی ویله کرد

به سرعت به نزد سپاه رفت و همچون رعد و برقی خشمگین فریاد زد. آرایه تشبیه (گردآفرید به گرد و رعد) - جناس ناقص (کرد و گرد)

۱۸ که گردان کدامند و جنگ‌آوران دلیران و کارآزموده سران

(فریاد زد) که پهلوانان و جنگجویان و مردان کارآزموده کجا هستند؟ (حریف طلبید) آرایه مراعات نظیر (گردان، جنگ‌آوران، دلیران، سران)

۱۹ چو سهراب شیر اوژن، او را بید بختید و لب را به دندان کنید

هنگامی که سهراب شیرافکن او را دید خندید و با حالت تمسخر لب‌هایش را به دندان گرفت. آرایه تشبیه (سهراب به شیر) - کنایه (لب به دندان گزیدن، مسخره کردن (البته در اینجا))

۱۰ / یاد مان پیش گردآفید چو دخت کنداکن او را بیید

۱۱ / کمان را به زه کرد و بکشد بر تپه مرغ را پیش تیرش گذرد

سهراب به سرعت به نزد گردآفرید رفت. هنگامی که گردآفرید کمنداکن او را دید، کمان را آماده کرد و شروع به تیراندازی کرد. تیراندازی که هیچ پرنده‌ای از دست او نمی‌توانست فرار کند.

آرایه: کنایه (مصراع آخر: بسیار در تیراندازی، ماهر بود)

۱۲ / به سهراب بر تیر باران گرفت چپ و راست جنگ سواران گرفت

گردآفرید به سمت سهراب تیراندازی کرد و از هر طرف با تیر به جنگ با او پرداخت.

آرایه: تضاد: (چپ و راست) - مجاز (چپ و راست: از همه طرف) - ویژگی سبکی: آمدن دو حرف اضافه برای یک اسم (به سهراب بر)

۱۳ / کمان کرد سهراب و آمدش تنگ برآشت و تیز اندر آمد به جنگ

سهراب به او نگاهی کرد و از این کار او احساس تنگ کرد، خشمگین شد و سریع به جنگ با او شتافت.

آرایه: جناس ناقص (جنگ و تنگ)

۱۴ / چو سهراب را دید گردآفید که برسان آتش همی بردمید

۱۵ / سر نیزه را سوی سهراب کرد منان و سان را پر از تاب کرد

گردآفرید هنگامی که دید سهراب همچون آتش، دمنده و خشمگین است، نیزه خود را به طرف سهراب گرفت و آماده نبرد شد.

آرایه: تشبیه (سهراب چون آتش) - واج آرایی (صامت «س» و مصوت «ا») - کنایه (مصراع آخر: آماده جنگ شدن)

جناس ناقص (عتان و سان) - مراعات نظیر (نیزه، سان)

۱۶ / برآشت سهراب و شد چون پلنگ چو بدخواه او چاره کرد به جنگ

سهراب همچون پلنگی خشمگین آماده پیکار شد زیرا دید که دشمن او در جنگ ماهر و حیله‌گر است.

آرایه: تشبیه (سهراب به پلنگ)

۱۷ / بزنده بر کمرند گردآفید زره برتش یک به یک بردمید

نیزه‌اش را بر کمر بند او زد و تمام زره را بر تن گردآفرید پاره کرد.

آرایه: واج آرایی (صامت «ب»)

۱۸ / چو بر زین چمچید گردآفید کمی تیغ تیز از میان برگشید

هنگامی که گردآفرید بر اثر ضربه سهراب بر روی زین به تکان افتاد، به سرعت شمشیرش را از کمرش بیرون آورد.

آرایه: مراعات نظیر (زین، تیغ)

۱۹ / بزنده نیزه او به دو نیم کرد نشت از بر آب و برخاست کرد

با ضربه‌ای محکم نیزه او را به دو نیم کرد. دوباره بر اسبش سوار شد و از حرکت اسب گردو غباری به آسمان رفت.

آرایه: جناس ناقص (کرد، گرد) - کنایه: برخاست کرد (سرعت حرکت اسب)

۲۰ / به آورد با او بسته نبود چمچید از روی و برگاشت زود

گردآفرید در میدان جنگ توانایی مقابله با سهراب را نداشت، از او روی برگرداند و به سرعت برگشت.

آرایه: واج آرایی (مصوت بلند «او»)

۱۲۱ سپید، عنان، اثرها را سپرد به ششم از جهان، روشنائی ببرد

سهراب اختیار خود را به دست اسپش داد (اجازه داد که اسپش به سرعت بتازد) و با چشم خود همه را ترساند.
(رأیه: استعاره (اژدها از اسپ) - کنایه (عنان را سپردن: اختیار را به دست کسی دادن) - روشنائی از جهان بردن: ترساندن) -
انقلاب (مصراع دوم)

۱۲۲ چو آه فرودشان به تنگ اندرش، بخت و برداشت خود از سرش

هنگامی که با فریاد به نزد یک گردآفرید رسید، با یک حرکت کلاه خود را از سر او برداشت.

۱۲۳ را شد ز بند زره موی اوی در نشان چو خورشید شد، روی اوی

موهای گردآفرید از زره بیرون آمد و صورت چو خورشید او نمایان شد.
(رأیه: تشبیه (روی او به خورشید) - جناس ناقص (موی و روی)

۱۲۴ بدانت سهراب، گاو دخترت سحر و موی او از در افرست

سهراب فهمید که او دختر است و وضع ظاهری او نشان می دهد که او غرق بزرگی است.
(رأیه: مجاز (سر و مو از وجود او)

۱۲۵ گفت آمدش، گفت از ایران سپاه چنین دختر آید به آوردگاه؟

تعجب کرد و گفت آیا از سپاه ایران باید چنین دختری به میدان جنگ بیاید؟
(رأیه: مراعات نظیر (سپاه، آوردگاه)

۱۲۶ بدو گفت که من رهایی بجوی چرا جنگ بجوی تو ای ماه روی؟

به گردآفرید گفت که از دست من خلاص نخواهی شد. زیبارویی چون تو، چرا باید در میدان جنگ باشد؟
(رأیه: تشبیه (رو به ماه)

۱۲۷ نیام به دامم به سان تو کور ز چنم رهایی نیابی شور

تاکنون شکاری چون تو به دامم نیفتاده است. از دستم نمی توانی فرار کنی، پس فریاد نزن. (تقلای بیهوده ممکن)
(رأیه: تشبیه (تو مانند گور) - مجاز (جنگ از دست)

۱۲۸ بدانت گاوخت گردآفرید مر آن را جز از چاره درمان ندید

گردآفرید فهمید که اسیر شده و برای رهایی چاره ای جز نیرنگ و فریب ندارد.

۱۲۹ میان دلیران به کردار شیر

۱۲۹ بدو روی نمود و گفت: «ای دلیر

۱۳۰ دو لشکر نظاره برین جنگ ما

۱۳۰ برین گرز و شمشیر و آهنگ ما

۱۳۱ کنون من کشایم چنین روی و موی

۱۳۱ سپاه تو کرد پر از گفت و گوی

۱۳۲ که با دختری او به دشت نبرد

۱۳۲ بدین سان به ابر اندر آورد کرد

گردآفرید صورت خود را به او نشان داد و گفت ای پهلوان و ای کسی که در میان دلیران مانند شیر هستی. هر دو لشکر به این جنگ و نبرد تن به تن ما نگاه می کنند. اکنون اگر من صورت و موهای خود را نشان دهم سپاهیان تو حرف هایی خواهند زد. که سهراب با یک دختر در میدان جنگید و این چنین تلاش بسیار کرد تا او را شکست دهد (توضیح: سپاهیان خواهند گفت نیازی نبود به خاطر جنگ با یک دختر، سهراب این همه تلاش کند)

(رأیه: تشبیه (سهراب به شیر) تکرار (دلیر) جناس ناقص (روی و موی) واج آرایبی (مصوت بلند «او») - مجاز (سپاه از اهل سپاه) - کنایه (گرد به ابر آوردن: تلاش زیاد کردن) نکته این چند بیت موقوف المعانی است.

۱۳۳ / کنون کنگر و دژ به فرمان شت نباید بر این آشتی جنگ بست

اکنون همه سپاهیان من مطیع تو هستند و نباید بعد از این صلح دوباره جنگ کرد.
آرایه: مجاز (دژ از اهل دژ) - تضاد (جنگ و آشتی) - کنایه (به فرمان بودن؛ مطیع بودن)

۱۳۴ / عنان را پیچید گرد آفرید سمند ستر افراز بر دژ کشید

گرد آفرید اسب خود را برگرداند و به سمت دژ حرکت کرد.
آرایه: کنایه (عنان پیچیدن؛ برگشتن) - تشخیص (سمنند سرافراز)

۱۳۵ / همی رفت و سهراب با او به هم بیاید به درگاه دژ گرد هم

گرد آفرید و سهراب در کنار هم تا نزدیکی دژ آمدند و گزدهم نیز تا در دروازه دژ آمد.

۱۳۶ / باره بکشاد گرد آفرید تن خسته و بت بر دژ کشید

گرد آفرید دروازه قلعه را باز کرد و جسم خسته و مجروح خود را به داخل قلعه کشاند.
آرایه: جناس ناقص (بسته و خسته) - مراعات نظیر: (دژ و باره)

۱۳۷ / دژ میستد و نمکین شدند پر از غم دل و دیده خونین شدند

اهالی غمگین قلعه دروازه را بستند، در حالی که از ناراحتی و اندوه چشمانشان پر از خون شده بود.
آرایه: کنایه (خونین شدن دل و دیده؛ ناراحت شدن) - مراعات نظیر (دل، دیده)

۱۳۸ / ز آزاد گرد آفرید و بهیجر پر از درد بودند برنا و پیر

از زخمی شدن هجیر و گرد آفرید همه اهل دژ غمگین و ناراحت بودند.
آرایه: تضاد (برنا و پیر) - مجاز (برنا و پیر از همه مردم) - مراعات نظیر (آزار، درد)

۱۳۹ / بگفتد کای نیکدل شیرین پر از غم بد از تو دل انجمن

گفتند ای شیرین پاک دل، همه اهل دژ به خاطر تو غمگین و ناراحت بودند.
آرایه: تشبیه (زن به شیر) - مجاز (دل از کل وجود)

۱۴۰ / که هم رزم جتی هم افون و رنگ نیامد ز کار تو بر دوده تنگ

تو برای پیروزی، هم جنگیدی و هم دست به نیرنگ و فریب زدی اما از این شکست، نام و آوازه خانواده تو لکه دار نخواهد شد.
آرایه: جناس ناقص (رنگ و ننگ)

۱۴۱ / بخندید بسیار گرد آفرید به باره برآمد سپه بنگید

گرد آفرید خندید، آنگاه به بالای قلعه آمد و سپاه را نگاه کرد.

۱۴۲ / چو سهراب را دید بر پشت زین چنین گفت کای شاه ترکان چین

۱۴۳ / چرا رنج کشتی کنون باز کرد هم از آمدن هم ز دشت نبرد

هنگامی که گرد آفرید سهراب را سوار بر اسب دید به او گفت ای پادشاه ترکان چین، چرا خود را به زحمت انداختی، اکنون از میدان نبرد به سمت خانهات برگرد.
آرایه: جناس ناقص (زین، چین)

۱۴۴ / تو را بهتر آید که فرمان کنی / رخ نامور سوی توران کنی

تو بهتر است که اطاعت کنی (به حرف من گوش کنی) و به سمت توران برگردی.
آرایه کنایه (فرمان کردن، اطاعت کردن - رخ به سمت جایی کردن، برگشتن)

۱۴۵ / نباشی بس لیمن به بازوی خویش / خورد گاو نادان ز پهلوی خویش

زیاد به قدرت خود مطمئن نباش زیرا انسان نادان همیشه از جانب خودش آسیب می بیند.
آرایه مجاز (بازو از قدرت) - کنایه (مصراع دوم، آسیب دیدن از طرف خود) - ضرب المثل (مصراع دوم)

«فردوسی»

۱۰۷

قلمرو زبانی

- ۱- معادل معنایی کلمات زیر را از متن درس بیابید.
درع (زره) / باره (قلعه - حصار)
- ۲- با کمک فرهنگ لغت، معنای فعل های زیر را بنویسید.
برکشیدن (بیرون آوردن) / وپله کردن (نالہ کردن، فریاد زدن) / برآوردن (بالا بردن، بلند کردن)
- ۳- درباره کاربرد معنایی «بر» در بیت زیر، توضیح دهید.
بزد بر کمر بند گرد آفرید / زره بر تنش، یک به یک بردرید
در مصراع اول «بر» حرف اضافه است اما در مصراع دوم «بر» به معنای سینه و پهلو است و جناس نام دارند.
- ۴- زمان فعل های زیر را تعیین کنید و معادل امروزی آنها را بنویسید.
بدانست: یعنی دانست، فعل مضارع التزامی به جای مضارع اخباری به کار رفته است.
همی رفت: می رفت، در قدیم به جای «می» در ساخت ماضی استمراری از «همی» استفاده می کردند.
- ۵- در گذر زمان، شکل نوشتاری برخی کلمات تغییر می کند؛ مانند سپید سفید. از متن درس، نمونه ای از تحول شکل نوشتاری کلمات بیابید و بنویسید. اسپ ← اسپ

۱۰۷

قلمرو ادبی

- ۱- واژگان قافیه در کدام بیت ها، در بردارنده آرایه جناس اند؟
بیت ۱۳ (جنگ، ننگ) / بیت ۶ (زیر، شیر) / بیت ۷ (گرد، کرد) / بیت ۲۳ (موی و روی) و ...
- ۲- نمونه ای از آرایه اغراق را در شعری که خواندید، بیابید.
سپهد عنان، ازدها را سپرد / به خشم از جهان، روشنایی ببرد
- ۳- مفهوم عبارت های کنایی زیر را بنویسید.
عنان را پیچید (برگشت) / رخ نامور سوی توران کنی (به وطن ات برگردی) / لب را به دندان گزید (تعجب کردن، مسخره کردن) (در این درس)
- ۴- یک مثل از متن درس بیابید و درباره معنا و کاربرد آن توضیح دهید؛ سپس با رجوع به امثال و حکم دهخدا، دو مثل، معادل آن بنویسید. «خورد گاو نادان ز پهلوی خویش» یعنی هر آسیبی به انسان برسد از ناحیه خودش است. معادل: از ماست که بر ماست.

۱۰۸

قلمرو فکری

- ۱- دلیل دردمندی و غمگین بودن ساکنان دژ، چه بود؟ شکست خوردن و زخمی شدن هجیر و گردآفرید از سهراب.
- ۲- معنا و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.
به آورد با او بسنده نبود / به پیچید از روی و برگاشت زود
گردآفرید توانایی مقابله و جنگ با او را نداشت، از او روی برگرداند و به سمت لشکرش برگشت. (ناتوانی گردآفرید در برابر سهراب)

۳- فردوسی در این داستان، گردآفرید را با چه ویژگی‌هایی وصف کرده است؟

جنگجو، تیراندازی ماهر، مفرور، وطن پرست، چاره‌اندیش و حيله گر در جنگ

۴- «حماسه» در لغت به معنای دلآوری و شجاعت است و در اصطلاح ادبی، شعری است با ویژگی‌های زیر:

داستانی، قهرمانی، قومی و ملی و مملو از حوادث خارق‌العاده.

بر پایه این توضیح، این درس را با متن روان خوانی «شیرزان» مقایسه کنید.

از نظر داستانی هر دو متن بر پایه‌ای از قصه و روایت بیان شده‌اند. هر دو دارای شخصیت‌های ایرانی هستند که از نظر نیروی

مادی و معنوی از دیگران برترند. هر چند در داستان فردوسی نیروی مادی پهلوانان بیشتر نمود دارد. دفاع از وطن و آرمان‌گرایی

که جزو زمینه ملی است در هر دو درس به خوبی نشان داده شده است. اما در بحث خرق عادت، درس شیرزان از چنین ویژگی

بی بهره است، هر چند در درس گردآفرید نیز حادثه خارق‌العاده‌ای دیده نمی‌شود.

۵- گردآفرید چگونه خود را از دست سهراب نجات می‌دهد؟ او با فریب، نیرنگ و چرب زبانی خود را از دست سهراب نجات می‌دهد.

شعر خوانی

واژه‌نامه

پدرام:	آراسته، خوشدل، مبارک، فرخنده	فوج فوج:	گروه گروه، دسته دسته
خدنگ:	درختی است بسیار سخت	کنام:	خانه، آشیانه
خطه:	سرزمین	نغز:	خوب و خوش، بدیع
داد:	عدل	هژیر:	چابک، خوب
فلک:	آسمان، روزگار	هنگامه:	زمان، وقت

معنی ابیات

۱۰۹

دلیران و مردان ایران زمین

قالب شعر: مثنوی

۱/ چه بنگامه آزمون تازه شد / دگرباره ایران، پرآوازه شد

هنگامی که زمان امتحان فرا رسید ایران دوباره پراز شور و هیاهو شد.

آرایه: مجاز (ایران: مردم ایران) - کنایه (پرآوازه شدن: پراز شور و نشاط شدن)

۱۲/ ازین خطه نغز پدرام پاک / وزین خاک جان پرور تابناک

۱۳/ ازین مرز فرخنده مردخیز / کنام پلکان دشمن ستیز

۱۴/ دگر رو، چنان شد هنر آشکار / کز آن خیره شد دیده روزگار

از این سرزمین خوب و مبارک و آراسته و از این میهن درخشان که جان را پرورش می‌دهد. از این سرزمین همایون قهرمان پرور که

آشیانه جنگاوران و دلیران دشمن ستیز است. بار دیگر آن چنان هنر رزم خود را آشکار کرد که چشم روزگار از دیدن آن تعجب کرد.

آرایه: تشخیص (خطه پدرام خاک جان پرور - مرز فرخنده - دیده روزگار) - مجاز (خاک از کشور) - استعاره: (پلنگان از

جنگاوران - هنر از جنگ) نکته: این سه بیت موقوف المعانی است. یعنی باید با هم معنی شود زیرا معنای آنها به هم وابسته است.

۱۵/ دلیران و مردان ایران زمین / بهرمان بجگاور روز کین

پهلوانان و دلاوران سرزمین ایران و جنگجویان چابک در روز انتقام (نبرد)

آرایه: مراعات نظیر (دلیر، هژیر، جنگاور) - واج‌آرایی (صامت «ن» و مصوت بلند «ا») - کنایه (روز کین: روز نبرد، روز جنگ)

۱۶ خروشان و جوشان به کردار موج فراز آمدند از کران فوج فوج

(این پهلوانان) همچون امواج خروشان و خشمگین از هر طرف گروه گروه به پایین آمدند.
آرایه: تشبیه (پهلوانان به موج) - جناس ناقص (موج، فوج)

۱۷ به مردی به میدان نناند روی جهان شد از ایشان پر از گفت و گوی

۱۸ که اینان ز آب و گل دیکند کنبان دین حافظ کوشند

با مردانگی تمام به میدان جنگ روی آوردند و دنیا شجاعت آنها را تحسین کرد. که این جنگاوران سرشتشان با دیگران متفاوت است. آنها نگهبان دین و محافظ کشور هستند.

آرایه: کنایه (پراز گفت و گو شدن: تحسین کردن، معروف شدن - روی نهادن: حمله کردن) - مجاز (جهان از مردم جهان - آب و گل: از وجود و سرشت)

۱۹ بد اندیش را آتش خرمن اند خدکی کران بر دل دشمن اند

همچون آتش، دشمنان بدذات را می سوزانند و همچون تیری محکم بر قلب دشمن فرود می آیند.
آرایه: تشبیه (رزمندگان به آتش و خدنگ) - مجاز (دل از گل وجود)

۱۱۰ ز کس بز خداوندشان بیم نیت به فریبشان حرف تسلیم نیت

به غیر از خدا کسی نمی ترسند و در فرهنگ آنها چیزی به نام تسلیم و اسارت وجود ندارد. (زیر بار حرف زور نمی روند)
آرایه: کنایه (حرف تسلیم نیست: مطیع نبودن، زیر بار حرف زور نرفتن)

۱۱۱ فلک در کفستی ز عزم ثامت ملک آفرین گوی رزم ثامت

آسمان از عزم و اراده شما شگفت زده است و فرشتگان بر داوری شما آفرین می گویند.
آرایه: تشخیص (فلک شگفت زده) - جناس ناقص (عزم و رزم)

۱۱۲ ثا را چو یاور به یزدان بود بمو مر ثا را کنبان بود

تا زمانی که شما به خداوند تکیه کرده باشید، خداوند نیز و نگهبان شما خواهد بود.
آرایه: تکرار (ثما)

«محمود شاهرخی (جذبه)»

تاریخ ادبیات

محمود شاهرخی (۱۳۸۸-۱۳۰۶) در ربع از توابع کرمان به دنیا آمد. وی دانش آموخته علوم اسلامی و شاعر معاصر بزرگ ایرانی بود. تخلص شعریش جذبه بود. شاهرخی در حوزه علمی، نصف و مدرسه فیضیه درس خوانده بود. او از جمله شاعرانی بود که پس از آغاز جنگ تحمیلی، بسیاری از شعرهای خود را در موضوع دفاع مقدس، شهادت و ایثار رزمندگان سرود. در غبار کاروان و داغ شقایق ها از مجموعه شعرهای اوست.

۱۱۰

درک و دریافت

- ۱- کدام ویژگی های حماسه را در این سرود می توان یافت؟ دلایل خود را بنویسید.
- ۲- زمینه قهرمانی و ملی ← ملی: در آن به آداب رسوم و اعتقادات مردمش اشاره کرده است و فرهنگ آنها را در مبارزه نشان می دهد. قهرمانی: از پهلوانان و دلاورانی سخن گفته که سرشتشان با دیگران متفاوت است و از کسی جز خدا نمی هراسند.
- ۳- یک بار دیگر شعر را با لحن حماسی بخوانید.

ارزشیابی مستمر

- ۱- در بیت «چو آگاه شد دختر گزدم هم / که سالاران انجمن گشت کم» منظور از «سالارانجمن» کیست؟ (۵/۵)
- الف) هجیر ب) گی کاووس ج) سهراب د) رستم
- ۲- در مصراع «کجا نام او بود گردآفرید» کجا یک ویژگی سبکی است. در اینجا به چه معنی به کار رفته است؟ (۵/۵)
- ۳- در بیت «کمان را به زه کرد و بگشاد بر / بُد مرغ را پیش تیرش گذر» مصراع دوم به کدام ویژگی گردآفرید اشاره کرده است؟ (۵/۵)
- ۴- مصراع «عنان و سنان را پراز تاب کرد» کنایه از چیست؟ (۵/۵)
- ۵- در مصراع «سپهد عنان، ازدها را سپرد» ازدها استعاره از چیست؟ (۵/۵)
- ۶- در بیت «بدو روی بنمود و گفت ای دلیر / میان دلیران به کردار شیر»:
- الف) بدو روی نمودن بیانگر کدام رفتار گردآفرید است؟ (۵/۵)
- ب) در مصراع دوم کدام واژه ادات تشبیه است؟ (۵/۵)
- ۷- کدام واژه‌ها جاهای خالی این بیت را پر می‌کند؟ (۵/۵)
- خروشان و به کردار موج فراز آمدند از فوج فوج
- ۸- در مصراع «دگره چنان شد هنر آشکار» مقصود از واژه «هنر» چیست؟ (۵/۵)
- ۹- در کدام بیت از درس «دلیران ایران زمین» مردم ایران را متفاوت از جهانیان دانسته است؟ (۵/۵)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ گزینه الف)، (۵/۵) ۲ به معنای «که»، (۵/۵) ۳ به مهارت او در تیراندازی (۵/۵) ۴ آمادۀ نبرد شد. (۵/۵) ۵ سب سهراب (۵/۵) ۶ الف) به ناز و عشوۀ کردن گردآفرید برای فریب سهراب (۵/۵) ب) به کردار (۵/۵) ۷ جوشان - کزان (۵/۵) ۸ هنرزم و جنگاوری ایرانیان (۵/۵) ۹ بیت ۸ «که اینان ز آب و گل دیگرند»

فصل ۷ ادبیات داستانی

سایم آغوش

قدیم‌ترین، محبوب‌ترین و در عین حال رایج‌ترین نوع ادبی، در میان ملت‌ها، «افسانه، قصه» و در معنای وسیع‌تر «داستان» است. انسان همواره شرایط مکانی و زمانی خود و حوادثی را که با آن روبه‌رو می‌شده گاه به طور واقعی و گاه آمیخته با تخیل در قصه‌هایش تصویر کرده است. او قصه عشق انسان به خدا، عشق خدا به انسان، قصه جنگ‌ها و حماسه‌آفرینی‌ها در برابر متجاوزان، نشر اخلاق و فضایل مشترک و ... همه و همه را در بلور قصه نماینده است. بدین سبب «ادبیات داستانی» را هنری‌ترین نوع ادبیات مردمی نامیده‌اند.

ادبیات داستانی گذشته ایران بسیار غنی و پرمایه و تجلی‌گاه باورها، مهرورزی‌ها و در یک کلام راه و روش زندگی ملت ایران است. ملتی که هیچ‌گاه بدون داستان زندگی نکرده است. شاهنامه فردوسی، سمک عتار، کلیله و دمنه، هزار و یک شب، خمسه نظامی و ... نمونه‌هایی گران‌قدر از ادبیات داستانی هستند.

فصل ۱۲ طوطی و بقال

واژه‌نامه

آبخور:	سرچشمه	صدر:	بالا
ابدال:	مردان حق	طاس:	نوعی ظرف، کچلی و بی‌مویی کامل
ابلیس:	شیطان	فارغ:	آسوده
اشباه:	شباهت‌ها	قیاس:	مقایسه

جولق:	ژنده پوش	کل:	کچل، بی مو
حاذق:	ماهر	ناطق:	سخنگو
سرگین:	فضله چارپایان	ندامت:	پشیمانی
سوداگران:	در اینجا یعنی مشتری ها	نکته گفتی:	شوخی می کرد
صاحب دلق:	ژنده پوش، مرد فقیر		

معنی ابیات

۱۱۴

طوطی و بقال

قالب شعر: مثنوی

۱ / بود بقالی و وی را طوطی ای خوش نوایی سبز گویا طوطی ای

مرد بقالی یک طوطی داشت، طوطی ای که خوش آواز و خوش آب و رنگ و زیبا بود.

۱۲ / در دکان بودی گنبدان دکان نکته گفتی با هم سوداگران

نگهبان دکان بود و با همه مشتری ها شوخی می کرد.
آیه کنایه (نکته گفتن: شوخی کردن) - تکرار (دکان)

۱۳ / در خطاب آدمی ناطق ندی در نوای طوطیان حاذق ندی

در سخن گفتن یا انسان ها حاضر جواب و در هم آوازی با طوطیان ماهر بود.
آیه موازنه

۱۴ / بست از صدر دکان سویی که بست شیشه های روغن گل را بریخت

از بالای دکان به سمت دیگری پرواز کرد و شیشه های روغن گل را ریخت.
آیه جناس ناقص (گریخت، بریخت)

۱۵ / از سوی خانه بیامد خواجاش بر دکان بست فارغ، خواجوش

صاحب مغازه از سمت خانه به طرف مغازه رفت و با خیالی آسوده و خواجه وار در دکان نشست.
آیه تشبیه (صاحب مغازه به خواجه)

۱۶ / دیدم پر روغن دکان و جامه چرب بر سرش زد گشت طوطی گل ز ضرب

دید مغازه پر از روغن شده و لباس هایش چرب گشته. ضربه ای به سر او زد که با آن ضربه طوطی کچل شد.
آیه جناس ناقص (چرب و ضرب)

۱۷ / روزگ چندی سخن کوتاه کرد مرد بقال از ندامت آه کرد

طوطی چند روزی سخن نگفت و مرد بقال از روی پشیمانی آه حسرت می کشید.
آیه کنایه (سخن کوتاه کردن: حرف نزدن)

۱۸ / ریش برمی کند و می گفت «ای دروغ» کافقاب نغمه شد زیر مرغ

خود را می زد و می گفت «افسوس» که آن طوطی زیباییم از بین رفت (از سخن گفتن افتاد). طوطی ای که باعث رزق و روزی دکان من بود.
آیه کنایه (ریش کشیدن: ناراحت بودن) - استعاره (آفتاب: طوطی) - کنایه (آفتاب زیر ابر رفتن: از بین رفتن)

۱۹ دست من بگشاید بودی آن زمان چون زدم من بر سر آن خوش زبان

ای کاش آن زمان که من بر سر طوطی خوش آوازم زدم، دستم می شکست.

آرایه: کنایه (راضی بودن به دست شکستن؛ پشیمانی) - مراعات نظیر (دست، سر، زبان)

۱۱۰ بدیده می داد هر درویش را تا بیاید نطق مرغ خویش را

به درویشان و فقیران صدقه می داد تا شاید طوطی اش دوباره سخن بگوید.

۱۱۱ بعد سه روز و سه شب حیران و زار بر دکان بنشیند نویدوار

بعد از سه شبانه روز سرگردانی و سرگشتگی، ناامید در دکان نشسته بود.

آرایه: تضاد (روز و شب)

۱۱۲ می نمود آن مرغ را هر کون گشاید تا که باشد کلاهد آید او به گفت

برای آن پرنده کارهای عجیبی می کرد (شکلک درمی آورد) تا شاید طوطی اش سخن بگوید.

آرایه: کنایه (مصراع اول: شکلک درآوردن) - جناس ناقص (شگفت، گفت)

۱۱۳ جوتی ای سر برهنه می گذشت با سربلی مو چو پشت طاس و شست

مرد فقیری سر برهنه (بدون کلاه) از آنجا عبور می کرد در حالی که سرش همچون کاسه مسی صاف و بی مو بود.

آرایه: تشبیه (سربی مو به طاس و طشت)

۱۱۴ طوطی اندر گفت آمد در زمان پاک بر درویش زد که: ای فلان!

۱۱۵ از چه ای کل. با کلان آیم تو کمر از شیشه روغن ریختی؟

طوطی فوراً به سخن آمد و با صدای بلند به آن مرد گدا گفت: چرا کچل هستی؟ آیا با کچلان رفت و آمد کرده ای یا نه، تو نیز

مانند من شیشه های روغن گل را ریخته ای؟

آرایه: تکرار (کل) - (این دو بیت موقوف المعانی اند.)

۱۱۶ از قیاس خنده آمد خلق را گاو چو خود پنداشت صاحب دلق را

از این مقایسه طوطی مردم خندیدند، زیرا او آن مرد گدا را مثل خود تصور کرده بود.

۱۱۷ کار پاکان را قیاس از خود بگیر که چه باشد در بنشین شیر و شیر

کار و عمل مردان حق را با کار و عمل خودت مقایسه نکن. دو کلمه شیر (جانور) و شیر (خوردنی) اگرچه در نوشتن یکسان

هستند، اما در معنی بسیار متفاوتند!

آرایه: جناس تام (شیر و شیر)

۱۱۸ همه عالم زین بگمراه شد کم کسی ز ابدال حق. آگاه شد

مردم جهان به سبب چنین قیاس های نادرستی به گمراهی افتاده اند و کمتر کسی توانسته مردان حق را بشناسد و به مرتبه آنها پی ببرد.

آرایه: عالم: مجاز از مردم عالم

۱۱۹ هر دو کون زنبور خوردند از عمل یک شد ز آن نیش و زین دیگر عمل

هر دو نوع زنبور (زنبور عسل و زنبور بی عسل) از یک محل غذا خوردند اما آن غذا برای یکی به زهر تبدیل شد و برای دیگری به عسل.

آرایه: تضاد (نیش و عسل)

۱۲۰ هر دو کون آبو کی خوردند و آب زین کی سرگین شد و زان، سنگ ناب

هر دو نوع آهو از یک جا آب و گیاه خوردند، اما یکی فضله پس داد و دیگری مُشک خالص. آرایه: جناس ناقص (آب، ناب) - تضاد (سرگین، مشک)

۱۲۱ هر دو نی خوردند از یک آبخورد این کی خالی و آن پر از سکر

دو نی از یک سرچشمه آب خوردند اما یکی از آنها تو خالی درآمد و دیگری پراز شکر شد. آرایه: تضاد (پرو خالی)

۱۲۲ صد هزاران این چنین اشته بین فرقتان هفتاد ساله راه بین

در این دنیا هزاران شباهت این چنینی وجود دارد، اما در باطن تفاوت آنها بسیار است. آرایه: اغراق (هر دو مصراع) - کنایه (فرق هفتاد ساله: فرق زیاد)

۱۲۳ چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست

چون شیطان‌های انسان‌نمای زیادی وجود دارد، پس نباید به هر کس دست دوستی داد.

آرایه: دست ندادن: کنایه از دوست نشدن، تکیه نکردن - جناس ناقص: هست و دست - واج‌آرایی (صامت «س»)

«مثنوی معنوی، دفتر اول، مولوی»

تاریخ ادبیات

مثنوی یکی از متون مهم و ارزشمند ادبی و عرفانی فارسی، مثنوی معنوی مولانا است. این مثنوی بیست و شش هزار بیتی که در شش دفتر فراهم آمده است، شامل مطالب نغز و لطیف عرفانی و اخلاقی با شیوه تمثیل است. داستان طوطی و بقال، هدف، نشان دادن زیان‌ها و نادرستی داوران‌های سطحی و غیرمنطق، همچنین پرهیز از شتاب و اشتباه در قضاوت است.

۱۱۶

قلمرو زبانی

۱- معادل معنایی واژگان زیر را از متن درس بیابید.

ابر (میخ) آسوده (فارغ) چیره دست (حاذق) مردان کامل (آبدال)

۲- املای درست را از کمانک انتخاب کنید.

(سدر - صدر) دکان سنجش (قیاس - غیاث)

۳- درباره کاربرد کلمه «را» در بیت زیر توضیح دهید.

هدیه‌ها می‌داد هر درویش را تا بیابد نطق مرغ خویش را

«را» در اینجا به معنی «به» و به صورت حرف اضافه به کار رفته است: «به درویشان هدیه می‌داد.»

۴- درباره تحول معنایی کلمه «سوداگران» توضیح دهید.

در گذشته، سوداگر به معنای «تاجر و بازرگان» به کار می‌رفته است، اما امروز به کسانی که در کار «مواد مخدر و قاچاق» آن هستند گفته می‌شود. پس این کلمه تحول معنایی یافته است.

۵- پسوند «وش» در کلمه «خواجه وش» به چه معناست؟ دو واژه دیگر که این پسوند را دارا باشند، بنویسید.

«وش» به معنای شباهت است و خواجه وش یعنی مانند خواجه - مهوش، پری‌وش

۱۱۶

قلمرو ادبی

۱- کنایه‌ها را در بیت هشتم بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

ریش برکندن (ناراحت بودن)، آفتاب زیر میغ رفتن: (نابود شدن، از بین رفتن)

۲- مؤثرترین شیوه‌ای که مولوی در «مثنوی معنوی» از آن بهره می‌گیرد، «تمثیل» است. تمثیل به معنای «تشبیه کردن» و «مقل آوردن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت

داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند تا مفاهیم ذهنی خود را آسان‌تر به خواننده انتقال دهد. اکنون ارتباط محتوای این درس را با تمثیل به کار گرفته شده، توضیح دهید.

در این درس، مولانا برای بیان و ابراز عقیده خود مبنی بر پرهیز از قضاوت شتابزده و عجولانه و همچنین داوری‌های نادرست، داستان طوطی و بقال را مطرح کرده است. طوطی با دیدن آن مرد کچل به سرعت به قضاوت پرداخت و گمان کرد علت کچلی او نیز ریختن روغن بوده و شباهت ظاهری را دلیل بر این امر دانست، در حالی که این قضاوت نادرست بود. مولانا با این تمثیل بهتر و جذاب‌تر این مفهوم را به خواننده خود منتقل کرده است.

۳- در بیت ششم درس، کلمات «چرب» و «ضرب» در یک حرف اختلاف دارند و آرایه «جناس ناهمسان» (ناقص) را دربردارند. کلماتی نظیر «روان» (روح) و روان (جاری) که جز معنی، هیچ‌گونه تفاوتی از دید آوایی و نوشتاری باهم ندارند، «جناس همسان» (تام) را پدید می‌آورند؛ مثال: «گلاب است گویی به جوبیش روان / همی شاد گردد به بوییش روان» فردوسی از متن درس، نمونه‌ای برای انواع جناس بیابید.

جناس ناهمسان (ناقص): آب و ناب

زین یکی سرگین شد و زان مشک ناب

هر دو گون آهو گیا خوردند و آب

جناس همسان (تام): شیر و شیر

گرچه باشد در نبشتن شیر و شیر

کار پاکان را قیاس از خود مگیر

۱۱۷

قلمرو فکری

۱- بیت زیر، بر چه مفهومی تأکید دارد؟

این یکی خالی و آن پراز شکر

هر دو نی خوردند از یک آبخور

اینکه ظاهر یکسان داشتن و از یک آبخور تغذیه کردن دلیل بر آن نیست که باطن هم یکی باشد؛ زیرا موارد زیادی هست که با وجود تشابه ظاهری، بسیار باهم متفاوت و حتی ضد یکدیگرند.

۲- مولوی، در بیت زیر، آدمی را از چه چیزی برحذر می‌دارد؟

پس به هر دستی نشاید داد دست

چون بسی ابلیس آدم روی هست

از دوستی با انسان‌های شیطان‌صفت برحذر می‌دارد و اینکه با هر کسی دوست نشویم.

۳- استنباط خود را از شعر زیر بنویسید و آن را با داستان «طوطی و بقال» بسنجید.

این یکی محراب و آن بت یافته است

معرفت زین جا تفاوت یافته است

از سپهر این ره عالی صفت

چون بتابد آفتاب معرفت

باز یابد در حقیقت صدر خویش

هر یکی بینا شود بر قدر خویش

«عطار»

می‌گوید: علت آنکه انسان‌ها معبود و خدایشان متفاوت است، این است که به درک درست و معرفت کامل دست نیافته‌اند. اگر انسان‌ها به شناخت و معرفت درست برسند، هرکس به جا و موقعیت خویش پی برده و از حقیقت حال خویش آگاه می‌شود. آن‌گاه می‌تواند معبود و معشوق حقیقی را بشناسد.

در داستان طوطی و بقال نیز اگر طوطی به معرفت دست می‌یافت، آن مقایسه خنده‌آور را مطرح نمی‌کرد.

۴- مفهوم مصراع «می نمود آن مرغ را هر گون شکفت» چیست؟ یعنی برای آن طوطی شکلک درمی‌آورد.

۱۱۸

کنج حکمت

کوزه

واژه‌نامه

خار و خفیف	زبون:	احمق، نادان	ابله:
نادانی (در اینجا ناسزا)	سفاهت:	از روی مهربانی	پرسبیل تلفظ:
خشم	غضب:	ظلم و ستم	جور و جفا:
خشم، عصبانیت	قهر:	برخورد کرد	دچار شد:

معنی عبارات‌های مهم:

- ۱- آن شخص مسلم نداشت و آغاز عربیده و سفاقت نهاد؛ آن شخص آن جواب را نپذیرفت و شروع به فحش و ناسزا دادن کرد.
- ۲- چرا زبون این ناکس شده‌ای و هر چند او قهر می‌کند تو لطف می‌فرمایی؛ چرا خود را خوار و خفیف این نامرد کرده‌ای و هر چند او خشم می‌ورزد تو مهربانی می‌کنی.
- ۳- کَلِّ اِنَايَهٗ يَتَرَشَّحْ بِمَا فَيَه: از کوزه همان برون تراود که در اوست (منظور این است که هر کس متناسب با ذات و سرشت خودش رفتار می‌کند).
- ۴- از او آن صفت می‌زاید و از من این صورت می‌آید: از او این صفات و ویژگی‌ها بیرون می‌آید و از من این رفتار صورت می‌گیرد.
آرایه: سجع متوازی (می‌زاید، می‌آید - صفت و صورت)

تاریخ ادبیات

اخلاق محسنی: کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی (۹۱۰-۸۴۰ ه. ق) در سیزوار متولد شد. کاشفی نویسنده‌ای پرکار، متبحر، مغشور قرآن و واعظ تأثیرگذار در عهد تیموریان بود. عمده شهرت او به واسطه نگارش مقتل روضه الشهداء است که در دوران صفویه برای اجرای تعزیه و روضه خوانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. تخلص وی در شعر هم همین کاشفی بود و مورد تکیه سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیرنوائی بود. اخلاق محسنی از جمله آثار برجسته اوست.

ارزشیابی مستمر

- ۱- مثنوی معنوی با چه شیوه‌ای بیان شده است؟ (۰/۲۵) (نمره)
- ۲- کتاب اخلاق محسنی اثر..... است. (۰/۲۵)
- ۳- کدام کلمات در این عبارت، سجع ساخته‌اند؟ «از او آن صفت می‌زاید و از من این صورت می‌آید.» (۰/۵)
الف) صفت و صورت
ب) می‌زاید و می‌آید
- ۴- در درس «کوزه» کدام عبارت به صورت ضرب‌المثل درآمده است؟ (۰/۵)
- ۵- در مصراع «نکته گفتمی با همه سوداگران» منظور از نکته گفتن چیست؟ (۰/۵)
- ۶- مرد بقال برای به سخن آوردن طوطی چه کارهایی انجام داد؟ (۰/۵)
- ۷- علت به زبان آمدن طوطی چه بود؟ (۰/۵)
- ۸- در بیت «جمله عالم زین سبب گمراه شد / کم کسی ز ابدال حق آگاه شد» چرا مولانا معتقد است که مردم، به درستی مردان حق را نمی‌توانند بشناسند؟ (۰/۵)
- ۹- کدام پیام از درس طوطی و بقال برداشت نمی‌شود؟ (۰/۵)
الف) پرهیز از قضاوت شتابزده
ب) رفتار درست با حیوانات
ج) با هر کسی رفیق و دوست نشدن
د) کار خود را با دیگران مقایسه نکردن
- ۱۰- درس «کوزه» بیانگر کدام نوع نگرش حضرت عیسی است؟ (۰/۵)
- ۱۱- علت خنده مردم از رفتار طوطی چه بود؟ (۰/۵)

پایان ارزشیابی مستمر

- ۱ تمثیل (۰/۲۵) ۲ حسین واعظ کاشفی (۰/۲۵) ۳ گزینه (ب)، (۰/۵) ۴ از کوزه همان برون تراود که در اوست (۰/۵)
- ۵ شوخی کردن (۰/۵) ۶ الف) صدقه دادن (۰/۲۵) ب) شکله در آوردن (۰/۲۵) ۷ دیدن مردی که مانند او کچل بود. (۰/۵)
- ۸ زیرا ظاهر آنها با مردم تفاوتی ندارد. (۰/۵) ۹ گزینه (ب) (۰/۵) ۱۰ رفتار و منش بزرگوارانه حضرت عیسی (۰/۵) ۱۱ به خاطر مقایسه اشتباهی که کرده بود. (۰/۵)

واژه‌نامه

تن پرور:	آن کس که تن خویش را بپروراند،	درشتی:	بدرفتاری، سخت‌گیری
خوش گذران	سرا:	خانه، کاشانه	
ستم:	سیه فام:	سیاه رنگ	
ظلم:	شبستان:	خوابگاه، حرمسرا	
خیل:	قبیله، گروه، در این درس منظور	قهر:	خشم، عصبانیت
	خانه است.	نهیب:	فریاد

معنی ابیات

۱۱۹

جور بزرگان

قالب شعر: مثنوی

۱۱ شنیدم که لقمان سیه فام بود نه تن پرور و نازک اندام بود

شنیدم که لقمان بزرگ رنگ چهره‌اش سیاه بود و خوش گذران و راحت طلب نبود.

مراعات نظیر (تن پرور، نازک اندام) - (نازک اندام بودن: کنایه از راحت طلب بودن)

۱۲ کی بنده خویش پنداشش زبون دید و در کار گل داشش

مرد ثروتمندی او را بنده و غلام خود تصور کرد و چون او را کوچک و خوار دید، به کارگری وادارش کرد.

۱۳ جفا دید و با جور و قهرش ساخت به سالی سرایی زهرش ساخت

از او ستم دید و با ظلم و ستم او کنار آمد و در مدت یکسال برای او خانه‌ای ساخت.

مراعات نظیر (جفا، جور، قهر) - جناس تام (بساخت: ۱- سازش کرد ۲- ساختن و درست کردن خانه)

۱۴ چو پیش آمدش بنده رفته باز زلقمانش آمد نیبی فراز

مرد ثروتمند غلامی داشت که پس از یک سال دوباره نزد او بازگشت. لقمان وقتی آن غلام را دید، بر سرمرد فریاد کشید. چون

مرد به اشتباه او را غلام خود پنداشته بود. (غلام هم مثل لقمان سیاه چهره بود.)

۱۵ به پایش در افتاد و پوزش نمود بخندید لقمان که پوزش چه سود

مرد ثروتمند به التماس افتاد و از لقمان عذرخواهی کرد، لقمان خندید و گفت: عذر خواهی چه سودی برای من دارد؟

به پا در افتادن: کنایه از التماس و خواهش کردن) - تکرار: پوزش

۱۶ به سالی ز جورت جگر خون کنم به یک ساعت از دل به در چون کنم

در مدت یکسال از ستم تو سختی‌های زیادی کشیدم؛ حالا چگونه آن را فوراً فراموش کنم.

(جگر خون شدن: کنایه از سختی و رنج کشیدن) - جناس ناقص: خون و چون - یک ساعت: مجاز از خیلی زود

مراعات نظیر (جگر و دل)

۱۷ ولی هم بخشایم ای نیک مرد که سود تو ما را زبانی کرد

ولی یا این وجود ای انسان بزرگوار، تو را می بخشم زیرا سود تو به ما زبانی نرساند.
رایه: تضاد (سود و زیان)

۱۸ تو آباو کردی شبتان خویش مرا حکمت و معرفت گشت پیش

تو خانه خود را آباد کردی، اما از طرف دیگر دانش و معرفت من بیشتر شد.

۱۹ غلامی است در خلم ای نیک بخت که فرمایش وقت با کارخت

ای انسان خوشبخت، در خانه ام غلامی دارم که گاهی به او کارهای سختی می دهم.

۱۰ دگر ره نیازمست سخت دل چو یاد آید سخی کار گل

بار دیگر با سنگدلی خودم او را اذیت نمی کنم. آن هنگام که خود یاد سختی کارگری می افتم.

رایه: جناس ناقص (دل و گل)

۱۱ هر آن کس که جور بزرگان تبرد نوزد دلش بر ضعیفان خرد

هرکسی که از بزرگان ستم ندیده باشد، دلش به حال انسان های ضعیف نخواهد سوخت و به آنها رحم نخواهد کرد.

رایه: تضاد (بزرگان، ضعیفان) - کنایه (دل نسوختن: رحم نکردن)

۱۲ کر از حاکمان سخت آید سخن تو بر زبردستان درشتی گمن

اگر تو از حرف بزرگان می رنجی، پس بر انسان های ضعیف سخت نگیر و با آنها بد رفتاری نکن.

رایه: کنایه (سخن سخت آمدن: آزرده خاطر شدن) - تضاد (حاکم، زبردست) - کنایه (درشتی نکردن: بد رفتاری نکردن)

۱۳ مگو گفت: بهرام ش با وزیر که دشوار بر زبردستان گمیر

بهرام شاه چه خوب به وزیرش گفت که بر انسان های ضعیف و زبردست سخت نگیر.

رایه: تضمین (مصراع دوم)

تاریخ ادبیات

بوشاق، یا سعدی نامه اولین اثر مدون سعدی است که کار سرودن آن به سال ۶۵۵ هجری قمری تمام شده است. این کتاب از شاهکارهای بی رقیب شعر فارسی است. موضوع این کتاب اخلاق و تربیت و سیاست و اجتماعیات است که در ده باب فراهم آمده است. این اثر مدینه فاضله سعدی است و آنچه را آرزو می کرد که در این دنیا باشد، در این کتاب به تصویر کشیده است.

۱۲۰

قلمرو زبانی

- ۱- با توجه به متن درس برای هر کدام از موارد خواسته شده دو نمونه مثال بزنید.
(الف) واژه مشتق: شبستان - درشتی
(ب) واژه مرکب: سیه قام - زبردست - نازک اندام - تن پرور
- ۲- در بیت زیر، نقش ضمیرهای پیوسته را مشخص کنید.
غلامی است در خلم ای نیک مرد
مضاف الیه
- ۳- مترادف این واژه ها را در متن درس پیدا کنید.
راحت طلب (تن پرور) حرمسرا، خانه (شبستان) فریاد (نهیب)
- ۴- در بیت زیر حرف «را» به چه معنایی به کار رفته است؟
ولی هم ببخشایم ای نیک مرد
حرف «را» در اینجا به معنای حرف اضافه «برای» به کار رفته است: سود تو ما را زبانی نداشت.

قلمرو ادبی

۱۲۰

- ۱- در بیت زیر، کلمه «بساخت» در چه معنایی به کار رفته و سبب پیدایش کدام آرایه ادبی شده است؟
جفا دید و با جور و قهرش بساخت
بساخت اول: سازش کردن بساخت دوم: آباد کردن (سبب پیدایش جناس تام شده است).
- ۲- در بیت زیر کنایه‌ها را یافته، مفهوم هر کدام را بنویسید.
گراز حاکمان سختت آید سخن
تو با زبردستان درشتی مکن
- ۱- سخن سخت آمدن؛ حرف تلخ شنیدن، آزرده خاطر شدن ۲- درشتی نکردن؛ بدرفتاری نکردن
- ۳- واژگان کدام قافیه در بیت، حکم جناس را دارند؟
دگرره نیاز آرمش سخت دل
چو یاد آیدم سختی کار گل
- به سالی زجورت جگر خون کنم
به یک ساعت از دل برون چون کنم
- ۴- قالب شعری این درس چیست؟ دلیل خود را بنویسید.
مثنوی - زیرا هر بیت قافیه جداگانه دارد و با ابیات بعد متفاوت است.

قلمرو فکری

۱۲۰

- ۱- علت اینکه مرد ثروتمند لقمان را بنده خود پنداشت چه بود؟ به دلیل سیاه بودن لقمان.
- ۲- چرا لقمان به راحتی از گناه مرد ثروتمند گذشت؟ زیرا از یک طرف زبانی به لقمان نرسید و مهم‌تر از آن اینکه دانش و معرفت لقمان بیشتر شد.
- ۳- مفهوم کنایی عبارات زیر را بنویسید.
- خون جگر کردن: عذاب دادن، رنج و سختی رساندن - نازک اندام بودن: راحت طلب بودن
- ۴- پیام داستان «جور بزرگان» چیست؟ اینکه بر زیر دستان نباید سخت گرفت.
- ۵- لقمان چه زمانی فهمید که نباید غلام را بیازارد؟ زمانی که خودش رنج و سختی دید و یک سالی به کارگری پرداخت.

۱۶ درس خیر و شر

واژه‌نامه

آبدار:	درخشان، با ارزش	دم نمی زد:	حرف نمی زد
آیله:	تاول روی پوست	زنهاز:	امان بده
آرمید:	خوابید	شوکت:	مقام، عظمت
از قضا:	اتفاق	صرع:	بیماری غشی
انبان:	کیسه	عزم:	اراده، خواست
برآتر:	به دنبال	عزیمت:	سفر
بعینه:	به مانند، عیناً	فراغت:	آسایش
تاقته:	گرم، سوزان	لختی:	مقداری، کمی
تباه:	کور، نابینا	لعل گران بها:	سنگ گران قیمت، مروارید
تعیه کردن:	قرار دادن	مال و منال:	ثروت
حُبّ طیبت:	بد ذاتی	مفلس:	فقیّر، بی چیز
خلعت:	جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد، هدیه	مُقبل:	خوشبخت
خوان:	سفره، غذا	ملازمان:	همراهان
دشنه:	چاقوی کوچک، خنجر		

خیروشر

قالب شعر: مثنوی

۱۱ حالی آن لعل آبدار کشاد پیش آن ریک آبدار نهاد

فورا آن مروارید با ارزش را در مقابل شرّ خسیس گذاشت.

آرایه: استعاره (ریگ آبدار: شر) - مراعات نظیر (لعل و ریگ) - جناس نام (آبدار: با ارزش، صاحب آب)

۱۲ گفت مردم ز تشنگی دریاب آتشم را بکش به محّی آب

گفت از تشنگی مردم به فریادم برس و آتش درونم را با مقداری آب خاموش کن.

آرایه: تضاد (آب و آتش) - مراعات نظیر (تشنگی و آب) - اغراق (مصراع اول) - آتش: (استعاره از تشنگی)

۱۳ شرتی آب از آن زلال چو نوش یا به همت بخش یا بفروش

مقداری از آن آب گوارای شربنت را یا از روی جوانمردی ببخش یا بفروش.

آرایه: تشبیه (آب به نوش) - واج آرایی (صامت «ش»)

۱۴ گفت برخیز تیغ و دشنه یار شرتی آب سوی تشنه یار

گفت برخیز و شمشیر و خنجر را بیاور و در عوض مقداری آب برای تشنه یار.

آرایه: مراعات نظیر (تیغ و دشنه) - جناس ناقص: تشنه و دشنه - مجاز (تشنه از خیر) - کنایه (مصراع اول: کنایه از آماده کور کردن باش)

۱۵ دیده آتشین من برکش و آتشم را بکش به آبی خوش

چشمان آتشین مرا بیرون بیاور و آتش درونم را با مقداری از آن آب گوارا خاموش کن.

آرایه: اغراق (دیده آتشین) - تکرار (آتش) - تضاد (آب و آتش) - واج آرایی (صامت «ش») - مجاز (آتش)

۱۶ شر که آن دید دشنه بازکشاد پیش آن خاک تشنه رفت چو باد

شر که این آمادگی خیر را دید، خنجرش را بیرون آورد و به سرعت به نزد خیر رفت.

آرایه: کنایه (دشنه بازگشان، آماده ضربه زدن) - خاک تشنه: استعاره از خیر - تشبیه (شر به باد) - واج آرایی (صامت «ش»)

۱۷ در چراغ دو چشم او زد تیغ نامش کشتن چراغ درخ

خنجرش را در چشمان او فرو کرد و از کور کردن خیر هیچ افسوسی نخورد.

آرایه: تشبیه (چشم به چراغ) - چراغ دوم: استعاره از چشم - تکرار (چراغ) - تیغ در چشم زدن: کنایه از کور کردن

۱۸ چشم تشنه چو کرده بود تباه آب ناداده کرد همت راه

هنگامی که چشمان خیر را کور کرد، بدون اینکه به او آبی بدهد به راه خودش ادامه داد.

آرایه: مجاز (تشنه: خیر) - کنایه (همت راه کردن: به مسیر خود ادامه دادن)

۱۹ جامه و رخت و گوهرش برداشت مرد بی دیده را تسی بگذشت

لباس و مرواریدهای او را برداشت و مرد کور را تنها و بی چیزها کرد.

آرایه: مراعات نظیر (جامه، رخت) - مجاز (جامه، رخت، گوهر: همه چیز)

۱۱۰ چشم از دست رفت کشت دست شد بعینه چنان که بود نخت

چشمان کور شده سالم و درست مانند روز اولش شد.

آرایه: کنایه (درست شدن: بینا شدن)

۱۱ / بز یکی دختر عزیز ما نیت و بیاد است چیز ما

چوپان گفت: من به غیر از این دختر عزیز کسی را ندارم اما ثروت زیادی دارم.

آرایه: تضاد (نیست و هست)

۱۲ / گر نمی دل به ما و دختر ما هستی از جان عزیزتر بر ما

اگر به ما و دخترمان علاقه مند شدی، حتی از جان هم در نزد ما عزیزتر خواهی بود.

آرایه: کنایه (دل نهادن: علاقه مند شدن)

۱۳ / بر چنین دختری به آزادی اختیار کنم به دامادی

با وجود چنین دختری، تو را آزادانه به عنوان داماد خودم برمی‌گزینم.

۱۴ / آنچه دارم ز گوسفند و شتر و بخت تا ز مایه کردی پر

و آنچه از گوسفند و شتر دارم آنقدر به تو می‌دهم تا ثروتمند شوی.

آرایه: مجاز (گوسفند و شتر: دارایی و ثروت) - کنایه (پر مایه شدن: ثروتمند شدن، بی‌نیاز شدن)

۱۵ / منم آن تشنه کمر برده بخت من تده. بخت تو مرده

من آن تشنه‌ای هستم که مروراید هایم را بردی اما بخت با من یار بود و با تو یار نبود.

آرایه: تکرار (بخت) - تضاد (مرده و زنده) - کنایه (مصراع دوم: خوشبخت شدن و بدبخت شدن) - مجاز (تشنه: خیر) - جناس ناقص (برده، مرده)

۱۶ / تو مرا کشتی و خدای نکشت / نقبل آن کز خدای کید پشت

تو مرا کشتی، اما خدا مرا زنده نگه داشت. خوشبخت آن کسی است که خدا پشت و پناهش باشد.

آرایه: تضاد (کشتن و نکشتن) - کنایه (پشت گرفتن: یاری گرفتن) - تکرار (خدای)

۱۷ / دو لقمه چون خدا پناهی داد / لقمه تاج و تخت شاهی داد

خوشبختم، زیرا خدا به من پناه داد و اکنون هم مرا به پادشاهی رسانده است.

آرایه: کنایه (تاج دادن: پادشاه کردن) - مراعات نظیر (تاج و تخت)

۱۸ / گفت: زهار اگر چه بد کرم / در به من نین که خود کرم

آرایه: کنایه (درید من نبین: بدی‌های مرا نادیده بگیر، ببخش)

حس‌آمیزی (بدن‌دین) توضیح: هرگاه شاعر دو حس را به هم بیامیزد و حس را به جای حس دیگر به کار ببرد، به آن حس‌آمیزی می‌گویند مثال: بوی علف را می‌شنوم: که شاعر شنیدن را برای بو به کار برده است.

۱۹ / گفت اگر خیر است خیر اندیش / تو شری جز شرت نیاید پیش

چوپان گفت: اگر خیر، انسان خیر خواهی است، تو شر هستی و جز بدی چیزی از تو سر نمی‌زند.

آرایه: تضاد (خیر و شر)

۲۰ / در پیش بخت و یافت آن دو کمر / تعبیه کرده در میان کمر

بدنش را بازرسی کرد و آن دو مروراید را که در شال کمرش پنهان کرده بود پیدا کرد.

آرایه: مراعات نظیر (تن، کمر)

۲۱ / آمد آورد پیش خیر فراز / گفت کوه بر کوه آمد باز

به نزد خیر آمد و مروراید را پیش او آورد و گفت مروراید به صاحب اصلی اش برگشت.

آرایه: جناس تام (کوه: مروراید، خیر) - استعاره: (کوه دوم: خیر) - تکرار (کوه)

آرایه دهم عمومی (دوره دوم متوسطه)

صفت مکرر یا مصراع
کتاب و داستان
بسیار و بیرونی خود

نوع و زبانی
۱- در ابیات زیر:
حاله
بناز اول: با ارزش
توضیح آنکه هرگز
شده

چشم
فت و هفت:
۲- منضات و آواز
پاکي ابدگهري
۳- کلمه «گذر»
انگاردن»
جمله‌های زد
-بنازنگار مؤ
بنازنگار
- دانش آموز:
- نامه امام

۴- با توجه
لاگهان، ج
الف، نقش
لاگهان، ق
ب، زمان
نیده: ماضی

فلمرو
۱- ابیات
۲- بیت

۳- به
در مرصع
ادعای
صفت

تاریخ ادبیات

مفهوم «بکر یا» مصراع نامه» اثر بزرگ‌ترین داستان سرای ادبیات ما نظامی است. داستان خیر و شر با نویسندگان خانم دکتر زهرا کیا است که از کتاب «داستان معای دل انگیز ادبیات فارسی» با اندکی تصرف برگرفته شده است. این داستان بیان‌کننده کشاکش همیشگی نیک و بدی و پیروزی خوبی‌ها بر بدی‌ها است و نشانگر این است که نیک اندیشی سرانجامش رستگاری است و بد ذاتی به تباهی منتهی می‌گردد.

قلمرو زبانی

۱۲۷

۱- در ابیات زیر، واژه‌های «آبدار» و «همت» را از نظر معنایی بررسی کنید.

حالی آن لعل آبدار گشاد پیش آن ریگ آبدار نهاد

آبدار اول: با ارزش آبدار دوم: صاحب آب (جناس تام دارند.)

توضیح آنکه هرگاه دو واژه از نظر لفظ و املا یکسان اما از نظر معنایی متفاوت باشند، می‌گوییم جناس تام دارند.

شربت آبی از آن زلال چو نوش یاب همت ببخش یا بفروش

چشم تشنه چو کرده بود تباه آب ندادده کرد همت راه

همت و همت: جناس تام دارند. در بیت اول به معنای «جوانمردی» و در بیت دوم به مفهوم «تصمیم و قصد» است.

۲- متضاد واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

پاکی (بدگه‌ری) بدبخت (مقبیل) غنی (مفلس)

۳- کلمه «گذاشتن» در معنای حقیقی «قرار دادن» کاربرد دارد و مجازاً به معنای «وضع کردن» و «تأسیس کردن» است؛ اما «گزاردن» به معنای «به جا آوردن، ادا کردن» است.

جمله‌های زیر را بر پایه این توضیح، اصلاح کنید.

بینانگزار مؤتسه، اعضای شورای سیاست‌گذاری را معرفی کرد.

بینانگذار

- دانش‌آموزان زحمات خدمتگذار مدرسه را ارج می‌نهند و از او سپاسگزاری می‌کنند.

خدمتگذار

- نامه امام علی (ع)، در بردارنده پیام‌های اصلی یک حکومت عادلانه برای همه کارگزاران است.

کارگزاران

۴- با توجه به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

ناگهان، جوانی را دید نابینا که بر خاک افتاده است و از درد و تشنگی می‌نالند و خدا را می‌خواند.

الف) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

ناگهان: قید جوانی: مفعول خاک: متمم

ب) زمان و نوع هر یک از فعل‌ها معین کنید.

دید: ماضی ساده افتاده است: ماضی نقلی می‌نالند: مضارع اخباری می‌خواند: مضارع اخباری

۱۲۸

قلمرو ادبی

۱- ابیات درس در چه قالبی سروده شده است؟ دلیل خود را بنویسید. مثنوی، زیرا هر بیت قافیۀ جداگانه دارد.

۲- بیت زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

منم آن تشنه گهر بر برده

بخت من زنده، بخت تو مرده

آرایه: مجاز (تشنه: خیر) - تکرار (بخت) - تضاد (زنده، مرده) - جناس ناقص، (برده، مرده) - کنایه (مصراع دوم: خوشبخت بودن و بدبخت بودن)

۳- به بیت زیر توجه کنید:

خانه ویران شد و آن نقش به دیوار بماند

نقش کردم رخ زیبای تو در خانه دل

در مصراع اول، شاعر «دل» را به «خانه» تشبیه کرده است؛ سپس در مصراع دوم، به سبب شباهت آن دو به هم، مشبته (دل) را حذف کرده و فقط مشبته به (خانه) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی شدن نشان دهد؛ به این تصویر

خیال‌انگیز، «استعاره» می‌گویند. در استعاره، یک طرف تشبیه (مشبته یا مشبته به) ذکر نمی‌شود.

مثال برای حذف مشبّه به: خورشید شکفت.

«خورشید» به «گل» تشبیه شده است. «شکفتن» از ویژگی‌های گل است که به خورشید نسبت داده شده است. در ابیات زیر، استعاره‌ها را بیابید و مقصود از آنها را بنویسید.

الف) دیدۀ آتشیمن من برکش
و آتشم را بکش به آبی خوش
آتش: استعاره از تشنگی زیاد؛ تشنگی زیاد را به آتش مانند کرده و فقط مشبّه به را ذکر کرده است.

ب) در چراغ دو چشم او زد تیغ
نامدش کشتن چراغ دریغ
چراغ دوم: استعاره از چشمان خیر؛ چشم را در بینایی و سو داشتن به چراغ تشبیه کرده و مشبّه را حذف کرده است.

قلمرو فکری

۱۲۸

۱- چرا «شَرّ» از «خیر» چشم‌هایش را طلب کرد؟

تا خیر نتواند مرواریدها را از او پس بگیرد.

۲- در بیت «آمد آورد پیش خیر فراز / گفت گوهر به گوهر آمد باز»، مقصود از گوهر اول و دوم چیست؟

گوهر اول: مروارید

گوهر دوم: خیر (صاحب مروارید)

۳- کدام قسمت درس، مصداق مناسبی برای مفهوم آیه «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» (سوره آل عمران، آیه ۲۶) است؟
تو مرا کشتی و خدای نکشت
مُقبِل آن کز خدای گیرد پشت

۴- هر یک از مثل‌های زیر، با کدام بخش از متن درس مناسبت دارند؟

از ماست که بر ماست:

گفت زنه‌ار اگر چه بد کردم
در بد من نبین که خود کردم

از کوزه همان برون تراود که در اوست:

پس اگر من مناسب نام خود بدی کردم تو نیز مناسب نام خود نیکی کن.

گفت اگر خیر هست خیر اندیش
تو شری جز شرت نیاید پیش

۵- داستان خیر و شر را با ماجرای حضرت یوسف (ع) مقایسه کنید.

در داستان حضرت یوسف ابتدا یک طرف خیر است و یک طرف شرّ، یعنی حضرت یوسف نماد نیکی و خیر و زلیخا نماد بدی و شرّ است و از این جهت به داستان خیر و شرّ شبیه است. اما تفاوت در این است که در داستان خیر و شرّ، خیر به سرانجام نیک می‌رسد و شرّ عاقبت بد، یعنی کشته شدن نصیبش می‌شود اما در داستان حضرت یوسف، سرانجام هر دو طرف به خیر ختم می‌شود.

۶- با توجه به بیت:

گفت زنه‌ار اگر چه بد کردم
در بد من نبین که خود کردم

کنایه را یافته و مفهوم آن را بنویسید.

در بد من نبین: از گناه من چشم پوشی کن، از خطایم بگذر.

۱۲۹

روان خوانی

طزاران

واژه‌نامه

دزد	طراز:	زنگوله‌ها	جلاجل:
عجیب، شگفت	ظرفه:	خَر	درازگوش:
داخل شد	فروش:	ذَم	دنب:
اندوه - خستگی	ملال:	عمامه	دستار:
		آسان	سهل:

معنی عبارت های مهم:

- ۱- آن مرد جامه و دستار در کشید و بدان چاه فروشد: آن مرد لباس و عمامه اش را بیرون آورد و داخل چاه رفت.
- ۲- چنان که موضع خالی یافت: وقتی دید کسی آنجا نیست.
- ۳- بر خود منت دارم: به دیده منت می پذیرم.
- ۴- اضطراب می نمود: بی قراری می کرد.
- ۵- پاس خود می دارم: از خود مواظبت می کنم.

تاریخ ادبیات

لطایف الطوائف، کتاب لطایف الطوائف از فضاالتیج علی صفی لطفیه، پرداز نامدار ایران است. او از خاندان دانش و قلم است که در قرن های نهم و دهم هجری زندگی می کرده است. لطایف الطوائف کتابی است دلیلی و خواندنی. این اثر مجموعه ایست از لطایف ارباب خرد و شامل حکایات لطیف و نوادرو امثال و روایات مربوط به طبقات گوناگون جامعه؛ که در چهارده باب آمده است.

۱۳۰

۱۳۰

درک و دریافت

- ۱- به نظر شما، چرا شخصیت اصلی قصه، به چنین سرنوشتی دچار شد؟ به دلیل سادگی بیش از حد و زود باور بودن او.
- ۲- درباره لحن و بیان داستان توضیح دهید. «لحن» نام فضا در کلام است. شخصیت ها را از طریق لحن آنان می شناسیم. لحن می تواند رسمی، غیررسمی، صمیمانه، جدی و طنزوار باشد. لحن در این درس طنزگونه است و راوی با استفاده از این لحن، سادگی و دهن بین بودن انسان را نقد کرده و زیان های آن را نشان داده است.

ارزشیابی مستمر

- ۱- کتاب هفت پیکراز..... است. (۵/۰ نمره)
- ۲- کتاب لطایف الطوائف علی صفی در چه دسته ای جای می گیرد؟ (۵/۰)
الف) طنز ب) اخلاقی ج) عرفان د) سیاست
- ۳- معنی واژه های زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ «انبان، مفلس، جلاجل» (۵/۰)
الف) انبار، فقیر، زنگوله ب) کیسه، بی چیز، زنگوله
ج) کیسه، بیچاره، فرش د) انگشتر، تهی دست، قالی
- ۴- در مصراع «پیش آن خاک تشنه رفت چو باد» ... بر از خاک کیست؟ (۵/۰)
- ۵- در بیت «و آنچه دارم ز گوسفند و شتر / دهم، تا ز مایه گردی پُر» کدام کلمه در معنای مجازی به کار رفته است؟ مفهوم آن را بنویسید. (۵/۰)
- ۶- چرا بسیاری از مردم در راه درمان دختر پادشاه، جان خود را از دست دادند؟ (۵/۰)
- ۷- با توجه به بیت «تو مرا کشتی و خدای نکشت / مُقبل آن کز خدای گیرد پشت» از نظر شاعر خوشبخت کیست؟ (۵/۰)
- ۸- در مصراع «در بد من نبین، که خود کردم» منظور از قسمت مشخص شده چیست؟ (۵/۰)
- ۹- معنی بیت «در چراغ دو چشم او زد تیغ / نامدش آشتن چراغ دریغ» را بنویسید. (۱)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱ نظامی (۵/۰) ۲ گزینه (الف)، (۵/۰) ۳ گزینه (ب)، (۵/۰) ۴ خیر (۵/۰) ۵ گوسفند و شتر (۵/۲۵) مجاز از همه چیز (۵/۲۵) ۶ برای به دست آوردن مقام و شوکت (۵/۰) ۷ کسی که خدا پشت و پناهنش باشد. (۵/۰) ۸ از گناه من چشم پوشی کن (مرا ببخش) (۵/۰) ۹ در چشمان چراغ مانند او (۵/۲۵) خنجرش را فرو کرد (۵/۲۵) و از کور کردن چشمان او (۵/۲۵) افسوس نخورد. (۵/۲۵)

فصل ۸ ادبیات جهان

مفاهیم آموزشی

ادبیات هر ملت، بازتاب و چکیدهٔ بینش‌ها، احساسات و باورهای آن ملت است. مطالعهٔ آثار ادبی جهان، نه تنها ما را با اندیشه و احساسات دیگر ملت‌ها آشنا می‌سازد بلکه تفاوت‌ها، وجوه مشترک، تأثیر پذیری و تأثیرگذاری را نیز آشکار می‌کند. چهره و آثار نویسندگان و شعراء بزرگ را به ما می‌شناساند و مرزهای احساس و اندیشهٔ ما را گسترش می‌بخشد. ترجمهٔ آثار برجستهٔ ادبی جهان، از شمار نخستین و بهترین ترجمه‌ها بوده است. مترجمان زیر دست علاوه بر اینکه ما را با آثار و افکار بزرگان جهان آشنا می‌سازند، چهره‌های درخشان ادبی ما را نیز به جهانیان معرفی می‌کنند. همان‌گونه که ادبیات ما، دوره‌ها و مراحل را پشت سر نهاده، ادبیات دیگر ملت‌ها نیز دوره‌هایی را گذرانده است که در این فصل و سال‌های آینده با آنها بیشتر آشنا خواهید شد.

فصل ۱۷ سپیده دم

واژه‌نامه

برین:	بالا	صدر:	نام یک منطقه در لبنان، سینه
دیرین:	گذشته، کهنه، قدیم	طاعون:	مرضی عفونی و همه‌گیر
ردا:	بالا پوش، لباسی که روی لباس‌های دیگر پوشند	مرکه:	میدان جنگ

معنی عبارات مهم:

- ۱- ای که ردای حسین را بردوش / و خورشید کربلا را در برداری
ای کسی که لباس حسین را بردوش انداخته‌ای و حضرت ابوالفضل را در آغوش گرفته‌ای.
آرایه: تشخیص (جنوب ردای حسین پوشیده) - مراعات نظیر (بر، دوش) - استعاره (خورشید کربلا، حضرت ابوالفضل) - تلمیح (به واقعهٔ عاشورا)
- ۲- ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی / ای انقلاب زمین که انقلاب آسمان برین پیوند خورده‌ای:
ای انسان عاشقی که فداکاری کردی. ای کسی که انقلاب تو در زمین با انقلاب آسمان بالا پیوند خورده است (انقلاب تو خدایی بود).
آرایه: استعاره (سرخ گل: از امام حسین) - تضاد (زمین و آسمان) - کنایه (پیوند انقلاب زمین با انقلاب آسمان: انقلاب تو آسمانی و خدایی بود)
- ۳- روستایی که با صدر «ش»، با سینه اش / از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد:
روستایی که با صدر (منطقه‌ای در لبنان) و با تمام وجود از کشور و ناموس خود دفاع کرد.
آرایه: تشخیص (سینه روستا) ایهام: صدر (۱- نام روستا ۲- سینه) - مجاز (خاک: کشور)
- ۴- سرورم! در شوره‌زار شهرهایی که طاعون و غبار بر آنها چیره است / در شهرهای مرگ که باران از باریدن بر آنها بیمناک است جز تو، کسی نمانده است. در زندگی ما نخل و عناب تاکستان بکاردار:
آقای من! در شهرهایی که بیماری و غبار مرگ بر آن مستولی شده و باران، هم جرئت باریدن ندارد، جز تو کسی نیست که زندگی ما را آباد کند.
آرایه: کنایه (مصراع اول: مردم در حال مُردن هستند) - مراعات نظم: باران با باریدن نخل و عناب و تاکستان) - مجاز (نخل و عناب تاکستان، از آبادانی)
- ۵- پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای!
پس امید و پیروزی را به ما نشان بده.
آرایه: استعاره (درهای امید) - کنایه (بر روی ما گشودن: به پیروزی رساندن)

تاریخ ادبیات

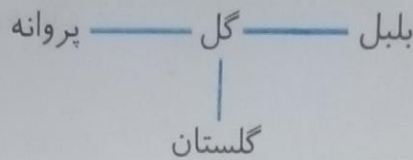
بر قلمرو ادبی (۱۹۹۸-۱۹۲۳م) دیبلمات، شاعر و ناشر سورس بود. وی شاعری است که با شعرهای عاشقانه اش مشهور است. زن و عشق موضوع اصلی شعر قبتانی است. او در «نیای عرب از شهرتی بی همتا برخوردار است. شعر او به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه شده است و خوانندگان بی شماری دارد. وی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و اسپانیولی نیز مسلط بود. «دختر سبزه رو به من گفت» و «کتاب عشق» از آثار اوست.

۱۳۸

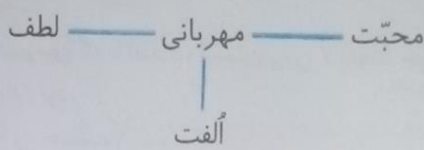
قلمرو زبانی

۱- به نمونه‌های زیر، توجه کنید.

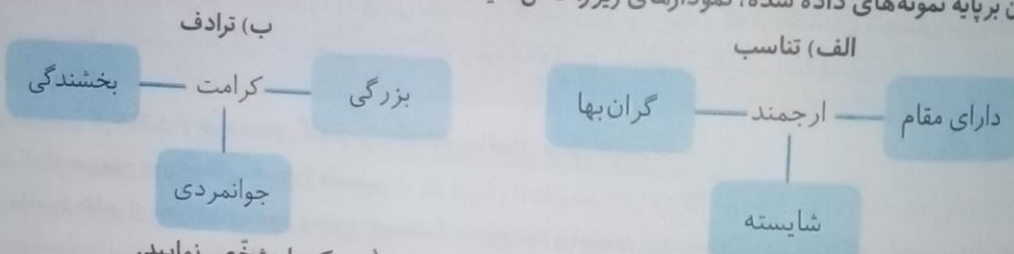
بر پایه تناسب (همبستگی)



بر پایه هم‌معنایی (ترادف)



اکنون بر پایه نمونه‌های داده شده، نمودارهای زیر را کامل کنید.



۲- از میان موارد زیر، ترکیب‌های وصفی و اضافی را جدا کنید؛ سپس هسته هر یک را مشخص نمایید.

ستاره غروب، سرور آزادگان، متنی نیلگون، ماهی دریا، برترین حماسه

ترکیب وصفی: برترین حماسه متنی نیلگون

هسته هسته

ترکیب اضافی: ستاره غروب - سرور آزادگان - ماهی دریا

هسته هسته هسته

۳- در مصراع زیر، نقش دستوری اجزای مشخص شده را بنویسید.

«پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای»

قید مفعول معطوف به مفعول مضاف الیه

۱۳۸

قلمرو ادبی

۱- مصراع‌های زیر را با توجه به آرایه‌های «تشخیص، کنایه و تشبیه» بررسی کنید.

۱- ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران: تشبیه (جنوب به سبزه) - تشخیص (ای جنوب)

۲- ای کشتی‌های صیادی که مقاومت پیشه کرده‌اید: تشخیص (کشتی‌ای که مقاومت می‌کند).

۳- در شور زار شهرهایی که طاعون و غبار بر آنها چیره است: کنایه (مرگ همه جا را فرا گرفته است) - تشخیص (شهری که طاعون دارد).

۴- بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که بر دستان توست: کنایه (احترام گذاشتن به مبارزه امام حسین یا مردم جنوب)

۲- کدام واژه مشخص شده، «مجاز» به شمار می آید؟ مفهوم آن را بنویسید.

«ای مسافر دیرین بر روی خار و درد / ای چون ستاره، فروزان»

خار: مجاز از رنج و سختی

۳- شاعر، «باران‌ها» و «فصل‌ها» را در کدام مفاهیم نمادین به کار برده است؟

باران: نماد آزادی و طراوت / فصل‌ها: نماد زمان و تاریخ

۴- کاربرد مناسب شبکه معنایی، در شعر و نثر، ضمن آنکه به تداعی معانی کمک می‌کند، سبب زیبایی و دلنشینی سخن می‌شود و آرایه «مراعات نظیر» را پدید می‌آورد؛ مثال: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری (سعدی)

از متن درس، دو نمونه مراعات نظیر بیابید.

جز تو کسی نمانده است که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد.

ای کشتی‌های صیادی که مقاومت پیشه کرده‌اید.

ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده‌ای.

قلمرو فکری

۱۳۸

۱- دریافت خود را از سروده زیر بنویسید.

«تو را جنوب نامیدم / / ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین / پیوند خورده‌ای.»

یعنی انقلاب تو یک انقلاب خدایی و آسمانی بود.

۲- پیام نهایی دو مصراع پایانی سروده زیر چیست؟

«و مریم هر شب، روی شن‌ها / به انتظار مهدی می‌نشیند / و گل‌هایی را می‌چیند / که از انگشتان شهیدان می‌رویند.»

یعنی مریم عشقی را به دست می‌آورد که از خون شهیدان به وجود آمده است. (فراموش نکردن یاد شهیدان)

۳- در سروده زیر:

«ای سرزمینی کز خاکت / خوشه‌های گندم می‌روید / و پیامبران بر می‌خیزند.»

الف) کدام سرزمین مورد خطاب است؟ فلسطین

ب) مقصود شاعر از مصراع‌های دوم و سوم چیست؟ مصراع دوم بر امید به آینده و زندگی دوباره تأکید دارد. مصراع سوم به بعثت پیامبران از سرزمین فلسطین اشاره دارد.

۴- از متن درس، مصراعی را معادل معنایی قسمت مشخص شده بیابید.

«تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن / و بیکری در اشتیاق شهادت نامیدم.»

و گل‌هایی را می‌چیند / که از انگشتان شهیدان می‌رویند.

۵- قبتانی در این بخش از شعرش بر چه نکته‌ای تأکید دارد؟

«ای که ردای حسین بر دوش داری / و خورشید کربلا را در بر داری ...». بر این نکته که فلسطین میراث‌دار حسین و قیام عاشورا است.

۶- در بیت زیر منظور از «نخل و عنب و تاکستان» چیست؟

«جز تو کسی نمانده است / که در زندگی، نخل و عنب و تاکستان بکارد.» این سه واژه در مفهوم آبادی و آبادانی به کار رفته است؛ یعنی ای حسین فقط تو هستی که می‌توانی دوباره سرزمین ما را آباد کنی و به آن حیات دوباره ببخشی.

گنج حکمت

۱۴۰

مزار شاعر

واژه‌نامه

لگامی زرین؛	افساری ملایبی	جذبہ؛	شوق، اشتیاق
نیا؛	جد		

معنی عبارت های مهم:

- ۱- تیمور، پس از آنکه شهر توس را گشود، تیمور پس از آنکه شهر توس را فتح کرد.
- ۲- جذبه ای اسرارآمیز او را به سوی فردوسی می کشید: اشتیاقی شگفت انگیز او را به طرف فردوسی می کشاند.

تاریخ ادبیات

فرانسوا کوپه: (۱۹۰۸-۱۸۴۲ م) شاعر و درام نویس فرانسوی است و این قطعه از کتاب «برخورد الدیشه ها»ی جواد حدیدی انتخاب شده است. این قطعه کوتاه درباره فردوسی، نشان دهنده شهرت جهانی اوست که شاعران و نویسندگان را وادار به تصدیق و ستایش کرده است.

ارزشیابی مستمر

- ۱- کتاب سمفونی پنجم جنوب اثر است. (۵/۰ نمره)
کدام گزینه «تشخیص» ندارد؟ (۵/۰)
الف) ای کشتی های صیادی
ب) ای مسافر دیرین
ج) ای ماهی دریا
د) ای دخترهای شعر
- ۲- در بیت «روستایی که با صدرش، با سینه اش، از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد.» کدام کلمه ابهام دارد؟ معنای آن را بنویسید. (۱)
۳- سه ویژگی را که شاعر به «جنوب» نسبت داده است، بنویسید. (۵/۷۵)
۴- در بیت: «سرورم، ای سرور آزادگان، در زمانه سقوط و ویرانی، جز تو کسی نمانده است.» منظور از «تو» کیست؟ (۵/۰)
۵- مفهوم بیت «جز تو کسی نمانده است / که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد» چیست؟ (۵/۷۵)
۶- از درس «مزار شاعر» چه پیامی استنباط می شود؟ (۱)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱- نزار قبانی (۵/۰) ۲- گزینه (ب)، (۵/۰) ۳- صدر (۵/۰) الف) نام یک منطقه (۵/۲۵) ب) سینه (۵/۲۵) ۴- مقاومت کردن (۵/۲۵)، رنج و سختی کشیدن (۵/۲۵)، نماد آزادی (۵/۲۵) ۵- امام حسین (ع)، (۵/۰) ۶- یعنی ای حسین فقط تو هستی که می توانی دوباره آبادی و زندگی را به ما برگردانی. (۵/۷۵) ۷- عاقبت انسان های نیک خواه و پاک سرشت، خوب (۵/۰) و عاقبت انسان های خونریز و جنگ طلب، زشت و بد خواهد بود. (۵/۰)

۱۸ عظمی نگاه

واژه نامه	
ارمغان:	هدیه
بگاه:	صبح زود
تمایز:	تفاوت، اختلاف
تملک:	دراختیار داشتن چیزی
تصاحب:	مالک بودن، صاحب چیزی بودن
دم:	لحظه
جسمی است جامد و زرد رنگ که در آب حل نمی شود.	فسفر:
خوردنی، غذا	ماتده:
آبی	نیلگون:
محدود، مختص	منحصراً:

معنی عبارت های مهم:

- ۱- هر آفریده ای نشانه خداوند است اما هیچ آفریده ای نشان دهنده او نیست؛ هر مخلوقی پدیدارکننده زیبایی خداوند است اما هیچ آفریده ای توانایی شناخت خداوند را ندارد.

- ۲- ای کاش عظمت در نگاه تو باشد، و نه در چیزی که بدان نگاه می کنی؛
ای کاش دیدگاه تو و روح تو بزرگ باشد نه اشیایی که به آنها نگاه می کنی.
- ۳- تا آنجا که ممکن است بار بشر را به دوش گرفتن؛
تا آنجا که امکان و توانایی هست به هموع کمک کردن.
- ۴- چه می شد اگر می توانستم به چشمانم بینش تازه ببخشم؛
چه خوب بود اگر می توانستم دیدگاهی نو و تازه نسبت به دنیا به دست آورم.
- ۵- هر مخلوقی نشانی از هدایت و هیچ مخلوقی او را هویدا نمی سازد؛ هر مخلوقی پدیدارکننده زیبایی های خداست ای هیچ مخلوقی توانایی شناخت خداوند را ندارد.
- ۶- درست است که اعمال ما، ما را می سوزانند ولی تابندگی ما از همین است؛ درست است که رفتار و کردار ما سبب سوختن و از بین رفتن ماست ولی ارزش و اعتبار ما از همین سوختن و گداختن است.

تاریخ ادبیات

مآنده های زمینی، اثر معروف آندره ژید نویسنده بزرگ فرانسوی است. ژید شصت سال از عمر هشتاد و دو ساله خود را صرف نویسندگی کرد. وی در آثار خویش مشکلات زندگی آدم را با عشقی سرشار به واقعیت به تصویر کشید و به همین جهت نیز جایزه نوبل ادبی را از آن خود کرد. مآنده های زمینی زاده شور و اضطراب جوانی نویسنده است.

قلمرو زبانی

- ۱- کدام کلمات، در متن درس، برای شما جدید و غیر تکراری است؛ معنای هریک را بنویسید.
ناتانائیل: یک شخصیت خیالی برای نویسنده است.
تملک: در اختیار داشتن فسفر: جسمی جامد و زرد رنگ مآنده: غذا
- ۲- در زبان فارسی، نشانه هایی هست که با آنها کسی یا چیزی را صدا می زنیم؛ مانند «آی، ای، یا، ال» به این واژه ها «نشانه ندا» می گوئیم. اسمی که همراه آنها می آید، «منادا» نام دارد؛ مانند «ای خدا»
گاهی منادا بدون نشانه به کار می رود؛ در این گونه موارد، به آهنگ خواندن جمله باید توجه کنیم.
یک بند بنویسید و در آن، سه نشانه ندا به کار ببرید.
- ای حسین ای پایگاه عظمت و وارستگی ها تو را دوست داریم. یا علی تو الگوی صبر و رنج و تقوایی و زینبا تو مظهر ایستادگی و مقاومت در مقابل یزید و یزیدیان هستی. ما به شما مردان و زنان وارسته می بالیم.
- ۳- در جمله زیر نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید.
«ناتانائیل با تو از انتظار سخن خواهم گفت.»
منادا متمم متمم مفعول

قلمرو ادبی

- ۱- عبارت زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید.
آسمان را دیده ام که در انتظار سپیده دم می لرزید. ستاره ها یک یک، رنگ می باختند. چمنزارها غرق در شبنم بودند.
مراعات نظیر (آسمان و ستاره - چمنزار و شبنم) تشخیص (انتظار کشیدن آسمان و لرزیدنش)
کنایه (رنگ باختن کنایه از ناپدید شدن) اغراق (چمنزارها غرق در شبنم بودند)
- ۲- به کمک کلمه «شکوفایی» یک شبکه معنایی بسازید و آن را در یک بند، به کار ببرید.
شکوفایی، بهار، گل، درختان
در فصل بهار، درختان از خواب زمستانی بیدار می شوند و آرام آرام شکوفایی گل ها از آمدن فصلی نو سخن می گوید. طبیعت جانی دوباره می گیرد و پرندگان ترانه شادی می خوانند.

- ۱- نیکوترین اندرز نویسنده چیست؟ درباره آن توضیح دهید. نیکوترین اندرز او این است که تا آنجا که ممکن است بار بشر را به دوش بگیریم. به نظر نویسنده کمک به ممنوع می‌تواند بهترین بار ارزشی را داشته باشد. سعدی نیز گفته: «عبادت به جز خدمت خلق نیست». یاری دادن یک انسان یقیناً شادکردن خدا را به دنبال خواهد داشت.
- ۲- نویسنده درباره «انتظار» چه دیدگاهی دارد؟ آرزو می‌کند که هیچ‌گاه انتظار به هوی و هوس آلوده نشود و از طرفی از انسان می‌خواهد همواره آماده آنچه برایش پیش می‌آید، باشد و همیشه منتظر و چشم به راه اتفاقات باشد.
- ۳- هریک از موارد زیر، با کدام بخش از متن درس، تناسب معنایی دارد؟
به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (سعدی)
هرگز زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده‌ام که بی‌درنگ نخواسته باشم تمامی مهرم را نثارش کنم.
بسوزای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو / کجا دیدی که بی‌آتش، کسی را بوی عود آمد (مولوی)
اعمال ما وابسته به ماست. درست است که ما را می‌سوزانند اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می‌آورد و اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت‌تر از برخی جان‌های دیگر سوخته است.
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور / پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را (فروغی بسطامی)
خدا در همه جا هست، در هر جا که به تصور درآید و نیافتنی است.
- ۴- کدام عبارت درس، به مفهوم آیه شریفه «لا تُدرکهُ الابصار و هُوَ یُدرک الابصار» (انعام، آیه ۱۰۳) اشاره دارد؟
هر آفریده‌ای نشانه خداوند است اما هیچ آفریده‌ای نشان‌دهنده او نیست. (معنی آیه: دیده‌ها او را در نمی‌یابند ولی او دیده‌ها را درک می‌کند.)
- ۵- جمله «ای کاش، عظمت در نگاه تو باشد.» را با سروده زیر از سهراب سپهری مقایسه کنید.
«چشم‌ها را باید سُست، جور دیگر باید دید.»
هر دو نویسنده بر این باورند که انسان باید نوع نگاه خود را نسبت به جهان خلقت عوض کند و با دیدی آگاهانه و عمیق به دنیای پیرامون خود بنگرد.
- ۶- در عبارت زیر، نویسنده بر چه چیزی تأکید دارد؟ توضیح دهید.
برای من «خواندن» این که شن ساحل‌ها نرم است، کافی نیست؛ می‌خواهم پاهای برهنه‌ام این نرمی را حس کند. به چشم من هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد، بیهوده است. آنچه که نویسنده بر آن تأکید دارد تجربه عملی یک چیز است نه فقط توری و خواندن آن چیز. او می‌خواهد قبل از شناخت، آن پدیده را با گوشت و پوست خویش لمس کند و معتقد است تا پدیده‌ای را احساس نکند، معرفت و شناخت آن چیز هیچ ارزشی نخواهد داشت.
- ۷- از نظر نویسنده خردمند چه کسی است؟ خردمند کسی است که از هر چیزی به شگفت درآید.

روان خوانی

یونانیان

واژه‌نامه

ستاره	کوکب:	(جمع شبنج)، سایه‌ها	اشباح:
روی هم جمع شده، به هم پیوسته	متراکم:	ملتسانه، خواهشگرانه	تضرع آمیز:
غیرممکن	مُحال:	ناراحت کننده، غم آلود	حزن انگیز:
ترسناک	مخوف:	نام گیاهی است، علف جارو	خلنگ:
وحشتناک، ترسناک	موحش:	پیوسته	دمادم:
بیچاره	مسکین:	چراغ	فانوس:
بخ زده	منجمد:	نیرو، توان	قوا:

تاریخ ادبیات

ویکتور هوگو: (۱۸۸۵-۱۸۰۲م) مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه و از بزرگترین ادیبان و نویسندگان جهان است. وی مردی آزادمنش و آزادی خواه و طرفدار جدی اصلاحات اجتماعی به نفع طبقات محروم و رنج دیده بود. مهم ترین آثار او عبارتند از: «بینوایان»، «کوژیش تتردام» و «کارگران دریا». کتاب بینوایان هوگو ماجرای مردم تیره روزی است که با دشواری های زندگی رو به رو بوده اند. بزرگ ترین قهرمان این کتاب: ژان و التران نام دارد که مدت نوزده سال در زندان به سر برده است و پس از تحمل سختی ها و آوارگی ها، راه شرافت مندانه ای را برای زندگی پیدا کرده و کمر به خدمت اجتماع بسته است.

۱۵۰

درک و دریافت

۱- کدام شخصیت داستان، بیشتر مورد توجه شما قرار گرفت؟ چرا؟ کوزت. مظلومیت و تنهایی این دختر دل هر انسان آزاده ای را به درد می آورد. ستم و ظلمی که او از خانواده تنار دیده در آن شب ترسناک می بیند هر دل نازکی را آزاده می سازد. از طرف دیگر بیان گیرای نویسنده درباره حالات این دختر سبب جلب توجه به شخصیت او می شود. به عبارتی نویسنده توانسته است در این قسمت، قهرمان خود را خوب پرورش و نشان دهد.

۲- دو نمونه از فضا سازی گیرا و جذاب را در داستان مشخص کنید. کوزت احساس می کرد که قلبش مثل یک گلوله بزرگ نخ در سینه اش بالا و پایین می جهد. دقایقی را که این گونه سپری می شدند، می شمرد و دلش می خواست که روز و روشنایی بود. هر چه بیشتر می رفت، تاریکی غلیظ تر می شد. هیچ کس در راه نبود. با این همه با زنی روبه رو شد که چون او را دید ایستاد. لحظه ای با نگاه دنبالش کرد و زیر لب گفت: این بچه این وقت شب کجا می رود؟

نیایش

واژه نامه

ارشاد:	هدایت	فضل:	لطف، بخشش، احسان
بسیج:	آمادگی، آماده سفر شدن، عزم، اراده	گلخن:	اجاق حمام، تون گرمابه، آتشدان حمام

۱۵۲

معنی ابیات

ای خدا

قالب شعر: مثنوی

۱۱ ای خدا، ای فضل تو حاجت روا با تو یاد هیچ کس نبود روا

ای خدایی که لطف و بخشش تو نیازهای ما را برطرف می کند، تا زمانی که تو هستی یاد کردن از کسی شایسته نیست. آرایه جناس تام (روا: ۱- برطرف کننده ۲- شایسته) - واج آرایبی (صوت «ا»)

۱۲ مگر اندر ما، مکن در ما نفر اندر اکرام و سخای خود مگر

خدایا به اعمال و رفتار گناه آلود ما توجه نکن بلکه به لطف و بزرگی و بخشش خود نگاه کن و با بزرگواری خود با اعمال ما برخورد کن.

آرایه مراعات نظیر (اکرام و سخا) - جناس ناقص (نظر و نگر) تکرار (ما) - واج آرایبی (صامت م) - کنایه (مصراع اول: به رفتار بد ما توجه نکن - مصراع دوم: با ما سخاوتمندانه برخورد کن).

۱۳ ما نبودیم و تقاضایمان نبود لطف تو ناکفته ما می شود

پروردگارا، در حالی که ما به وجود نیامده بودیم و هیچ تقاضا و خواسته ای از تو نداشتیم اما لطف و بزرگواری تو از هر آنچه در دل ما بود خبر داشت بدون آنکه آن تقاضا را به زبان بیاوریم.

آرایه مراعات نظیر (ناگفته و شنودن) - متناقض نما (شنیدن ناگفته)

۱۴ لذت هستی نمودی، نیت را عاشق خود کرده بودی، نیت را

خدایا، تو به نیستی لذت هستی و وجود بخشیدی و نیست را عاشق خودت کرده بودی.
آرایه تضاد (نیستی، هستی) - تشخیص (نیست را عاشق کردن)

۱۵ قطره دانش که بخشیدی ز پیش مثل گردان به دریای خوش

آن علم اندکی را که از روز نخست به ما بخشیدی به دریای بزرگ علم خودت وصل کن.
آرایه جناس ناقص (خوبش، پیش) - مراعات نظیر (قطره، دریا) - تضاد (قطره و دریا)

۱۶ ما چو نلیم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

خدایا ما همچون نی هستیم و آن صدای ما از جانب تو است. ما همچون کوهیم و صدای انعکاس کوه از طرف تو است.
آرایه تشبیه (ما چون نی - ما چو کوه) - ترصیع - واج آرایی (مصوت «آ» - تکرار (ما)
توضیح: هرگاه کلمات دو مصراع قرینه به قرینه دارای سجع متوازی باشند، به آن «ترصیع» می‌گویند.

۱۷ آب دریا، جمله در فرمان توست آب و آتش، ای خداوند آن توست

خدایا آب دریاها همگی مطیع و فرمانبر تو هستند و خداوند همه چیز از آن توست.
آرایه کنایه (در فرمان بودن: مطیع بودن) - تضاد: (آب و آتش) - تکرار (آب) - مجاز (آب و آتش: همه چیز) - مراعات نظیر (آب و دریا)

۱۸ چون الف چیزی ندارم، ای کریم جز دل تنگتر از چشم میم

خدایا من همچون حرف «الف» هستم که بی نوا و بی چیزم. تنها چیزی که دارم دلم است که آن هم مانند چشم حرف «میم»
دلتنگ و غصه دار است (دلتنگ هستم).

آرایه تشبیه (من به الف - دل به چشم میم) - تشخیص (نداری الف و دل تنگی میم) - مراعات نظیر (الف و میم)

۱۰ این همه کتیم، لیک اندر بیج بی عنایت خدا، بیجیم، بیج

خدایا این همه سخن گفتیم اما در اوج آمادگی نیز بدون لطف و توجه تو هیچ هستیم و نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم.
آرایه بواج آرایی (صامت «ج») - تکرار (هیج)

۱۱ بی عنایت حق و خامان حق کر ملک باشد یا بهش ورق

بدون لطف و توجه خدا و اولیاء او آدمی حتی اگر همچون فرشته باشد، باز گناهکار و خطاکار خواهد بود.
آرایه کنایه (سیاه بودن ورق: گناهکار بودن) - مجاز (مَلک: پاک‌ترین موجودات) - تکرار (حق)

تاریخ ادبیات

مثنوی معنوی این کتاب اقیانوسی است از معارف و حکمت‌ها و آموزه‌های عرفانی اثر خداوندگار عشق و عرفان مولانا بلخ که در قالب تمثیل بیان می‌شود. نظم این کتاب به درخواست حسام الدین چلی آغاز شد. مثنوی شامل شش دفتر است و مهم‌ترین و پُرآوازه‌ترین اثر اوست. سرودن این کتاب حدود ده سال طول کشید. نیايش‌های مولانا یکی از زیباترین و پرمعنا ترین نیايش‌های زبان فارسی است.

ارزشیابی مستمر

- ۱- نام کتاب آندره ژید در کدام گزینه آمده است؟ (۵/۵ نمره)
- الف) بینوایان ب) جنگ و صلح ج) خوشه‌های خشم د) مانده‌های زمینی
- ۲- بینوایان اثر کدام شاعر بزرگ فرانسوی است؟ (۵/۵)
- ۳- از نظر نویسنده «عظمت نگاه» در انتظار خدا بودن چه مفهومی دارد؟ (۵/۵)
- ۴- در عبارت «آسمان را دیده‌ام که در انتظار سپیده‌دم می‌لرزید، چمنزارها غرق در شب‌نم بودند.» یک واژه مشتق و یک واژه مشتق مرکب بیابید. (۵/۵)
- ۵- این بیت حافظ با کدام قسمت از متن درس مانده‌های زمینی ارتباط معنایی دارد؟ (۵/۷۵)
بی دلی در همه احوال خدا با او بود او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد
- ۶- این سخن فروغ فرخزاد با کدام قسمت عظمت نگاه قرابت معنایی دارد؟ (۵/۷۵)
«من معنی سر به سنگ خوردن را نمی‌دانم، تا خودم سرم به سنگ نخورد، این مفهوم برای من بی‌معنی است.»
- ۷- نویسنده بینوایان زن تار دیه را چگونه توصیف کرده است؟ (۱)
- ۸- کوزت برای غلبه بر ترسش چه کرد؟ (۵/۵)

پاسخ ارزشیابی مستمر

- ۱- گزینه (د)، (۵/۵) ۲- ویکتور هوگو (۵/۵) ۳- یعنی در نیافتن اینکه خدا هم اکنون در وجود تو هست. (۵/۵) ۴- سپیده‌دم ← مشتق - مرکب (۵/۲۵) چمنزار ← مشتق (۵/۲۵) ۵- شگفتا! ناتانائیل، تو خدا را در تملک داری و خود از آن بی‌خبر بوده‌ای (۵/۷۵)
- ۶- برای من خواندن اینکه شن ساحل‌ها نرم است بس نیست. می‌خواهم که پاهای برهنه‌ام آن را حس کند. (۵/۷۵) ۷- زنی نفرت‌انگیز با دهانی هم‌چون دهان کفتار و چشمانی برافروخته از غضب ۸- الف) شروع به شمردن از یک تاده می‌کرد. (۵/۲۵) ب) دسته سطل را تکان می‌داد. (۵/۲۵)

سوالات امتحانی

تاریخ:

موضوع:

آزمون: دی ماه (نوبت اول)

- الف) اشعار و عبارات زیر را به نثر روان معنی کنید.
 - ۱- به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی.
 - ۲- به قول نظامی خشت می‌زد.
 - ۳- در آن دستی نازک داشت.
 - ۴- مدتی بود که پیرمرد افتاده بود.
 - ۵- در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟
 - ۶- یوسف را از روی نیکو، بند و زندان آمد و از خوی نیکو، امر و فرمان آمد؟
 - ۷- و این مرد پارسی هم دست تنگ بود و وسعتی نداشت که مال مرا مرمتی کند.
 - ۸- گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت / گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید.
 - ۹- وسعت تو را چگونه در سخن تنگ‌مایه گنجانم / تو را در کدام نقطه باید به پایان برد؟
 - ۱۰- آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
- ب) قلمرو زبانی (دستور)
- ۱۱- در عبارت زیر یک واژه مشتق، مرکب و مشتق مرکب بیابید.
«دل خوشی خسرو در زندگی همین مادر بزرگ بود؛ زنی باخدا، نمازخوان و مقدس.»

۱۲- در عبارت زیر نقش اجزای مشخص شده را بنویسید.

«پیرمرد شندرغازی از وزارت فرهنگ می‌گرفت.»

۱۳- نوع «او» را در جمله زیر مشخص کنید.

«یعقوب را به یوسف میل و عنایت دیدند.»

۱۴- نوع وابسته را در گروه زیر مشخص کنید.

«زیباترین خانه دنیا»

املا

۱۵- املاي درست کلمات زیر را بنویسید.

سولت حیدری - نغزپیمان - گناه وزلت - ظمعینه و آرامش

۱۶- مترادف واژه‌های زیر را بنویسید.

انهار

لثیم

۱۷- معنای قدیمی واژه‌های زیر را بنویسید.

شوخ از خودباز کنیم - به مجلس وزیر شدیم

معنی واژه

معنی کلمات مشخص شده را بنویسید.

۱۸- زین نمط آن مست شده از غرور

۱۹- این را از روی طبیعت کشیده‌ام.

۲۰- رقعهای نوشتنم و عذری خواستم.

۲۱- دست معلّم و قب حیوان روان شد.

۲۲- گفتم خوشا هوایی کز باد خلد خیزد

۲۳- هم فرقت بود و هم وصلت

۲۴- از آن دهان که هَرّای شیر می‌خروشید

۲۵- وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب

پ) قلمرو ادبی

۲۶- مفهوم کنایه‌های زیر را مشخص کنید.

ب) تا سختی کمان شما نیز بگذرد

الف) پی بردیم راه دست خودش هم نیست.

۲۷- در ابیات زیر چه آرایه‌ای به کار رفته است؟

ب) گفتم که ماه من شود گفتا اگر برآید

الف) کز همه شیرین سخنی گوش ماند

۲۸- سجع را در عبارت زیر مشخص کنید.

هر کس که روی از معاملت با خلق بتافت، دنیا و آخرت در راه معاملت با خدا بیافت.

۲۹- در سروده زیر «شعر سپید من رو سیاه ماند / که در فضای تو به بی‌وزنی افتاد» چرا شاعر شعرش را

«سپید» نامیده است؟

ت) قلمرو فکری

۳۰- در مصراع «باغ ز من صاحب پیرایه شد» منظور از «صاحب پیرایه» چیست؟

۳۱- منظور از «گندنمای جو فروش مباش» چیست؟

۳۲- چرا ناصر خسرو دعوت وزیر را نپذیرفت؟

۳۳- عبارت «معلّم دور نبود، صورتک به رو نداشت» به چه مفهومی است؟

۳۴- در بیت «گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز / گفتا زخوب رویان این کار کمتر آید» مصراع دوم ویژگی

معشوق را نشان می‌دهد؟

۳۵- بیت «صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا بیار» با کدام عبارت هم معنایی دارد؟

الف) نیکو خو هزار بار بهتر از نیکو رو

ب) پادشاه عالم از حسن سیرت او خبر داد نه از حسن صورت او

- ۳۶- در بیت «چگونه شمشیری زهرا گین پیشانی بلند تو / این کتاب خداوند / را از هم می‌کشاید» چرا شاعر پیشانی حضرت علی را کتاب خداوند نامیده است؟
- ۳۷- در بیت «بادی که در زمانه پس شمع را بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد» مفهوم کلمات مشخص شده را بنویسید.

ج) حفظ شعر جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

- ۳۸- گر خوانمش قیامت دنیا این رستخیز عام که
 ۳۹- که نعره زدی که جامه دریدی
 ۴۰- گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش

پانچ سوالات امتحانی

- الف) معنی شعر
- ۱ به خاطر هر کار شیرممکنی زود تغییر نکنی. (۰/۲۵)
 ۲ به قول نظامی پر حرف بود. (۰/۲۵)
 ۳ در آن مهارت داشت. (۰/۲۵)
 ۴ مدتی بود که پیرمرد مریض شده بود. (۰/۲۵)
 ۵ در زیر این آسمان آبی رنگ (۰/۲۵) چه کسی می‌تواند با من برابری کند. (۰/۲۵)
 ۶ حضرت یوسف به خاطر صورت زیبایش به زندان افتاد (۰/۲۵) و بخاطر خوش اخلاقی‌اش به پادشاهی رسید. (۰/۲۵)
 ۷ و این مرد ایرانی هم فقیر بود (۰/۲۵) و پولی نداشت که وضع مرا بهبود بخشد. (۰/۲۵)
 ۸ گفتم که حسرت وصال تو در دل من ماند. (۰/۵) گفت تو بنده خوبی باش، زیرا او مواظب بنده‌هایش هست. (۰/۲۵)
 ۹ بزرگی تو را چگونه در این سخنان کوچک و بی‌ارزش جای بدهم (۰/۵) سخن گفتن از تو، تمام نمی‌شود چرا که توصیف تو پایان‌ناپذیر است. (۰/۲۵)
 ۱۰ مرگ که به سراغ همه انسان‌ها می‌رود و همه را در کام خود می‌کشد (۰/۵) روزی به سراغ شما نیز خواهد آمد و شما را خواهد کشت (۰/۵)
 ب) قلمرو زبانی (دستور)
 ۱۱ دل خوشی ← مشتق مرکب (۰/۲۵).
 مادر بزرگ یا نمازخوان ← مرکب (۰/۲۵).
 زندگی یا با خدا ← مشتق (۰/۲۵)
 ۱۲ شنیدم، گزار، مفعول (۰/۲۵). وزارت فرهنگ: متمم (۰/۲۵)
 ۱۳ واو عطف (۰/۲۵)
 ۱۴ زیباترین ← صفت عالی (۰/۲۵). دنیا ← متادالف (۰/۲۵)
 املا
 ۱۵ صلوات حیدری - نقض پیمان - گناه و ذلت - لمائنه و آرامش (هر مورد ۰/۲۵)
- ۱۶ جویبار (۰/۲۵)، پست (۰/۲۵)
 ۱۷ شوخ، چرک (۰/۲۵)، شدم، رفتیم (۰/۲۵)
 معنی واژه (هر مورد ۰/۲۵)
 ۱۸ روش یا شیوه
 ۱۹ ذوق یا قریحه
 ۲۰ نامه
 ۲۱ گودی چشم
 ۲۲ بهشت
 ۲۳ جدایی یا دوری
 ۲۴ نعره یا غرش و فریاد
 ۲۵ جغد
 ب) قلمرو ادبی
 ۲۶ الف) فهمیدیم که مهارت ندارد. (۰/۵) ب) تا قدرت و توان شما نیز از بین برود (۰/۵)
 ۲۷ الف) شیرین سخنی ← حس‌آمیزی (۰/۵) ب) برآید ← ایهام (۰/۵)
 ۲۸ بتافت (۰/۲۵)، بیافت (۰/۲۵)
 ۲۹ زیرا وزن، ردیف و قافیه ندارد. (۰/۵)
 ت) قلمرو فکری
 ۳۰ گل‌ها و شکوفه‌ها (۰/۵)
 ۳۱ ریاکار و دورو نباش (۰/۵)
 ۳۲ به دو دلیل ۱- وضع نامناسب ظاهر (۰/۲۵)
 ۲- خواست به فضل و دانش او پی ببرد (۰/۲۵)
 ۳۳ صمیمی بود (۰/۲۵) و ریاکار نبود (۰/۲۵)
 ۳۴ بی‌وفایی (۰/۵)
 ۳۵ گزینۀ الف (۰/۵)
 ۳۶ زیرا حضرت علی (ع) قرآن تاطق بود. (۰/۵)
 ۳۷ باد، مرگ (۰/۲۵)، چراغدان، عمر، زندگی
 ج) حفظ شعر
 ۳۸ بعید نیست (۰/۲۵)، نامش محرم است (۰/۵)
 ۳۹ بلبل (۰/۲۵)، گل (۰/۲۵)
 ۴۰ می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها (۰/۵)

سوالات استقانی

کتابت خود را در فهرست (مجموعه)

دست

تصحیح

الف) شعرها و عبارات زیر را به نثر روان بازگردانید.

۵

- ۱- داده تش بر تن ساحل بله
- ۲- رنگ را نگارین می ریخت.
- ۳- ای که ردای حسین را بر دوش داری
- ۴- در نوای طوطیان حاذق بُدی
- ۵- ما را ذمکی زیادتر در گرمایه بگذارد تا شوخ از خود باز کنیم.
- ۶- میندار این شعله افسرده گردد / که بعد از من افروزد از مدفن من
- ۷- جمله عالم زین سبب گمراه شد / کم کسی ز ابدال حق آگاه شد
- ۸- به گرز گران دست برد اشکیوس / زمین آهنین شد، سپهر آبنوس
- ۹- به آورد با او بسنده نبود / بیبچید ازو روی و برگاشت زود
- ۱۰- حالی آن لعل آبدار گشاد / پیش آن ریگ آبدار نهاد

ب) قلمرو زبانی: دستور

۲

- ۱۱- در مصراع زیر نقش ضمیر «ت» را بنویسید. ای بی نشان محض، نشان از که جویمت؟
- ۱۲- در مصراع زیر کدام ویژگی دستور گذشته به کار رفته است؟ آن را بیابید.
«به رستم بر، آنکه بیارید تیر»
- ۱۳- زمان فعل های زیر را بنویسید.
- گفت چرا زبون این ناکس شده ای و هر چند او قهر می کند، تو لطف می فرمایی
- ۱۴- نقش کلمات زیر را مشخص کنید.

ای خدا، ای فضل تو حاجت روا

املا

۲

- ۱۵- درست کلمات زیر را بنویسید. (۴ مورد نادرست است).
نُرفه و عجیب - حُبث تینت - عربده و سفاهت - خطه نقض - سوله و انبار - نفخ سور
- ۱۶- برای واژه ی «گرز» دو هم خانواده بنویسید.
- ۱۷- املا ی درست را از کمانک انتخاب کنید.
(صدر - صدر) مجلس سنجش و (قیاس - غیاث)

معنی واژه

معنی کلمات خط کشیده شده را بنویسید.

۲

- ۱۸- و صولت حیدری را دست مایه شادی کودکان کردی
- ۱۹- با عینک دسته مفتولی درست نمی دید.
- ۲۰- راهی به مراتب قُرب نداری.
- ۲۱- بتازد به نیرنگ تو توسن من
- ۲۲- کمان به زه را به بازو فکند
- ۲۳- بیوشید درع سواران جنگ
- ۲۴- جولیقی سر برهنه می گذشت
- ۲۵- دختر خود را به مفلسی چون من نخواهد داد

پ) قلمرو ادبی

۲۶- در بیت های زیر کدام آرایه های ادبی به کار رفته است؟

الف) تبارک الله احسن الخالقین، خجسته باد نام خداوند
ب) خروش سواران و و اسپان زدشت / زبهرام و کیان همی برگذشت

۲۷- با توجه به شعر نیما، «چشمه»، نماد چه کسانی است؟

۲۸- کدام واژه مشخص شده مجاز است؟ معنی آن را بنویسید.

الف) دگرباره ایران پرآوازه شد

ب) ای چون شمشیر درخشان

ت) قلمرو فکری

۲۹- در بیت زیر منظور از کلمات مشخص شده چیست؟

در بن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری

۳۰- مفهوم عبارت «و یعقوب خود او را (یوسف) به صبر آموزگار بود» چیست؟

۳۱- در بیت زیر مقصود از «رَمه و چوپان گرگ طبع» چیست؟

ای تو رَمه سپرده به چوپان گرگ طبع

۳۲- شهید آوینی معتقد است که «همه تاریخ اینجا (جبهه) حاضر است، بدر و حنین و عاشورا» اینجاست؟

۳۳- بیت «جزاز جام توحید، هرگز نوشم / زنی گر به تیغ ستم گردن من» بر چه موضوعی تأکید شده است؟

۳۴- در مصراع «عنان را گران کرد و او را بخواند» عنان گران کردن کنایه از چیست؟

۳۵- دلیل دردمندی و غمگین بودن ساکنان دژ سپید چه بود؟

۳۶- مفهوم بیت «هردونی خوردند از یک آبخور / این یکی خالی و آن پراز شکر» چیست؟

۳۷- چرا «شر» از «خیر» چشم هایش را طلب کرد؟

۳۸- بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم ازوست

الف) خدا در همه جا هست، در هر جا که به تصور درآید.

ب) هرگز هیچ زیبایی لطیفی در این جهان ندیده ام مگر آنکه خواسته ام تمامی مهرم را نثارش کنم.

ج) حفظ شعر

جاهای خالی را پر کنید.

۳۹- به مردی به میدان جهان شد از ایشان

۴۰- در بارگاه قدس که جای ملال نیست

۴۱- هر تیر که در است گر بردل

۱ معنا
۲ بدن
۳ رنگ
۴ ای کس
۵ در هم
۶ ما را زه
۷ زابدن خود
۸ فکر نک
۹ برگم نیز ای
۱۰ همه
۱۱ ۱۰/۲۵ و کم
۱۲ اشکبوس
۱۳ برای تحمل ا
۱۴ شد. (۱۰/۲۵)
۱۵ در میدا
۱۶ نداشت (۲۵)
۱۷ برگشت. (۲۵)
۱۸ فوراً آن
۱۹ خیس گذاش
۲۰ ب) قلمرو زیانی
۲۱ مفعول ا
۲۲ آوردن دو
۲۳ به رستم بر (۲۵)
۲۴ شده ای
۲۵ می کند ← مع
۲۶ خدا ←
۲۷ حاجت ← مق
۲۸ امل
۲۹ طرفه و ع
۳۰ خطه نغز (۱۰/۲۵)
۳۱ کمان، تیر
۳۲ هر مورد (۱۰/۲۵)
۳۳ صدر (۲۵)

پانچ سوالات امتحانی

- الف) معنی شعر
- ۱ بدن خود را در ساحل رها کرده بود. (۰/۲۵)
 - ۲ رنگ را ماهرانه به کار می برد. (۰/۲۵)
 - ۳ ای کسی که لباس حسین را بردوش انداخته ای (۰/۲۵)
 - ۴ در هم نوایی با طوطیان ماهر بود. (۰/۲۵)
 - ۵ ما را زمان بیشتری در حمام بگذارد (۰/۲۵) تا چرک را از بدن خود پاک کنیم. (۰/۲۵)
 - ۶ فکر نکن که این عشق از میان برود (۰/۲۵) زیرا بعد از مرگم نیز این عشق ماندنی است. (۰/۲۵)
 - ۷ همه مردم (۰/۲۵) به این دلیل گمراه شدند (۰/۲۵) و کمتر کسی مردان حق را شناخت. (۰/۲۵)
 - ۸ اشکیوس گرز سنگینش را بلند کرد (۰/۲۵) زمین برای تحمل او مثل آهن (۰/۲۵) و آسمان پیر از گرد و غبار شد. (۰/۲۵)
 - ۹ در میدان جنگ توانایی (۰/۲۵) مقابله با او را نداشت (۰/۲۵); از او روی برگرداند (۰/۲۵) و به سرعت برگشت. (۰/۲۵)
 - ۱۰ فوراً آن مروارید گران قیمت را (۰/۲۵) پیش آن مرد خیس گذاشت (۰/۲۵)
 - ب) قلمرو زبانی (دستور)
 - ۱۱ مفعول (۰/۵)
 - ۱۲ آوردن دو حرف اضافه برای یک اسم (۰/۲۵)
 - به رستم بر (۰/۲۵)
 - ۱۳ شده ای ← ماضی نقلی (۰/۲۵)
 - مرکب ← مضارع اخباری (۰/۲۵)
 - ۱۴ خدا ← منادا (۰/۲۵)
 - حاجت ← مفعول (۰/۲۵)
 - املا
 - ۱۵ طرفه و عجیب (۰/۲۵) - خبث طینت (۰/۲۵)
 - خطه نغز (۰/۲۵) - نغخ صور (۰/۲۵)
 - ۱۶ کمان، تیر، پسر، شمشیر و ... (۲ مورد کافی است، هر مورد (۰/۲۵))
 - ۱۷ صدر (۰/۲۵)، قیاس (۰/۲۵)
- معنی واژه (هر مورد (۰/۲۵))
- ۱۸ شکوه، عظمت
 - ۱۹ سیمی
 - ۲۰ نزدیکی
 - ۲۱ اسب سرکش
 - ۲۲ آماده
 - ۲۳ زره
 - ۲۴ پشمینه پوش، فقیر
 - ۲۵ فقیر، بی چیز
 - پ) قلمرو ادبی
 - ۲۶ الف: تضمین (۰/۵)
 - ب: اغراق (مراعات نظیر) (۰/۵)
 - ۲۷ انسان های خودخواه و مغرور (۰/۵)
 - ۲۸ ایران (۰/۲۵)، مردم ایران (۰/۲۵)
 - ت) قلمرو فکری
 - ۲۹ آسمان (۰/۲۵)، برابری (۰/۲۵)
 - ۳۰ حضرت یعقوب با صبر خود بهترین معلم یوسف برای صبوری بود (۰/۵) (چگونه صبر کردن را به یوسف آموخت)
 - ۳۱ رمه ← مردم (۰/۲۵)
 - چوپان گرگ طبع ← والیان درنده خو (۰/۲۵)
 - ۳۲ زیرا این جوانان با الهام گرفتن از همان صدر اسلام و عاشورا دقیقاً مقابل کفر و دشمن خونخوار ایستادگی کردند (۰/۵)
 - ۳۳ توحید (۰/۵)
 - ۳۴ نگه داشتن اسب (۰/۵)
 - ۳۵ زخمی شدن گرد آفرید (۰/۲۵) و اسارت هجیر (۰/۲۵)
 - ۳۶ ظاهر یکسان دلیل بر یکی بودن باطن آنها نیست (۰/۵)
 - ۳۷ تا دیگر نتواند مرواریدها را از او پس بگیرد. (۰/۵)
 - ۳۸ با گزینه (ب) (۰/۵)
 - ج) حفظ شعر
 - ۳۹ نهادند روی (۰/۵)، پراز گفت و گوی (۰/۵)
 - ۴۰ سرهای قدسیان همه برزائوی غم است (۰/۵)
 - ۴۱ کیش (۰/۲۵)، ریش (۰/۲۵)